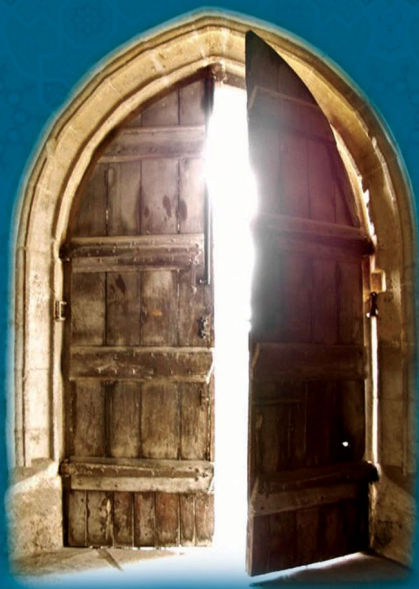


دروازه‌های به سوی ملکوت

آشنایی با نهضت مقدّس «بازگشت به اسلام»



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی





نام کتاب: **دروازه‌های به سوی ملکوت**: آشنایی با نهضت مقدّس

«بازگشت به اسلام»

ناشر: دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

نوبت چاپ: **پنجم**

زمان چاپ: مهر (میزان) ۱۳۹۹ هجری شمسی

مکان چاپ: بلخ؛ افغانستان

سوی ملوکوت دروازہ های

آشنایی با نهضت مقدس «بازگشت به اسلام»



فهرست

- آشنایی با علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی ۷
- آشنایی با علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی ۹
- آشنایی با آثار ۱۳
- آشنایی با کتاب «بازگشت به اسلام» ۱۵
- آشنایی با کتاب «هندسه‌ی عدالت» ۱۸
- آشنایی با کتاب «سبل السلام» ۲۱
- آشنایی با کتاب «الکلم الطیب» ۲۳
- آشنایی با کتاب «مناهج الرسول صلی الله علیه و آله و سلم» .. ۲۵
- آشنایی با پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی
حفظه الله تعالی ۲۹
- آشنایی با پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی
حفظه الله تعالی ۳۱
- آشنایی با «نهضت بازگشت به اسلام»؛ ویژگی‌های نهضت ۳۹
- ویژگی‌های نهضت ۴۱
- آشنایی با «نهضت بازگشت به اسلام»؛ اخبار نهضت ۱۳۷
- اخبار نهضت ۱۳۹



آشنایی با علامه

منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

آشنایی با علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، عالمی عادل، دعوتگری مجاهد و رهبری انقلابی در خراسان بزرگ است که از مکتب اعتقادی و فقهی ممتازی مبتنی بر یقینات اسلامی و به دور از رهیافت‌های ظنی برخوردار است و الگوی اعتدال، عقلانیت و وفاداری به مبانی و آرمان‌های اصیل اسلامی در عصر حاضر محسوب می‌شود و همه‌ی عمر مبارک خود را صرف اصلاح عقاید و اعمال مسلمانان و مبارزه با بدعتها و انحرافات موجود در مذاهب اسلامی کرده است و اکنون نهضتی جهانی را با شعار «بازگشت به اسلام» و نماد پرچم‌های سیاه نبوی رهبری می‌کند که هدف آن، زمینه‌سازی برای تحقق حکومت جهانی خداوند، از طریق تأسیس حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام به عنوان خلیفه‌ی خداوند در زمین است؛ با توجه به اینکه معتقد به امکان و حتمیت ظهور امام مهدی علیه السلام - این موعود پیامبران - در صورت وجود یاران کافی و آماده برای اوست و از این رو، همه‌ی تلاش خود را به کار می‌برد که از طریق گردآوری و تربیت یاران کافی و آماده برای او، زمینه‌ی ظهورش را فراهم سازد، تا این گونه راه برای تحقق عدالت جهانی و نجات انسان از خسران هموار شود ان شاء الله. این همان چیزی است که برخی حکومت‌های ظالم و منافق منطقه را از این عالم غریب و مظلوم ترسانده و به دشمنی و مقابله با او واداشته است^۱؛ تا جایی که او را

۱. به عنوان نمونه، بنگرید به: نقد و بررسی ۱۲۴.

تحت تعقیب و هدف انواع تهمت‌ها، توهین‌ها و تهدیدها قرار داده‌اند و به زندگی و فعالیت در خفا مجبور ساخته‌اند.^۱

این رهبر حکیم و آزاده که عظمت و نبوغ علمی او در آثار منتشر شده از او مشهود و محسوس است، تا حدی که از نظر اهل اطلاع و انصاف، اَلم علمای اُمّت شمرده می‌شود، وابسته به هیچ دولت یا ملّتی نیست؛ چراکه هیچ دولتی جز دولت خداوند و خلیفه‌ی او در زمین را مشروع نمی‌داند^۲ و هیچ مرزی میان مسلمانان جهان را به رسمیت نمی‌شناسد؛ همچنانکه وابسته به هیچ یک از مذاهب اسلامی نیست^۳؛ چراکه هیچ یک از آنها -خواه از مذاهب اهل سنّت و خواه از مذاهب شیعه- را کامل و بدون عیب نمی‌داند و معتقد است که همه‌ی آنها -کم یا بیش- به برخی بدعت‌ها و انحرافات اعتقادی و فقهی آلوده شده‌اند. از این رو، او تنها متعهد به اسلام خالص و کامل است و آن در قاموس او، مجموعه‌ی عقاید، اخلاق و احکامی است که تنها با تمسک به «قرآن»^۴ و «سنّت متواتر پیامبر»^۵ و در روشنایی «عقل سلیم»^۶ یعنی عقلی پیراسته از جهل، تقلید، اهواء نفسانی، دنیاگرایی، تعصّب، تکبر و خرافه‌گرایی شناخته می‌شود.^۷

این انسان بزرگ ولی بی‌ادّعا که بسیاری او را منصور خراسانی موعود

۱. در این باره، بنگرید به: گفتار ۳۲ و ۷۲.

۲. برای آگاهی در این باره، بنگرید به: کتاب «بازگشت به اسلام»، مبحث «حاکمیت غیر خداوند»،

ص ۱۲۶. همچنین، بنگرید به: نامه‌ی ۱۴.

۳. در این باره، بنگرید به: گفتار ۳۸.

۴. بنگرید به: گفتار ۲۳.

۵. بنگرید به: گفتار ۳۹.

۶. بنگرید به: گفتار ۲۴ و ۲۵ و پرسش و پاسخ ۲.

۷. برای آگاهی در این باره، بنگرید به: کتاب «بازگشت به اسلام»، مبحث «مواعظ شناخت».

-صاحب پرچم‌های سیاه- در روایات اسلامی می‌دانند^۱، خود را پیامبر یا امام یا دارای مقامی خاص از جانب خداوند نمی‌داند^۲. او تنها عالمی صالح و هدایت‌یافته است که به تکلیف عقلی و شرعی خود مبنی بر دعوت به سوی خیر و امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کند و از همه‌ی مسلمانان جهان توقع دارد که به حکم «وَتَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَالَّتَقْوَىٰ»^۳؛ «در نیکوکاری و پرهیزکاری همکاری کنید»، با او برای تحقق آرمان مقدّسش که آرمان اسلام است، همکاری کنند^۴.

لازم به ذکر است که تنها مرجع رسمی و معتبر برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی شخصیت، افکار و فعالیت‌های این عالم بزرگوار، «پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی» (پایگاه حاضر) است و هیچ یک از گمانه‌زنی‌ها و ادعاهای مراجع دیگر درباره‌ی او، پیش از تأیید و تصدیق این پایگاه، اعتباری ندارد و قابل اعتماد نیست.

اطلاعات بیشتر درباره‌ی او، در بخش‌های زیر منتشر می‌شود:

- گفتارها؛ عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور و نهضت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی
- پرسش‌ها و پاسخ‌ها؛ عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور و نهضت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی
- نقدها و بررسی‌ها؛ عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی

۱. بنگرید به: نقد و بررسی ۳۵.

۲. بنگرید به: گفتار ۳ و ۱۰ و پرسش و پاسخ ۸ و نقد و بررسی ۱۳۱.

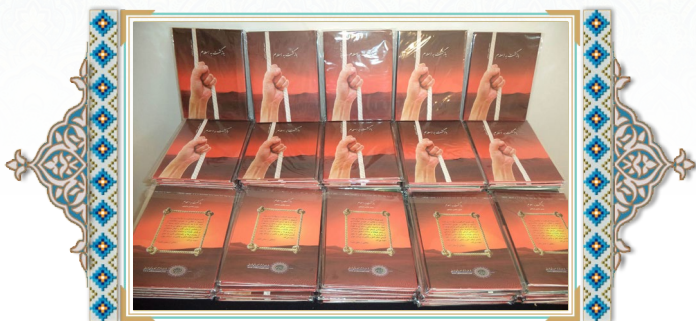
۳. مانده/ ۲

۴. به عنوان نمونه، بنگرید به: نامه‌ی ۱۰.

در حال حاضر، اطلاعات جزئی‌تر درباره‌ی او، تنها در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که با انگیزه‌ی حمایت از او، به عضویت در این پایگاه اسلامی در می‌آیند؛ همچنانکه به علت مشکلات و خطرات امنیتی فراوان، ملاقات با او تنها برای افراد شناخته شده و قابل اعتماد مقدور است^۱.

۱. برای آگاهی در این باره، بنگرید به: گفتار ۱۴۳.





آشنایی با کتاب «بازگشت به اسلام»

کتاب «بازگشت به اسلام» تقریر درس‌های علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که به مبنای یک نهضت فرهنگی مبارک و شعار مسلمانان مستضعف و آزادی‌خواه در سراسر جهان تبدیل شده است.

ناشر این کتاب در معرفی آن نوشته است:

> کتاب شریف «بازگشت به اسلام» اثری ممتاز، ارزشمند و انقلابی در حوزه‌ی اسلام‌شناسی است که با نقد خردورزانه‌ی قرائت موجود از اسلام و بازتعریف مبانی و منابع آن، به همراه آسیب‌شناسی تاریخی عقاید و اعمال مسلمانان، بر پایه‌ی یقینیات و مسلمات اسلامی و بر کنار از پیش‌فرض‌ها و راهبردهای ظنی، به سوی اقامه‌ی اسلام کامل و خالص در

سرتاسر جهان دعوت می‌کند. نگارنده‌ی دانشمند و فرزانه‌ی این کتاب، حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی، با نبوغ خاص و خدادادی خود که بر اهل دقت و فراست پوشیده نیست، بنیادی‌ترین مباحث علمی و تخصصی درباره‌ی اسلام را با عباراتی گویا و قابل فهم برای عموم مسلمانان، مطرح می‌کند و با بی‌اعتنایی عمدی به اصطلاحات رایج و اجتناب آگاهانه از لفاظی‌ها و زیاده‌گویی‌های معمول، عمیق‌ترین و دقیق‌ترین معارف اسلام را با ساده‌ترین و شفاف‌ترین اسلوب، به رشته‌ی تحریر در می‌آورد و با وارستگی کامل از فرقه‌ها و مذاهب گوناگون و آزادگی دلیرانه از قالب‌ها و جریان‌های سیاسی، در هیئت یک مسلمان حنیف ظاهر می‌شود و برادران و خواهران همسفر خود از هر فرقه، مذهب و سرزمین را پا به پای خود، از زمین تا آسمان معرفت دینی می‌رساند؛ چراکه همه‌ی پیش‌فرض‌های اسلامی را به کناری می‌نهد و از مبادی اولیه آغاز می‌کند و سپس در سفر دراز علمی و معرفتی خود، با پای‌افزار خرد در روشنایی کتاب خداوند که چونان چراغی در پیش روی او می‌درخشد، به والاترین علوم و معارف اسلامی دست می‌یابد و در این میان، هرگز به کلی‌گویی و بیان مفاهیم انتزاعی بسنده نمی‌کند، بلکه با بصیرت و آگاهی کامل نسبت به اهل زمان خود، مصادیق عینی و واقعی در جهان اسلام را می‌یابد و معرفی می‌کند و از افشای اشتباهات و انحرافات مسلمانان با شیوه‌ای خیرخواهانه و اصلاح‌گرانه، باکی به خود راه نمی‌دهد.

او بی‌گمان با اندیشه‌های والا و ژرف خود، کتابی را به رشته‌ی تحریر درآورده است که می‌تواند موجب بیداری مسلمانان جهان

و بازگشت آنان به اسلام ناب و رهایی‌شان از ذلت و مسکنت کنونی‌شان باشد؛ کتابی که با تیغ تیز نقّادی خود، جسم بیمار و رنجور امت اسلامی را می‌شکافد و ریشه‌ی ناکامی‌ها و نابسامانی‌های آن را با صراحت لهجه و شجاعتی بی‌نظیر، اعلام می‌نماید؛ کتابی که از واقعیت اسفبار موجود در جهان اسلام، به عنوان چیزی که هست، پرده برمی‌دارد و از حقیقت گم‌شده‌ی اسلام راستین به عنوان چیزی که باید باشد، سخن می‌گوید؛ کتابی که متعلّق به هیچ مذهب یا سرزمینی نیست، بلکه متعلّق به اسلام اصیل و همه‌ی پیروان آن در سراسر جهان است و هر مسلمان آزاداندیش و روشن‌ضمیری از هر مذهب و سرزمینی را با خود همراه می‌کند و ندای آسمانی بیداری اسلامی و بازگشت به آموزه‌های اصیل و فراموش‌شده‌ی اسلام را در شرق و غرب جهان طنین‌انداز می‌سازد.

این کتاب ارزشمند توسط دانشمند فاضل جناب آقای شیخ صالح سبزواری به فارسی شرح شده که در بخش «شرح‌ها» قابل دسترسی است. همچنین، یکی از محققان محترم مقاله‌ای با عنوان «مروری بر کتاب بازگشت به اسلام نوشته‌ی منصور هاشمی خراسانی» به رشته‌ی تحریر درآورده که مطالعه‌ی آن برای آشنایی اجمالی با محتوای این کتاب شریف بسیار مفید است.

*** برای دریافت کتاب بازگشت به اسلام و نرم‌افزارهای مرتبط با آن اینجا را کلیک کنید.**



آشنایی با کتاب «هندسه‌ی عدالت»

کتاب «هندسه‌ی عدالت» گوهری گران بها از آثار علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که در آغاز به صورت جزوه‌ای دست‌نویس در اختیار یاران نزدیک آن جناب قرار داشت. سپس چند سال پیش برای نخستین بار به صورت کتاب چاپ و در میان مؤمنان توزیع شد، ولی در دسترس عموم قرار نگرفت. سپس در عید قربان سال ۱۴۳۷ هجری قمری برای دومین بار چاپ و آماده‌ی توزیع عمومی شد، ولی به دلیل برخی موانع و مشکلات امنیتی امکان آن را نیافت، تا اینکه با یاری خداوند مهربان در پاییز سال ۱۴۴۰ هجری قمری امکان آن را پیدا کرد و در دسترس عموم قرار گرفت، تا مایه‌ی روشنی چشم طالبان علم و حکمت و تعلیم و تربیت مسلمانان جهان باشد.

ناشر این کتاب، در معرفی آن نوشته است:

> کتاب شریف «هندسه‌ی عدالت»، روایتی زیبا و دلنشین از گفت‌وگویی علمی و انقلابی با عالم مصلح حضرت منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی صاحب کتاب شریف «بازگشت به اسلام» است که توسط یکی از یاران او در دو جلسه برگزار شده و توسط جمعی از شاگردانش در دفتر آن جناب با شیوه‌ای بدیع و ادبی تدوین یافته و به نظر مبارک آن جناب رسیده است.

موضوع این گفت‌وگوی علمی و انقلابی، مهندسی «عدالت» به مثابه‌ی آرمان اسلام است که با آسیب‌شناسی بی‌سابقه‌ای در زمینه‌ی معضلات جهان و تحلیل بسیار دقیق و عمیقی از «حکومت اسلامی» و نقش متقابل «مهدی» و «مردم» همراه است. ارزش علمی و انقلابی این اثر بی‌نظیر که به حق باید آن را یک مکتب و ایدئولوژی فطری و اسلامی دانست، با وجود حجم اندک آن به اندازه‌ای است که می‌تواند اصلاحات بنیادینی را در قرائت رسمی مسلمانان از اسلام ایجاد کند و بسیاری از معادلات فرهنگی و سیاسی آنان را متحوّل سازد و جهت حرکت فردی و اجتماعی آنان را به سوی خلیفه‌ی خداوند در زمین تغییر دهد؛ چراکه این گفتمان با تکیه بر اصول عقلی، قوانین طبیعی و سنت‌های تاریخی و در هماهنگی کامل با آیات قرآن و روایات متواتر و با استفاده از عبارات گویا و الفاظ مأنوس و پرهیز از هر گونه تکلف و زیاده‌گویی، راه سعادت و کمال را به آدمیان نشان می‌دهد و چپستی و چگونگی عدالت - این گمشده‌ی همه‌ی

دوران‌ها- را به آنان می‌آموزد و دریچه‌ای نو به سوی آینده‌ای روشن را به روی آنان می‌گشاید.

این کتاب را از جهات مختلفی می‌توان مکمل کتاب «بازگشت به اسلام» یا طرحی جامع برای عملیاتی کردن آن دانست؛ چراکه با متانت و اِتقانی فوق العاده، استراتژی انقلاب جهانی را تبیین می‌کند و نقشه‌ی راه زمینه‌سازی برای حاکمیت مهدی را به تصویر می‌کشد و فرایند گذار از عصر تاریک ستم به دوران درخشان عدالت را مرحله به مرحله توضیح می‌دهد و در عین حال، از عظمت علمی عالمی کامل حکایت می‌کند که این حکمت‌نامه، حاصل دو مجلس اوست!

بر این اساس، سزاوار است همه‌ی کسانی که ارزش این گفتمان مبارک اسلامی را درک می‌کنند، ما را در ترجمه، چاپ و نشر آن میان مسلمانان جهان، یاری رسانند؛ چراکه این کار، با وجود مخالفت‌ها و سنگ‌اندازی‌های گوناگون، کاری به غایت دشوار و نفس‌گیر است و از این دفتر مستقل و مردم‌نهاد با توانایی و بضاعت ناچیزش ساخته نیست. باشد که این کار زمینه‌ی حاکمیت خلیفه‌ی خداوند در زمین را از حیث نظری فراهم سازد و مسلمانان را برای ورود به میدان عمل با هدف اجرای این برنامه‌ی اسلامی آماده کند.

*** برای دریافت کتاب هندسه‌ی عدالت اینجا را کلیک کنید.**



آشنایی با کتاب «سبیل السَّلام»

کتاب «سبیل السَّلام» مجموعه‌ای ارزشمند حاوی نامه‌ها و گفتارهای فارسی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است.

ناشر این کتاب در معرفی آن نوشته است:

>خدای را سپاس می‌گزاریم که در سالروز کمال دین و تمام نعمت، ما را به برداشتن گامی دیگر در راه نشر معارف اسلام ناب و معرفی دین خالص به جهانیان از طریق نشر اثری دیگر از آثار نورانی و حیات‌بخش حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی -این بنده‌ی صالح خود- موفق فرمود.

کتاب پیش رو با نام قرآنی «سُبُلُ السَّلام» به معنای «راه‌های سلامت»، گنجینه‌ای ارزشمند از نامه‌ها و گفتارهای فارسی حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است

که توسط دفتر آن جناب به صورت کتاب جمع‌آوری و تدوین شده است تا مایه‌ی روشنی چشم طالبان علم و حکمت و تعلیم و تربیت مسلمانان فارسی‌زبان باشد. بدون شک هماهنگی و همانندی این آموزه‌ها با آموزه‌های پیامبران و امامان هدایت، بر هیچ خواننده‌ی منصف و مطلع‌ی پوشیده نیست و از هماهنگی و همانندی اندیشه، سیره و روحیه‌ی این انسان بزرگ، با اندیشه، سیره و روحیه‌ی آنان برخاسته است و از شکل‌گیری شخصیت او بر پایه‌ی تبعیت کامل از آنان حکایت می‌کند و به روشنی نمایان می‌سازد که او مردی از تبار آنان است و پا بر جای پای آنان می‌گذارد؛ همچنانکه نه تنها نامه‌ها و گفتارهای او از سنخ نامه‌ها و گفتارهای آنان است، بلکه نهضت عملی او نیز استمرار نهضت عملی آنان برای اقامه‌ی اسلام حقیقی در جهان و مبارزه با ظلم و بدعت‌هاست.

انتظار می‌رود که این اثر گران‌بها، با عنایت به ظرایف علمی، عجایب تربیتی و بدایع ادبی فراوانی که در آن نهفته است، با قدرشناسی و استفاده‌ی ویژه‌ی اهل علم و ادب همراه شود؛ همچنانکه امید می‌رود به اصلاح عقاید و اعمال همه‌ی مسلمانان در این قرن پرآشوب کمک کند.

*** برای دریافت کتاب «سبل السّلام» اینجا را کلیک کنید.**



آشنایی با کتاب «الکلم الطَّيِّب»

کتاب شریف «الکلم الطَّيِّب» یکی از آثار تربیتی و بسیار سودمند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که به ارائه‌ی برخی نامه‌های آن جناب به شاگردانش و برخی دیگر از مردم درباره‌ی موضوعات مختلف اسلامی می‌پردازد.

ناشر این کتاب در معرفی آن نوشته است:

> خدای را سپاس می‌گزاریم که ما را به برداشتن گامی دیگر در راه نشر معارف اسلام ناب و معرفی دین خالص به جهانیان در این روزگار پرفتنه از طریق نشر اثری دیگر از آثار نورانی و حیات‌بخش حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی - این بنده‌ی صالح خود- موفق فرمود.

کتاب پیش رو با نام قرآنی «الکلم الطَّيِّب» به معنای «سخنان پاکیزه»، گنجینه‌ای ارزشمند از نامه‌های نوشته شده توسط حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی برای شاگردان ایشان و سایر مردم است که توسط دفتر آن جناب به صورت کتاب جمع‌آوری و تدوین شده است تا مایه‌ی روشنی چشم طالبان علم و حکمت و تعلیم و تربیت مسلمانان جهان باشد. بدون شک هماهنگی و همانندی این نوشته‌ها با نوشته‌های پیامبران و صدیقان، بر هیچ خواننده‌ی منصف و مطلعی پوشیده نیست و از هماهنگی و همانندی اندیشه، سیره و روحیه‌ی این انسان بزرگ، با اندیشه، سیره و روحیه‌ی آنان برخاسته است و از شکل‌گیری شخصیت او بر پایه‌ی تبعیت کامل از آنان حکایت می‌کند و به روشنی نمایان می‌سازد که او مردی از تبار آنان است و پا بر جای پای آنان می‌گذارد؛ همچنانکه نه تنها گفتارها و نامه‌های او از سنخ گفتارها و نامه‌های آنان است، بلکه نهضت عملی او نیز استمرار نهضت عملی آنان برای اقامه‌ی اسلام حقیقی در جهان و مبارزه با ظلم و بدعت‌هاست.

امید می‌رود که این مجموعه‌ی آموزنده به اصلاح عقاید و اعمال مسلمانان جهان در این قرن پرآشوب کمک کند. گفتنی است که این مجموعه، هر از چند گاهی به روز می‌شود و با این وصف، برای طالبان علم و حکمت شایسته است که پیگیر آن باشند و جدیدترین نسخه‌ی آن را دریافت کنند ان شاء الله. <

*** برای دریافت کتاب «الکلم الطَّيِّب» اینجا و برای مطالعه‌ی نامه‌های علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی بر روی این پایگاه اینجا را کلیک کنید.**



آشنایی با کتاب «مناهج الرسول صلی الله علیه و آله و سلم»

کتاب شریف «مناهج الرسول صلی الله علیه و آله و سلم» یکی دیگر از آثار تربیتی و بسیار سودمند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که به ارائه‌ی برخی حکمت‌ها، نکته‌ها، مثل‌ها، اندرزها و پاسخ‌های شفاهی آن جناب درباره‌ی موضوعات مختلف اسلامی در ابواب مقدمات، عقاید، اخلاق و احکام می‌پردازد.

ناشر این کتاب در معرفی آن نوشته است:

> خدای را سپاس می‌گزاریم که در ایام مبارک ولادت پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم، ما را به برداشتن گامی دیگر در راه نشر معارف اسلام ناب و معرفی دین خالص به جهانیان از طریق نشر اثری دیگر از آثار نورانی و حیات‌بخش علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی - این بنده‌ی صالح خود- موفق فرمود.

کتاب پیش رو با نام زیبای «مناهج الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» به معنای «راه‌های روشن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» و «سَلَّمَ» متمنّاً به ایام مبارک ولادت آن حضرت و برگرفته از گفتار امیدبخش امیر المؤمنین علی بن ابی طالب درباره‌ی زمینه‌ساز خراسانی ظهور مهدی علیه السّلام که فرمود: «إِنْ أَتَبَعْتُمْ طَالِعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مَنَاهِجَ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»: «اگر از برآینده‌ی مشرق پیروی کنید شما را به راه‌های روشن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رهسپار می‌سازد»، گنجینه‌ای ارزشمند از حکمت‌ها، نکته‌ها، مثل‌ها، اندرزها و پاسخ‌های شفاهی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که به دو زبان عربی و فارسی از آن جناب صدور یافته و توسط یاران و شاگردان نزدیک و مورد اعتمادشان با دقتی فوق العاده حفظ و روایت شده و توسط دفتر ایشان در چهار بخش «مقدمات»، «عقاید»، «اخلاق» و «احکام» تنظیم و منتشر گردیده است تا مایه‌ی آشنایی مسلمانان جهان با اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و روشنی چشم طالبان علم و حکمت باشد.

پوشیده نیست که نقل گفتارهای بزرگان دین، با توجه به ارزش و اهمیت آن، همواره با دقتی فوق العاده و به صورت مُسند (با ذکر نام راوی) انجام شده و این سنت حسنه‌ای بوده که بنای مسلمانان از آغاز بر آن قرار گرفته است؛ چنانکه گفتارهای پیامبر، اهل بیت، صحابه، تابعان، اتباع تابعان و علمای بزرگ مسلمان در طول تاریخ اسلامی، همواره با این شیوه روایت شده و مانند میراثی گران‌بها از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. بر این اساس، گفتارهای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی -این وارث

سلف صالح- نیز با این شیوه روایت شده؛ خصوصاً با توجه به اینکه الفاظ و عبارات این نادره‌ی دوران از کمال دقت و وزانت برخوردار است و نزدیک‌ترین الفاظ و عبارات به الفاظ و عبارات پیامبر و اهل بیت اوست و با این وصف، بایسته است که حتی امکان بدون زیادت و نقصان روایت شود.

بدون شک هماهنگی و همانندی این گفتارها با گفتارهای پیامبر و اهل بیت او، بر هیچ خواننده‌ی منصف و مطلعی پوشیده نیست و از هماهنگی و همانندی اندیشه، سیره و روحیه‌ی این انسان بزرگ، با اندیشه، سیره و روحیه‌ی آنان برخاسته است و از شکل‌گیری شخصیت او بر پایه‌ی تبعیت کامل از آنان حکایت می‌کند و به روشنی نمایان می‌سازد که او مردی از تبار آنان است و پا بر جای پای آنان می‌گذارد؛ همچنانکه نه تنها گفتارهای او از سنخ گفتارهای آنان است، بلکه نهضت عملی او نیز استمرار نهضت عملی آنان برای اقامه‌ی اسلام حقیقی در جهان و مبارزه با ظلم و بدعت‌هاست.

امید می‌رود که این مجموعه‌ی آموزنده به اصلاح عقاید و اعمال مسلمانان جهان در این قرن پرآشوب کمک کند. گفتنی است که این مجموعه، هر از چند گاهی به روز می‌شود و با این وصف، برای طالبان علم و حکمت شایسته است که پیگیر آن باشند و جدیدترین نسخه‌ی آن را دریافت کنند ان شاء الله. <

*** برای دریافت کتاب «مناهج الرسول صلی الله علیه و آله و سلم» اینجا و برای مطالعه‌ی گفتارهای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی بر روی این پایگاه اینجا را کلیک کنید.**





آشنایی با پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، یک پایگاه اینترنتی بسیار غنی با محتوای علمی و فرهنگی است که با هدف دعوت به سوی خیر و امر به معروف و نهی از منکر از طریق معرفتی، ترویج و تبیین آثار و اندیشه‌های اسلامی این عالم بزرگوار و پاسخگویی به نقدها و پرسش‌های مردم درباره‌ی آن‌ها راه‌اندازی شده است. این پایگاه اسلامی با اذن خاص این عالم مجاهد، توسط گروهی از شاگردان مبزز و متعهد ایشان، زیر نظر مسؤول دفترشان استاد معظم جناب آقای دکتر ذاکر معروف، اداره می‌شود و بر پایه‌ی آشنایی کامل با اندیشه‌ها و آموزه‌های ایشان و نصوص و دروس مکتوب و مضبوطی که از ایشان در اختیار دارد و نیز مراجعه به ایشان در موارد لزوم، پاسخگویی پرسش‌ها و نقدهای مردم است.

«در این پایگاه اسلامی به برکت آموزه‌های نورانی حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، ... بسیاری از معارف و احکام واقعی اسلام در ابواب مختلف پس از قرن‌ها کتمان یا ابهام آشکار گشته و گره‌های علمی بسیاری در حوزه‌ی عقاید، اخلاق و فقه باز شده است، تا جایی که می‌توان این پایگاه اینترنتی را دائرة المعارفی از اسلام ناب و گنجینه‌ای بی‌نظیر از حکمت و یقین دانست، ولی سؤال این است که آیا مردم تاکنون قدر آن را دانسته‌اند و بهره‌ی لازم را از آن برده‌اند؟! متأسفانه چنین نیست. آن‌ها تاکنون قدردان این عالم حقیقی نبوده‌اند و از این نعمت عظیم الهی که به صورت رایگان در اختیارشان قرار گرفته است، بهره‌ی لازم را نبرده‌اند. آن‌ها همچنان مشغول تقلید از عالمان دروغین و وابسته هستند و به استفاده از پایگاه‌هایی عادت کرده‌اند که احکام اسلام را بدون هیچ استدلالی و چه بسا به صورت نادرست در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند و سطح آگاهی آن‌ها درباره‌ی دین را مطلقاً رشد نمی‌دهند، بلکه پایین‌تر می‌آورند. حتی اهل علم در میان آن‌ها چشم خود را به روی این گوهرهای علمی بسته‌اند و عمداً نسبت به این همه حکمت و عقلانیت در گفتمان حضرت علامه حفظه الله تعالی تجاهل و بی‌اعتنایی می‌کنند، در حالی که شایسته بود تکبر، حسد و ترس را کنار بگذارند و در برابر عظمت این شخصیت ملکوتی سر تعظیم فرود آورند و به سوی کسب معرفت از محضرش بشتابند، یا دست کم به بحث و تبادل نظر درباره‌ی آموزه‌های بدیع و استوار او پردازند تا این تصور پدید نیاید که به سنگ یا چیزی سخت‌تر از آن تبدیل شده‌اند! ... به راستی

آیا خداوند بعد از این همه ناسپاسی همچنان بر نعمت خود خواهد افزود و آن را از ناسپاسان سلب نخواهد کرد؟! در حالی که به تعبیر نورانی حضرت علامه حفظه الله تعالی: <همچنانکه شیر را در ظرف‌های آلوده نمی‌ریزند، معرفت را در دل‌های آلوده قرار نمی‌دهند و همچنانکه گوهر را در سطل زباله نمی‌افکنند، حکمت را در سینه‌های ناپاک نمی‌گذارند؛ تا آنان که اندیشه‌ی بد را از دل‌های خود زدوده‌اند به معرفت دست یابند و آنان که شک را از سینه‌های خود بیرون رانده‌اند به حکمت نائل شوند و آنان که بداندیش و شکاک‌اند در جهالت و بی‌خبری بمانند.> (نامه‌ی ۶)

به راستی چه اندازه شرم‌آور و تأسف‌برانگیز است که امروز اگر حاکمی ستمگر یا عالمی گمراه یا حتی یک فوتبالیست یا دلکک سینما، نکته‌ی بی‌اهمیت و سخیفی را بگوید بلافاصله در همه‌ی دنیا انتشار می‌یابد و توجه همگان را به خود جلب می‌کند، ولی به صورت روزانه در این پایگاه فرهنگی ابعادی نو از اسلام آشکار و معضلاتی کهنه از مسلمانان حل می‌شود بدون اینکه کمترین انعکاسی در میان این مردم مرده و جامعه‌ی پوسیده پیدا کند؛ چنانکه گویی سمفونی زیبایی برای ناشنوایان نواخته می‌شود یا فلسفه‌ی جدیدی برای گوسفندان تدریس می‌شود یا موعظه‌ی بلیغی برای سنگ‌ها ایراد می‌شود! هر چند از این نباید به شگفت آمد؛ چنانکه حضرت علامه حفظه الله تعالی درباره‌ی آن فرموده است:

<آیا از این به شگفت آمده‌اید؟! من برای شما خواهم گفت، هرگاه گوش خود را بکشایید تا بشنوید و هوش خود را به کار گیرید تا دریابید؛ چرا که دهانم به راستی متکلم است و

دستم به درستی اشاره می‌کند... اکنون زمان برای بدبختی مناسب و مکان برای تباهی مستعد است؛ چراکه جهالت شیوع یافته و حکمت نایاب شده است. سفاقت مانند طلا معامله می‌شود، در حالی که حکمت با خاک برابر است. کلمه‌ی لغو دهان به دهان می‌چرخد، ولی کلمه‌ی حکمت فراموش می‌شود. بازار اباطیل گرم است، ولی برای حکمت مشتری یافت نمی‌شود. مسخرگی از وعظ خوشایندتر است و دلککان از حکیمان ارزشمندترند. هرزگی آفاق را پر کرده است، ولی از فرزاندگی در جایی نشانی نیست. همه‌ی روز بطلت کم است، ولی یک ساعت موعظه زیاد شمرده می‌شود. مردمان به حکمت راغب نیستند و برای آن وقت نمی‌گذارند. سرها سنگین و سینه‌ها تنگ است. دست‌ها بسته و پاها لنگ است. در چنین هنگامه‌ی شومی، آیا توقع چیزی جز بی‌اعتنایی به من را دارید؟! یا در انتظار چیزی جز دشمنی با من به سر می‌برید؟! نه به خدا سوگند، بلکه آنان هرگز با من دوستی نخواهند کرد و هرگز با من همراه نخواهند شد، مگر هنگامی که از خواهش‌های آنان پیروی کنم یا زمین را از خون و عرق سیراب سازم! (گفتار ۴۲)

روشن است که با این اوصاف، انگیزه‌ی ما برای نشر عمومی معارف این چشمه‌ی جوشان علم و حکمت کاهش می‌یابد، تا حدی که ترجیح می‌دهیم آن‌ها را بیشتر در اختیار یاران قدرشناس و شایسته‌ی ایشان قرار دهیم؛ همان‌ها که درباره‌ی‌شان فرموده است: <آن‌ها را برای من همراهانی پدیدار و یارانی وفادار خواهی یافت که علمم را فرا می‌گیرند و از دستبرد

نگه می‌دارند و چشمه‌های آن را جاری می‌سازند و برای عمل به آن مسابقه می‌گذارند؛ چراکه آن‌ها را چشمی بینا و گوش‌شنواست و قدر عالم را می‌شناسند. < (گفتار ۱۱)

و البته در این میان، چیزی که باعث نگرانی می‌شود آن است که این دلمردگی و وارفتگی مردم و عدم استقبالشان از حکمت ناب و دعوت به سوی اسلام حقیقی، می‌تواند - به طریق اولی - نشانه‌ای از عدم آمادگی آنان برای ظهور امام مهدی علیه السلام باشد و این پیام را به آن حضرت مخابره کند که اکنون زمان آمدن نیست! > (پرشش و پاسخ ۲۸۳)

این پایگاه اسلامی دارای بخش‌های زیر است:

کتاب‌ها

این بخش شامل برخی کتاب‌های نوشته شده توسط حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی یا جمع‌آوری شده توسط شاگردان ایشان و نیز نرم‌افزارهای مرتبط با آن‌ها است که به مرور زمان، کتاب‌ها و نرم‌افزارهای جدیدی را منتشر می‌کند ان شاء الله.

نامه‌ها

این بخش شامل برخی نامه‌های نوشته شده توسط حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی برای یاران و شاگردان ایشان و نیز سایر مردم به منظور تعلیم و تربیت آنان است که به مرور زمان و به مناسبت، تکمیل خواهد شد ان شاء الله.

گفتارها

این بخش شامل برخی حکمت‌ها، نکته‌ها، مثل‌ها، اندرزها و پاسخ‌های

شفاهی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که به دو زبان عربی و فارسی از آن جناب صادر و توسط یاران و شاگردان ایشان با دقت حفظ و روایت شده و در چهار بخش «مقدمات»، «عقاید»، «اخلاق» و «احکام» موضوع‌بندی و مرتب گردیده است و به مرور زمان، تکمیل می‌شود ان شاء الله.

درس‌ها

این بخش شامل برخی درس‌های علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی با محوریت قرآن و سنت است که در برخی مجالس ایشان برای شاگردانشان املا شده و توسط آنان به تقریر درآمده است و به تدریج منتشر می‌شود ان شاء الله.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

این بخش شامل پرسش‌های مردم درباره‌ی آثار و اندیشه‌های علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و نیز سایر موضوعات اعتقادی، اخلاقی و فقهی، به همراه پاسخ‌های علمی، مستدل و بسیار دقیق هیئتی از اساتید فاضل از شاگردان آن بزرگوار است که با نظر به تنوع پرسش‌های مردم، در چهار بخش «مقدمات»، «عقاید»، «اخلاق» و «احکام» موضوع‌بندی و مرتب شده است. در این بخش، امکان ثبت پرسش جدید توسط مردم وجود دارد.

نقدها و بررسی‌ها

این بخش شامل نقدهای منتقدان بر مبانی، دیدگاه‌ها و اقدامات علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، همراه با بررسی‌های علمی، مستدل و بسیار دقیق آن‌ها توسط هیئتی از اساتید فاضل از

شاگردان ایشان است که در سه بخش «مقدمات»، «عقاید» و «احکام» موضوع‌بندی و مرتب شده است. در این بخش، امکان ثبت نقد جدید توسط مردم وجود دارد.

مقاله‌ها و نکته‌ها

این بخش شامل مقاله‌ها و نکته‌های ارسال شده توسط مردم برای این پایگاه اسلامی در پیوند با آثار و اندیشه‌های علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که با نظر به موضوع و سبک نگارش آن‌ها در دو دسته‌ی «مقاله‌ها» و «نکته‌ها» دسته‌بندی شده‌اند. «مقاله‌ها» غالباً شامل دیدگاه‌های علمی‌تر و تحلیلی‌تر درباره‌ی موضوعاتی عمومی است و «نکته‌ها» غالباً شامل نظرها، خاطره‌ها و دل‌نوشته‌هایی است که بیشتر حالتی ادبی و موضوعاتی شخصی‌تر دارند. در این بخش، فرمی نیز برای نوشتن مقاله یا نکته توسط مردم قرار داده شده است.

نگارخانه

این بخش شامل سه دسته‌ی «عکس»، «فیلم» و «صوت» است. دسته‌ی «عکس» شامل پوسترهایی زیبا و هنری با موضوع «کتاب‌ها»، «گفتارها» و «م‌تفرقه» است که برای حفظ و تبلیغ فرازهای مهمی از کتاب‌ها و گفتارهای حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و برخی مطالب دیگر مفید هستند و دسته‌ی «فیلم» شامل مجموعه‌ای با عنوان «همراه با قرآن» حاوی فیلم‌های کوتاهی از آیات برگزیده‌ی کتاب خداوند با قرائت زیبای قاریان برجسته و ترجمه‌ی دقیق و روان علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و مجموعه‌ای با عنوان «همراه با نهضت بازگشت به اسلام» شامل فیلم‌های کوتاهی درباره‌ی کتاب شریف «بازگشت به اسلام»

و برخی نکات مطرح شده در آن و مجموعه‌ای با عنوان «همراه با مردم» شامل فیلم‌های کوتاه ارسال شده توسط مردم به این پایگاه اسلامی است و دسته‌ی «صوت» شامل «سخنرانی‌ها» و «قطعات صوتی» زیبا و تأثیرگذاری است که به تبیین اندیشه‌های علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی می‌پردازد.

عضویت در پایگاه

عضویت فعال در پایگاه، دروازه‌ی ورود به نهضت «بازگشت به اسلام» و کلید ارتباط با علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و شاگردان اوست. بنابراین، کسانی که مایل به این ورود و ارتباط هستند، باید فرم عضویت فعال در این پایگاه را پر کنند. در این صورت، نام آنان در لیست زمینه‌سازان ظهور امام مهدی علیه السلام ثبت می‌شود و امکان همفکری و همکاری آنان با علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و شاگردان او فراهم می‌گردد ان شاء الله. برای کسانی که مایل به این ورود و ارتباط نیستند، بلکه تنها مایل به دریافت اخبار و مطالب جدید پایگاه هستند، کافی است که فرم عضویت در خبرنامه را پر کنند تا اخبار و مطالب جدید پایگاه به صورت رایگان برایشان ارسال شود ان شاء الله.





آشنایی با

نهضت «بازگشت به اسلام»

ویژگی‌های نهضت

ویژگی‌های نهضت



نهضت مبارک «بازگشت به اسلام» با رهبری عالم مجاهد حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، یک نهضت مردمی با محتوای اسلامی و رویکرد علمی به منظور احیاء اسلام نخستین بر بنیاد کتاب خداوند و سنت متواتر پیامبرش و در روشنایی عقل سلیم است که برای تأسیس حکومت خداوند در زمین از طریق تأسیس حکومت خلیفه‌اش با جمع‌آوری و تربیت حامیان کافی برای او تلاش می‌کند. واضح است که چنین نهضتی با این محتوا، رویکرد و آرمان اسلامی، برای هر مسلمانی در جهان که به خلیفه‌ی خداوند باور دارد، قابل احترام و تأیید است و مقابله با آن جز با عبور از همه‌ی اصول و ارزش‌های اسلامی ممکن نیست؛ نهضت مقدّس و متمایزی که با اتکاء خالص بر منابع مشترک و یقینی و استقلال کامل از همه‌ی جریان‌های سیاسی و مذهبی، چتر خود را برای همه‌ی مسلمانان جهان گشوده و در حال مبارزه‌ی فرهنگی با موانع شناخت در آنان مانند جهل، تقلید، اهواء نفسانی، دنیاگرایی، تعصّب، تکبر و خرافه‌گرایی و شناساندن اسلام خالص و کامل به آنان بر کنار از برداشت‌های ظنّی و بدعت‌های مذهبی است، تا با این شیوه آنان را با یکدیگر متحد کند و به تدریج مقدّمات لازم برای سقوط حاکمیت دجال و تحقّق حاکمیت مهدی به عنوان خلیفه‌ی عادل و مورد قبول همه‌ی آنان را فراهم سازد [مقاله‌ی «شگردهای تبلیغاتی برای مقابله با نهضت بازگشت به اسلام» نوشته‌ی دکتر ذاکر معروف].



رهبری این جریان اسلامی به عهده‌ی شخصیتی عالم، وارسته، دلسوز و آگاه است که در جایگاهی فرا ملی و فرا مذهبی قرار دارد و از عقلانی‌ترین و یقینی‌ترین منابع اسلامی مایه می‌گیرد و به سوی آرمانی مشترک و قابل قبول برای همه‌ی مسلمانان دعوت می‌کند. حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی با طرح شعار «بازگشت به اسلام» و دعوت همه‌جانبه و گسترده‌ی همه‌ی مسلمانان جهان به سوی شناختی واحد از اسلام به عنوان مبنایی استوار برای اتحاد و کنار گذاشتن اختلافات موجود، همه‌ی مسلمانان جهان از همه‌ی مذاهب را مخاطب ساخته و این‌گونه زمینه را برای اقامه‌ی اسلام خالص و کامل در جهان فراهم می‌سازند. ایشان در کتاب متفاوت و تأثیرگذار خود با عنوان «بازگشت به اسلام» به طرح مبانی تعیین‌کننده و بنیادین درباره‌ی اوضاع کنونی جهان اسلام و نیز ریشه‌یابی دقیق و آسیب‌شناسی موشکافانه و عمیقی در حوزه‌ی عقاید و اعمال مسلمانان می‌پردازد. حضرت علامه هاشمی خراسانی بر خلاف همه‌ی کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند به جای حاشیه‌پردازی و طرح مسائل دسته‌چندم و بی‌اهمیت که تنها زمان و نیروی مسلمانان را هدر می‌دهد، با صراحت لهجه و شجاعتی ستودنی و رویکردی حکیمانه، سخنی را در این حوزه ناگفته نمی‌گذارد و دقیقاً به هدف می‌زند و ریشه‌ی معضلات کشورهای اسلامی را با بیانی شیوا و قابل فهم برای همگان تبیین می‌کند [مقاله‌ی «جهان اسلام؛ در تکاپوی راه نجات» نوشته‌ی سید صادق پورمحمدی].



آنچه مسلم و مشهود است، این است که امروزه مسلمانان و کشورها و حکومت‌های اسلامی با وضعیت نامساعد و نامطلوبی در همه‌ی زمینه‌ها

و عرصه‌های مختلف حکومتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روابط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مواجهند و متأسفانه وضعیت آن‌ها در هیچ زمینه‌ای با شرایط زیست مطلوب و مورد نظر اسلام مطابقت ندارد و از هیچ وضعیت و شرایط شایسته و خوشایندی برخوردار نیستند. حاکمیت استبداد دینی به عنوان بدترین شکل و نوع استبداد در اکثریت نزدیک به تمامی کشورهای اسلامی، سوء مدیریت شدید و به یغما رفتن منابع و ثروت‌های هنگفت مسلمانان، عقب افتادگی و وابستگی و فقر و بیچارگی اکثر مسلمانان و دول اسلامی علی‌رغم داشتن منابع سرشار ثروت، شدت و گستردگی نقض حقوق بشر و ظلم و بی‌عدالتی در جوامع مسلمان و کشورهای به اصطلاح اسلامی، رشد گسترده و روز افزون و سیستماتیک فساد در همه‌ی زمینه‌ها و در همه‌ی سطوح، دور شدن از معنویت و اخلاق و گسترش بی‌اندازه‌ی دروغ، نفاق، فریب، خیانت، حرام‌خواری و جرم و شرارت و جنایت در بین مسلمانان و حاکمان آن‌ها، استحمار و استثمار دینی توده‌ی مسلمان توسط روحانیون و علمای دین با گرایش شدید آن‌ها به حاکمان ظالم و فاسد و جنایتکار و روی آوری بی‌حد و مرزشان به دنیا و قدرت و ثروت و توجیه همه‌ی این‌ها با ابزار دین و با اسم دین، اختلافات منطقه‌ای و بین‌المللی کشورهای مسلمان با همدیگر و درگیری‌های داخلی و فرقه‌ای و مذهبی تا حدّ تکفیر و تفسیق یکدیگر و جنگ و کشتارهای وحشتناک در بین آن‌ها همه از مؤلفه‌ها و شاخص‌های امروز جوامع و کشورها و حکومت‌های اسلامی است که وفور و گستردگی و ملموس و مشهود بودن آن‌ها جایی برای نفی و انکارشان باقی نمی‌گذارد...

با این وصف این سوال منطقی برای هر متفکر و اندیشمندی مطرح است که این همه ناهنجاری در جوامع و کشورهای اسلامی ناشی از چیست؟

و چه علل و عواملی در پیدایش آن‌ها دخیلند؟ و کدامین علت را می‌توان به عنوان ریشه‌ی اصلی و علت العلل به وجود آمدن ناهنجاری‌های موجود برشمرد و مورد اشاره قرار داد؟ عده‌ای ریشه‌ی اختلال و ناکامی جوامع و کشورهای اسلامی را به خود اسلام نسبت می‌دهند و می‌پندارند که اسلام نه تنها کفایت لازم را برای حلّ مشکلات مسلمانان ندارد و نه تنها قادر به حلّ مشکلات آن‌ها نیست بلکه خود، ریشه و عامل اصلی مشکلات آن‌هاست. اینان مدّعی‌اند که مسلمانان همه‌ی انواع قرائت‌های گوناگون از اسلام را آزموده و تجربه کرده‌اند؛ از اسلام سنی گرفته تا اسلام شیعی؛ از اسلام وهابی آل سعود گرفته تا اسلام ولایت مطلقه‌ی فقیه حاکمان ایران؛ از اسلام القاعده بن لادن گرفته تا اسلام طالبانی ملا عمر؛ از اسلام بوکو حرام گرفته تا اسلام داعش ابوبکر بغدادی که محصول همه‌ی آن‌ها برای مسلمانان و دیگر مردمان چیزی جز جهل و خرافه و فقر و نکبت و بدبختی و عقب ماندگی و خشونت و آوارگی و قتل و کشتار نبوده است و با این وصف، چاره‌ی نجات و رهایی مسلمانان را جز دست کشیدن از اسلام و روی آوردن به مبانی تمدّن جدید نمی‌دانند. در برابر این گروه، عده‌ای دیگر هستند که به اسلام واقعی ایمان و باور راستین دارند و آن را دینی کامل و سعادت بخش می‌دانند و به ظرفیت و توانایی آن به حلّ مشکلات مادی و معنوی مسلمانان اعتقاد دارند. این عده که در رأس آن‌ها علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی می‌باشد، بر این باورند که ریشه‌ی مشکلات مسلمانان دور شدن از اسلام خالص و کامل است؛ چراکه امروزه آنچه مسلمانان به نام اسلام می‌شناسند اسلام اصیل و واقعی و ناشی از خواست و اراده‌ی خداوند نیست، بلکه اسلامی است که غالباً آلوده به اراده و خواست غیر خداوند شده است؛ دینی تحریف شده و مبتنی بر اوهام و ظنّیات غیر معتبر که از بطن یقینیات و مسلمّات

اسلامی یعنی کتاب خدا و سنت متواتر و هدایتگری‌های خلیفه‌ی واقعی خداوند حضرت مهدی بر نخاسته و با مبانی عقلی نیز هماهنگی ندارد. از همین روست که به جرأت می‌توان گفت بسیاری از معضلات جهان اسلام معلول پیروی از خواست و اراده‌ی غیر خداوند است. در همین راستاست که علامه‌ی مجاهد منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی راه برون‌رفت و خروج مسلمانان از وضعیت نامطلوب و بحرانی موجود را «بازگشت به اسلام» اصیل و خالص مورد نظر خداوند و پیاده شدن آن به صورت کامل و با همه‌ی اجزایش در پرتو نورانی حاکمیت و حکمرانی تنها خلیفه‌ی برحق خداوند حضرت مهدی علیه السلام می‌داند...

«بازگشت به اسلام» به معنای شناخت صحیح و کامل همه‌ی مبانی، ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل اسلامی مبتنی بر کتاب خدا، سنت متواتر رسول خدا و براهین روشن عقلی است. «بازگشت به اسلام» یک تئوری نواندیشانه و متین قرآنی و اسلامی است که به هیچ وجه ماهیتی مذهبی و فرقه‌گرایانه ندارد و تنها مقید به منابع مشترک و مسلمات و یقینیات اسلامی است که هم در مبانی و هم در مناهج خود تفاوت‌های بارز بسیاری با مذاهب اسلامی موجود و با قرائت‌های کنونی و رایج از اسلام دارد؛ تئوری‌ای که انتقادهای سهمگین و فراوانی را متوجه بسیاری از دیدگاه‌ها و عقاید و اعمال مذاهب کنونی و قرائت‌های موجود از اسلام -چه شیعی و چه سنی- می‌کند و نقش و تأثیر آن‌ها را در عقب ماندگی مسلمانان و دور کردن آن‌ها از اسلام واقعی و در نتیجه سقوط مسلمانان به وضعیت نکبت بار کنونی، بسیار پر رنگ می‌بیند. در این دیدگاه «بازگشت به اسلام» به مفهوم عقب‌گرد و حرکتی واپس‌گرایانه و متحجرانه و کهنه‌گرایانه نیست، بلکه جهشی است برای شناخت حق و حرکتی است روبه جلو که تکامل و تعالی را در خود دارد: «بازگشت به اسلام»

بازگشت به اصل‌ها و اصالت‌های فراموش شده و تحریف شده است؛ بازگشت به هویت و حقیقت اسلامی و انسانی خویش است:

هرکسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

«بازگشت به اسلام» بازگشت به حقایق کتمان شده و از یاد رفته و بازگشت به علم و یقین و عقل - این نخستین و برترین آفریده‌های خداوند- و دوری از جهل و ظنّیات و تقلید و خرافات و تعصّب و تکبر و هواهای نفسانی است که بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین ابزارهای شیطانند. «بازگشت به اسلام» بازگشت به اصالت کتاب خدا و اصل قرار دادن آن نسبت به هر کلامی دیگر حتی کلام معصوم و خارج نمودن آن از فرعیت و از سلطه‌ی بازار مکاره‌ی احادیث جعلی و ظنی است؛ بازگشت به این مبنای متین و نورانی علامه خراسانی است که نسخ و تخصیص و تعمیم آیات قرآن به وسیله‌ی روایات ممکن نیست. «بازگشت به اسلام» بازگشت به سنت متواتر و ارزش نهادن به فرستاده‌ی خدا و رسول گرامی او محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و طرد قائلین به «حسینا کتاب الله» از یک سو و نفی مفرطین و متمسکین به هر حدیث وهمی و ظنی از سوی دیگر و نیز ارزش نهادن به یقینیات و طرد وهمیات و ظنیات است. «بازگشت به اسلام» بازگشت بدون غفلت و کوتاهی و بدون خصومت مؤمنان از سویی و بازگشت بدون تحریف و غلو و تندروی آن‌ها از سوی دیگر به سوی اهل بیت پاکیزه و مکرم رسول خدا صلوات الله علیه و آله و یادآوری جایگاه بی‌بدیل آن‌ها در اسلام و نسبت به قرآن است. «بازگشت به اسلام» بازگشت به برخورد با احترام و ادب نسبت به همسران و صحابه‌ی پیامبر خدا و مهاجرین و انصار است، با قبول و پذیرش بدون تعصّب خطاها و لغزش‌های مسلم عده‌ای از آنان. «بازگشت به اسلام»

بازگشت به سوی تنها خلیفه‌ی شایسته و برگزیده‌ی موجود خداوند یعنی مهدی علیه السلام و سپردن حاکمیت و مدیریت مسلمانان به دست با کفایت او و طرد و به زیر کشیدن همه‌ی حاکمان غاصب و ظالم فعلی است که با اسم خلیفه‌ی خدا یا نایب امام مهدی سالیان درازی است که به ناحق بر سرنوشت مسلمانان و کشورهای اسلامی خیمه‌ی خودکامگی زده‌اند و حکومت‌هایشان جز فلاکت و بدبختی برای مسلمانان محصولی در بر نداشته است. «بازگشت به اسلام» بازگشت به سوی وحدت واقعی و همدلی برادرانه و مؤمنانه همه‌ی مسلمانان بر اساس منابع مشترک و مسلم‌ات اسلامی و ردّ و نفی معقول هر گونه دشمنی و کینه و برادرکشی است. «بازگشت به اسلام» بازگشت از تقلید کورکورانه و بدون دلیل و رو گرداندن از آراء و فتاوی مبتنی بر تخمین و ظنّ عالمان به اصطلاح دینی به سوی اجتهاد مبتنی بر دلیل و یقین شرعی و عقلی است. «بازگشت به اسلام» دست کشیدن از علما و فقهای دنیا زده‌ای است که دین و مذهب را چون ابزاری در خدمت اهداف دنیوی خویش و توجیه اعمال نادرست و ظلم حاکمان طاغوتی به کار گرفته‌اند و با تحریف و کتمان حقیقت، دین را از سرچشمه‌های زلال آن آلوده و گل‌آلود کرده‌اند. «بازگشت به اسلام» بازگشت به سوی عالمان راستین و متقی و شجاع و مجاهدی همچون علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که مسلمانان را از پیروی حاکمان ظالم و ستمگر باز می‌دارد و به پیروی از مهدی علیه السلام فرا می‌خواند؛ از پیروی اوهام و ظنون منع می‌کند و به پیروی از علم و یقین امر می‌کند؛ از جهل و تقلید و تعصب و تکبر و هواهای نفسانی و دنیاگرایی و خرافه‌گرایی بر حذر می‌دارد و به شناخت و اقامه‌ی اسلام خالص و کامل در پرتو حاکمیت خلیفه‌ی واقعی خدا مهدی علیه السلام ترغیب و تشویق می‌فرماید...

با این وصف مسلمانان واقعی را چاره‌ای جز این نیست که برای برون رفت از وضعیت نامطلوب و بحرانی موجود و برای جبران مافات و رسیدن به خیر و سعادت دنیوی و اخروی مطلوب، آگاهانه و از روی بصیرت به سوی اسلام واقعی که علامه مجاهد منصور هاشمی خراسانی به حق پرچمدار و منادی آن است، باز گردند و تحقق عین اسلام و کل آن را آرمان خود قرار دهند و برای دستیابی به خلیفه‌ی واقعی خدا و رساندن او به حاکمیت، نهایت جدّ و تلاش خویش را مبذول دارند؛ چراکه بدون شک این تنها راه موجود برای رسیدن به خوشبختی و سعادت واقعی و دریافت نصرت‌های الهی است و مؤمنان و مشتاقان و پیروان و رهروان حقیقت را چاره‌ای جز پیمودن آن نیست...

آری، برای نجات از این همه رنج و بدبختی و برای رهایی از این تاریکی‌های برهم انباشته و متراکم و برای خروج از این همه گمراهی و ضلالت، مسلمانان را چاره‌ای نیست جز اینکه آگاهانه و به دور از همه‌ی موانع شناخت حق، به سوی اسلام راستین بازگردند و در جرگه‌ی انصار و یاوران خدا در آیند و با پیوستن به نهضت «بازگشت به اسلام» به رهبری منصور هاشمی خراسانی به ندای این عالم متقی و مجاهد در راه خدا لایق گویند و زمینه‌ها و شرایط دسترسی خلیفه‌ی واقعی خداوند، مهدی را به حاکمیت الهی فراهم سازند تا در پرتو حکومت الهی و عادلانه‌ی او به نور و روشنایی راه یابند و به خوشبختی و سعادت واقعی دست پیدا کنند، ان شاء الله [مقاله‌ی «ضرورت پیوستن به نهضت بازگشت به اسلام» نوشته‌ی ابن عباس حسنی].



بدون شک قرآن ﴿بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾؛ «به زبان عربی گویا» نازل شده

و از این رو، برای عموم عاقلان قابل فهم است؛ چنانکه فرموده است: **«وَلَقَدْ يَسْرُونَ الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ»**^۱؛ «و هرآینه قرآن را برای یادآوری آسان کرده‌ایم»، ولی معلوم است که عموم مردم از عاقلان نیستند؛ به این معنا که در حصار موانع شناخت مانند جهل، تقلید، اهواء نفسانی، دنیاگرایی، تعصب، تکبر و خرافه‌گرایی، از «عقل سلیم» بهره نمی‌برند و از این رو، فهم متفاوت و گاه متضادی از قرآن می‌یابند، تا جایی که برخی از آنان برای اثبات نامعقول‌ترین عقاید و اعمالشان به آیاتی از قرآن استناد می‌جویند.

راهکار خداوند برای حل این معضل، دو چیز است: یکی دعوت مردم به «عقلانیت» با اجتناب از «موانع شناخت» که پیش‌نیاز فهم صحیح قرآن است؛ چنانکه فرموده است: **«قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»**^۲؛ «آیات را برایتان تبیین کرده‌ایم اگر شما از عقل بهره ببرید» و دیگری دعوت آنان به پیروی از خلیفه‌ی خداوند در زمین که ترجمان قرآن و مبین آن است؛ چنانکه فرموده است: **«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»**^۳؛ «و ذکر را بر تو نازل کردیم تا برای مردم چیزی که به سویشان نازل شده است را تبیین کنی و باشد که آنان اندیشه کنند» و این دو همان «ثقلین» در اسلامند که تمسک به آن‌ها ضامن هدایت امت تا روز قیامت است و هر جا که انحراف یا اختلافی پدید آمده، ناشی از عدم تمسک به آن‌ها بوده و تبعاً با تمسک به آن‌ها قابل حل است. از این رو، بر همه‌ی مسلمانان واجب است که از یک سو «عقل» را معیار شناخت قرار دهند و با ترکیه‌ی آنفس از جهل، تقلید، اهواء نفسانی، دنیاگرایی، تعصب، تکبر و خرافه‌گرایی، زمینه‌ی فهم صحیح و اجرای کامل قرآن را فراهم سازند و از سوی دیگر خلیفه‌ی خداوند در زمین را

۱. قمر/ ۱۷

۲. آل عمران/ ۱۱۸

۳. نحل/ ۴۴

بشناسند و با حمایت کافی از او ظاهرش سازند تا اختلافات آنان را حل و انحرافات‌شان را اصلاح کند. این دروازه‌ی سعادت و ریسمان نجات است که منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به سوی آن دعوت می‌کند؛ به این ترتیب که همه‌ی تلاش‌های علمی و فرهنگی خود را بر روی این دو محور متمرکز ساخته و در حال ترویج عقلانیت اسلامی و مبارزه با جهل، تقلید، اهواء نفسانی، دنیاگرایی، تعصب، تکبر و خرافه‌گرایی از یک سو و زمینه‌سازی برای ظهور مهدی علیه السلام از سوی دیگر است و از این رو، اجابت و یاری او بر هر مسلمانی در جهان واجب محسوب می‌شود [پرسش و پاسخ ۲۴۴].



جناب منصور هاشمی خراسانی اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مشکل جهان اسلام را «عدم حاکمیت خداوند» بر آن می‌داند که در عدم حاکمیت خلیفه‌ی او بر آن تجلی یافته است؛ چراکه عدم حاکمیت خداوند بر جهان، مستلزم عدم شناخت و تطبیق احکام او در آن است و عدم شناخت و تطبیق احکام او در آن، مستلزم ظهور فساد در خشکی و دریاست؛ چنانکه فرموده است: **«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»**^۱؛ «فساد در خشکی و دریا به سبب چیزی که دست‌های مردم کسب کرد ظاهر شد تا به آنان برخی از چیزی که انجام دادند را بچشاند باشد که آنان بازگردند»؛ خصوصاً با توجه به اینکه عدم حاکمیت خداوند بر جهان، با حاکمیت غیر او بر آن ملازمه دارد؛ چراکه جهان، مجتمعی انسانی است و مجتمع انسانی به حاکمیت نیاز دارد و به اقتضای این نیاز خود، از حاکمیت خالی نمی‌ماند و با این وصف، اگر خداوند بر آن حکومت نکند،

ناگزیر غیر او بر آن حکم خواهد راند، در حالی که حکمرانی غیر او بر آن، مستلزم فساد در زمین و نابودی طبیعت و نسل‌هاست؛ چنانکه فرموده است: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَهُنَّكَ الْحَرْثُ وَالنَّسْلُ ۗ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفَسَادَ»؛ «و چون به حاکمیت دست یابد، در زمین می‌کوشد تا در آن فساد انگیزد و کشت‌ها و نسل‌ها را نابود نماید، در حالی که خداوند فساد را دوست نمی‌دارد»؛ چنانکه امروز، کسانی جز خداوند که بر جهان حکم می‌رانند، از هیچ کوششی برای افساد در آن فروگذار نمی‌کنند و به نسل‌کشی و ویران کردن آبادانی‌ها می‌پردازند. چه بسیار زنان و مردان بی‌گناهی که در آتش جنگ‌های آنان می‌سوزند و چه بسیار شهرها و روستاهای آبادی که در اثر هجوم آنان به ویرانه تبدیل می‌شوند! این پی‌آمد قهری حاکمیت غیر خداوند بر جهان است؛ زیرا جهانی که خداوند بر آن حکم نمی‌راند، وادی ابلیس است و جز جهل و کفر و فساد و ظلم در آن یافت نمی‌شود. این سرنوشت انسانی است که به حاکمیت غیر خداوند تن داده و هر کس به حاکمیت غیر خداوند تن بدهد، محکوم به نابودی است. این است که آتش جنگ‌های آنان خاموش نخواهد شد و آمار فقر و فلاکت آنان کاهش نخواهد یافت؛ چراکه خداوند بر آنان حکومت نمی‌کند و حکومت آنان در دست غیر اوست؛ بلکه هر روز جنگ‌های آنان شعله‌ورتر خواهد شد و آمار فقر و فلاکت‌شان افزایش خواهد یافت؛ چراکه خداوند حاکم آنان نیست و حاکم آنان طاغوت است؛ چنانکه بنده‌ی خداوند منصور هاشمی خراسانی می‌فرماید:

«چگونه بدون آفتاب، روز را خواهند دید و چگونه بدون آب، سبزی زمین را؟! بلکه شام آنان تا ابد ادامه خواهد داشت و

زمین آنان مانند شوره‌زار خواهد بود؛ چراکه خلیفه‌ی خداوند بر آنان مستولی نیست و احکام او در میانشان جاری نمی‌شود...»
[پرسش و پاسخ ۱۸].



موضوع بنیادین و مهمّ دیگری که منصور هاشمی خراسانی در کتاب متفاوت و چالش برانگیز «بازگشت به اسلام» به آن پرداخته، موضوع حکومت اسلامی است. از نگاه او حکومت بر مردم تنها برای خداوند است و کسی جز او حقّ حاکمیت بر آن‌ها را ندارد و او حاکمیت خود بر آن‌ها را از طریق گرفتن یک نایب یا به اصطلاح «خلیفه» اعمال می‌کند. با این وصف، مبنای شکل‌گیری حکومت اسلامی و مشروعیت سیاسی آن، اذن خاصّ و قطعی خداوند است که برای هیچ یک از حاکمان کنونی در جهان اسلام وجود ندارد و از این رو، حکومت هیچ یک از آنان در حال حاضر حکومت اسلامی شمرده نمی‌شود. او نیاز حکومت اسلامی به انتصاب خاصّ و قطعی حاکم از جانب خداوند را از مسائل واضح و ضروری در اسلام و سایر ادیان ابراهیمی می‌شمارد و معتقد است که مناقشه و بحث درباره آن معنا ندارد. البته نویسنده برخلاف همه عالمان مسلمان از همه مذاهب اسلامی، دسترسی مردم به چنین حاکمی را ممکن می‌داند و معتقد است که علت عدم دسترسی آن‌ها به چنین حاکمی، بر خلاف تصور آن‌ها حکمت خداوند نیست، بلکه تقصیر آن‌ها در تأمین شرایط لازم برای دسترسی به اوست و هرگاه آن‌ها این شرایط را در فرایندی کاملاً عادی و متعارف تأمین کنند، دسترسی به او برای آن‌ها تحقق می‌یابد. با این وصف، عدم دسترسی آن‌ها به او عذری برای اختیار حاکمی جز او شمرده نمی‌شود؛ چراکه از یک سو با توجه به امکان دسترسی آن‌ها به حاکم منصوب از جانب خداوند، ضرورتی برای اختیار حاکمی دیگر

وجود ندارد و از سوی دیگر عدم دسترسی آن‌ها به این حاکم، ناشی از تقصیر خود آن‌هاست و از این رو، نمی‌تواند عذری برای اختیار حاکمی دیگر توسط آن‌ها شمرده شود، اگرچه به حسب ظاهر چاره‌ای از این کار نداشته باشند. به این ترتیب، حکومت اسلامی تنها با حاکمیت خلیفه خداوند در زمین امکان می‌یابد و حاکمیت خلیفه خداوند در زمین نیز تنها با اراده و اختیار مردم ممکن است...

هاشمی در ادامه کتاب خود، به تبیین مهم‌ترین اصل اسلام یعنی توحید می‌پردازد و آن را به سه قسم توحید در تکوین، تشریح و تحکیم یا حاکمیت تقسیم می‌کند و هر یک را به تفصیل توضیح می‌دهد. سپس به معرفی سایر اصول عقاید و مبانی احکام اسلام می‌پردازد و هر یک را با منهجی متفاوت و خاص، بازتعریف می‌کند و به عنوان نمونه، ابواب جدیدی را درباره زکات، حج و جهاد به روی اهل فقه می‌گشاید که از هر یک ابواب دیگری گشوده می‌شود.

به این ترتیب او با استناد به اقتضانات روشن عقلی و استشهاد به نصوص قطعی شرعی که چیزی جز آیات قرآن و احادیث متواتر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست، عقاید و احکام اسلام را بازتعریف می‌کند و قرائت جدید و کاملاً متفاوتی را از آن ارائه می‌دهد که می‌تواند یک مکتب و ایدئولوژی اسلامی شمرده شود و انقلابی را در نگرش و رویکرد مسلمانان جهان به وجود آورد و زمینه‌ساز وحدت و همگرایی آنان در آینده نزدیک و تحولاتی عظیم و بنیادین در ساختارهای سیاسی و فرهنگی آنان باشد [مقاله‌ی «مروری بر کتاب بازگشت به اسلام» نوشته‌ی سید محمد صادق جوادیان].



منصور هاشمی خراسانی معتقد است: «بزرگترین اشتباه در جهان موجود»

تنها «واگذاری حکومت به مسؤولان دینی و روحانی جوامع» نیست، بل واگذاری حکومت به عموم کسانی است که خالق جهان آنان را برای حکومت شایسته ندانسته و تعیین نکرده است و «مسؤولان دینی و روحانی جوامع» از جمله‌ی آن‌ها هستند؛ با توجه به اینکه خالق جهان سزاوارترین کس به اداره‌ی آن است و او این کار را از طریق معرفی «انسان کامل» به عنوان نماینده‌ی خود انجام می‌دهد.

آری، البته اگر جناب‌عالی به وجود خداوند ایمان ندارید، لازم است با توجه به نشانه‌های او در آسمان و زمین و نظمی که هر چیزی را فرا گرفته و حرکات موزونی که بر طبیعت حاکم است، به وجود او ایمان آورید، ولی اگر به وجود او ایمان دارید، لازم است به این حقیقت محتوم گردن نهید که حکومت بر جهان تنها از آن اوست و انسان شایستگی آن را ندارد که بر انسان حکومت کند. تحقق عدالت در جهان، در گرو تحقق حاکمیت خداوند بر آن است و حاکمیت خداوند بر آن هنگامی تحقق می‌یابد که خلیفه‌ی او در آن به حاکمیت دست یابد و خلیفه‌ی او در آن، هنگامی به حاکمیت دست می‌یابد که امثال شما دست از «مسؤولان دینی و روحانی» و «مسؤولان غیر دینی و غیر روحانی» بردارید و همچنان از این به سوی آن و از آن به سوی این رفت و آمد نکنید، بلکه روی خود را از هر دو به سوی «انسان کامل» بگردانید و دست نیاز به آستان او دراز ننمایید و عاجزانه در برابر او زانو بزنید و ضمن اقرار به اشتباه هزار ساله‌ی خود، از او بخواهید که بر شما منت بگذارد و حکومت بر شما را بپذیرد تا شما را از ذلت و مسکنت رهایی دهد و به کرامت و سعادت برساند. این تنها راه نجات برای شماست و هر راهی جز این، بیراهه‌ای به سوی تباهی است، خواه آن را دین بنامید و خواه آن را کفر؛ چراکه بدون خداوند و خلیفه‌ی او در زمین، تفاوت چندانی میان دین و کفر نیست و کسی که با خداوند

و خلیفه‌ی او در زمین بیعت نمی‌کند، اگر خواهد با «مسئولان دینی و روحانی» بیعت کند و اگر خواهد با «مسئولان غیر دینی و غیر روحانی»؛ بلکه اگر خواهد با سنگی و اگر خواهد با چوبی؛ چراکه برای او یکسان است! [نقد و بررسی ۲۰].



یکی ... از اعتقاداتی که با خبر متواتر از پیامبر خداوند رسیده و از این رو، یقیناً توسط او آموخته شده، اعتقاد به ظهور مردی از عترت و اهل بیت او در آخر الزمان با نام «مهدی» است که زمین را از عدالت پر می‌کند پس از اینکه از ظلم پر شده است؛ چراکه به تعبیر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی: >بیش از چهل تن از اصحاب آن حضرت مانند عبد الله بن مسعود، طلحة بن عبید الله، عبد الرحمن بن عوف، عبد الله بن عباس، عبد الله بن عمر، جابر بن عبد الله، حذیفة بن یمان، عمار بن یاسر، أنس بن مالک، عمران بن حصین، عوف بن مالک، ابو ایوب انصاری، ابو سعید خدری، سلمان فارسی، جابر صدفی، ابو هریره، ابو أمامه، ثوبان، ام سلمه، عایشه و دیگران، خبر او را برای ده‌ها تن از تابعان خود و بواسطه‌ی آنان برای صدها تن از مسلمانان، از آن حضرت روایت کرده‌اند و بسیاری از ائمه‌ی حدیث، مانند ترمذی (د. ۲۷۹ق)، ابری (د. ۳۶۳ق)، حاکم (د. ۴۰۵ق)، بیهقی (د. ۴۵۸ق)، بغوی (د. ۵۱۰ق)، ابن اثیر (د. ۶۳۰ق)، قرطبی (د. ۷۱۰ق)، مزی (د. ۷۴۲ق)، ذهبی (د. ۷۴۸ق)، هیشمی (د. ۸۰۷ق)، سخاوی (د. ۹۰۲ق)، سیوطی (د. ۹۱۱ق)، ابن حجر (د. ۹۷۴ق)، کتانی (د. ۱۳۴۵ق)، البانی (د. ۱۴۲۰ق) و دیگران، به صحت و تواتر آن تصریح نموده‌اند و بسیاری از آنان، مانند ابن ابی خیثمه (د. ۲۷۹ق)، ابن حماد (د. ۲۸۸ق)، ابن منادی (د. ۳۳۶ق)، ابو نعیم (د. ۴۳۰ق)، عبد الغنی

(د. ۶۰۰ق)، حموی (د. ۶۵۰ق)، کنجی (د. ۵۸۰ق)، ابن قیم (د. ۶۸۵ق)، ابن کثیر (د. ۷۷۴ق)، سیوطی (د. ۹۱۱ق)، ابن حجر (د. ۹۷۴ق)، شوکانی (د. ۱۲۵۰ق) و دیگران، درباره‌ی آن کتب مستقلی نگاشته‌اند و مضمون آن، موافق با وعده‌ی خداوند در قرآن است که فرموده است: **﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾**؛ «و هرآینه در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان صالحم وارث خواهند شد» و فرموده است: **﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾**؛ «و اراده داریم بر کسانی که در زمین ضعیف شمرده شدند منت نهیم و آنان را پیشوایانی قرار دهیم و آنان را وارثان قرار دهیم» و فرموده است: **﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾**؛ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند وعده داد که حتماً آنان را در زمین خلیفه گرداند همان طور که گذشتگان آنان را خلیفه ساخت و حتماً دین‌شان را که برایشان پسندید، برایشان به مکتب رساند و حتماً پس از ترسشان آنان را امنیت بخشد تا من را بپرستند و چیزی را با من شریک نسازند و هر کس پس از آن کفر ورزد آنان همان فاسقان خواهند بود» و فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْرَافَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۗ ذَلِكَ فَضْلُ**

۱. انبیاء / ۱۰۵

۲. قصص / ۵

۳. نور / ۵۵

اللَّهُ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! هر کس از شما از دین خود برگردد پس در آینده خداوند گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان او را دوست می‌دارند، بر مؤمنان فروتنند و بر کافران سرسختند، در راه خداوند جهاد می‌کنند و از ملامت ملامت‌گری نمی‌هراسند! آن فضل خداوند است که به هر کس می‌خواهد می‌دهد و خداوند گشاینده‌ای داناست»؛ با توجه به اینکه مستفاد از آن، حتمیت استیلاء برخی بندگان مؤمن، صالح، مستضعف، محبوب، مجاهد، مهربان و شجاع خداوند بر جهان در آینده است و مهدی بنا بر اوصافی که در خبر متواتر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برایش ذکر شده، نمونه‌ی کاملی از چنین بندگان است و با این وصف، استیلاء او بر جهان در آینده، بنا بر وعده‌ی خداوند در قرآن حتمی است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾^۲؛ «ای مردم! بی‌گمان وعده‌ی خداوند حق است» و فرموده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾^۳؛ «وعده‌ی خداوند است و خداوند هرگز وعده‌ی خود را خلاف نمی‌کند» و فرموده است: ﴿فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ﴾^۴؛ «پس خداوند را گمان نبر که وعده‌اش به پیامبرانش را خلاف کننده باشد» و فرموده است: ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ﴾^۵؛ «هرآینه چیزی که وعده داده می‌شوید، حتماً راست است» و فرموده است: ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ﴾^۶؛ «هر آینه چیزی که وعده داده می‌شوید، حتماً واقع می‌شود»! با این وصف، شایسته است عقیده به حتمیت ظهور مهدی به عنوان خلیفه‌ی خداوند در زمین و کسی از اهل

۱. مائدة / ۵۴

۲. فاطر / ۵

۳. روم / ۶

۴. ابراهیم / ۴۷

۵. ذاریات / ۵

۶. مرسلات / ۷

بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که زمین را با اقامه‌ی اسلام کامل و خالص از عدالت و قسط پر می‌کند، از مسلمات اسلام شمرده شود و مورد اجماع مسلمانان باشد، تا مبنایی برای وحدت آنان در آینده به شمار رود^۱؛ همچنانکه همه‌ی ادیان ابراهیمی بر ظهور چنین کسی در آخر الزمان اتفاق نظر دارند و این -بر خلاف پندار عجیب کج‌اندیشان- به معنای اصالت اعتقاد به چنین کسی و ریشه داشتن آن در تعالیم پیامبران از باب **«كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ»**^۲ است و با این وصف، سوء استفاده‌ی برخی مذاهب و فرقه‌ها از آن به اعتبارش خللی نمی‌رساند...

منصور هاشمی خراسانی بدون توجه به مذاهب و فرقه‌های اسلامی و تنها با استناد به منابع یقینی اسلام معتقد است که زمین در هیچ زمانی از «خلیفه‌ی خداوند» خالی نیست و دلیلش برای این اعتقاد از یک سو ضرورت عقلی وجود خلیفه‌ی خداوند در زمین برای تعلیم کل اسلام و اقامه‌ی آن به صورت خالص و کامل است، با توجه به اینکه چنین تعلیم و اقامه‌ای ضرورت دارد و بدون وجود چنین خلیفه‌ای ممکن نیست و از سوی دیگر سخن خداوند است که به روشنی فرموده است: **«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»**^۳؛ «بی‌گمان من در زمین خلیفه‌ای را قرار دهنده‌ام» و این به مثابه‌ی وعده‌ی اوست که تخلف نمی‌پذیرد؛ چنانکه فرموده است: **«لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ»**^۴؛ «خداوند هرگز وعده‌ی خود را خلاف نمی‌کند» و به مثابه‌ی سنت اوست که تغییر نمی‌پذیرد؛ چنانکه فرموده است: **«فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»**^۵؛ «پس هرگز برای سنت خداوند تغییری نمی‌یابی». این در حالی است که تنها خلیفه‌ی خداوند در آخر الزمان

۱. بازگشت به اسلام، ص ۲۲۷

۲. آل عمران / ۶۴

۳. بقره / ۳۰

۴. روم / ۶

۵. فاطر / ۴۳

با توجه به اخبار متواتر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مهدی است و از خلیفه‌ی دیگری جز او در آخر الزمان خبر داده نشده است و از این رو، یقین به خلافت کسی جز او بعد از سلف ممکن نیست، در حالی که جز یقین در اسلام کافی شمرده نمی‌شود و این به معنای عدم امکان خلافت کسی جز مهدی در حال حاضر است. بر این اساس، می‌توان به وجود مهدی در حال حاضر اعتقاد داشت، اگرچه شخصیتی شناخته شده و در دسترس نباشد؛ زیرا وجود او بی‌آنکه خود را معرفی و به سوی خود دعوت کند، ممکن است؛ خصوصاً با توجه به اینکه اخبار فراوانی از طریق اهل بیت درباره‌ی غیبت طولانی او پیش از ظهورش رسیده است^۱ و جعلی بودن همه‌ی آن‌ها با توجه به وجود برخی‌شان در منابع حدیثی اثنا عشریه پیش از درگذشت حسن عسکری (د. ۲۶۰ق) مانند کتاب المشیخة حسن بن محبوب زراد (د. ۲۲۴ق) معقول نیست^۲؛ فارغ از آنکه در منابع حدیثی اهل سنت نیز به چنین غیبتی اشاره شده^۳، بل در انجیل نیز از «ربوده شدن فرزند ذکوری که با عصای آهنین بر همه‌ی قوم‌ها فرمان خواهد راند» به سبب ترس از بلعیده شدن توسط «اژدهای بزرگ آتشگون» خبر داده شده و آمده است: «و اژدها پیش آن زن که می‌زایید بایستاد تا چون بزاید فرزند او را بلعد. آن زن پسری به دنیا آورد، فرزند ذکوری که با عصای آهنین بر همه‌ی قوم‌ها فرمان خواهد راند و فرزند او به نزد خدا و تخت او ربوده شد و زن به بیابان، به جایی که خدا برای او مهیا کرده بود، گریخت تا در آنجا از او به مدت هزار و دویست و شصت روز نگهداری کنند»^۴.

۱. به عنوان نمونه بنگرید به: کمال الدین وتمام النعمة لابن بابویه، الغيبة للنعمانی، الغيبة للطوسی.

۲. بنگرید به: إعلام الوری بأعلام الهدی للطبرسی، ج ۲، ص ۲۵۸.

۳. الفتن لابن حماد، ص ۲۱۴؛ عقد الدرر فی أخبار المنتظر للمقدسی، ص ۱۳۳.

۴. مکاشفه، ۶-۱۲:۴.

با این حال، باید توجه داشت که منصور هاشمی خراسانی دعوت خود به سوی زمینه‌سازی برای ظهور مهدی را بر اعتقاد به وجود او در حال حاضر مبتنی نساخته تا برای ناپوران آن قابل اجابت نباشد، بلکه در کتاب خود^۱ تصریح فرموده که زمینه‌سازی برای ظهور او، حتی بنا بر عدم اعتقاد به وجودش در حال حاضر، ضروری است؛ با توجه به آنکه بنا بر این مبنا، وجود او اگرچه متوقف بر فاعلیت خداوند به معنای تکوین اوست، متوقف بر قابلیت مردم به معنای پذیرش و آمادگی آنان است و خداوند او را در زمانی خلق می‌کند که قادر به ظهور در آن برای آنان باشد. بنابراین، اگر او هم‌اکنون وجود نداشته باشد، زمینه‌سازی برای وجود او مانند زمینه‌سازی برای ظهورش ضروری است و این مبتنی بر سخن خداوند است که فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۲؛ «بی‌گمان خداوند چیزی که در قومی است را تغییر نمی‌دهد تا آن گاه که آنان چیزی که در خودشان است را تغییر دهند».

حاصل آنکه ظهور مهدی از عترت پیامبر خداوند صلی الله علیه و آله و سلم برای پر کردن زمین از عدالت پس از پر شدنش از ظلم، ساخته‌ی ذهن یک مذهب یا فرقه‌ی خاص در اثر فشارهای اجتماعی و برای ترساندن طبقه‌ی مستکبر نیست، بل مانند بهشت و دوزخ وعده‌ی خداوند در اسلام و سایر ادیان ابراهیمی بر پایه‌ی منابع یقینی و مشترک است که هیچ منافاتی با عقل ندارد؛ همچنانکه او چه در حال حاضر موجود باشد و چه نباشد، نشستن به انتظارش جایز نیست، بلکه زمینه‌سازی برای ظهورش بر عموم عدالت‌خواهان جهان واجب است و مراد از آن تحصیل مقدمات لازم برای تأمین امنیت او و تحقق حاکمیتش پس از ظهور است

۱. بازگشت به اسلام، ص ۲۳۵

۲. عدد / ۱۱

که منصور هاشمی خراسانی به سوی آن دعوت می‌کند؛ چنانکه فرموده است: «من ندا کننده‌ای پیش روی مهدی هستم که ندا می‌کنم: راه را باز کنید»^۱ [پرسش و پاسخ ۲۵۶].



عقل و شرع اطاعت کامل و بی‌قید و شرط از غیر معصوم ... را جایز نمی‌داند و با هیچ تقریری به سوی حاکمیت او دعوت نمی‌کند، بل تنها به سوی حاکمیت کسی دعوت می‌کند که خداوند او را با اراده‌ی خود از هر رجسی پاکیزه ساخته و حاکمیتش را در هر زمانی ممکن قرار داده است. باری، عدم امکان حاکمیت چنین کسی که زیربنای مشروعیت حاکمیت‌های دیگر تلقی می‌شود، محض توهم است؛ چراکه تنها از تقصیر مسلمانان در زمینه‌سازی برای آن نشأت گرفته و با رفع این تقصیر به سادگی قابل رفع است. البته رفع این تقصیر از طریق حاکمیت‌های دیگر ممکن نیست؛ چراکه مستلزم دور و تناقض است؛ با توجه به اینکه حاکمیت‌های دیگر، خود معلول این تقصیرند و با این وصف، نمی‌توانند علت رفع آن باشند. وانگهی حاکمیت مهدی از آن حیث که حاکمیت است، با حاکمیت‌های دیگر تفاوتی ندارد و با این وصف، اگر ایجاد و حفظ حاکمیت‌های دیگر امکان دارد، ایجاد و حفظ حاکمیت مهدی نیز ممکن است و اگر ایجاد و حفظ حاکمیت مهدی ممکن نیست، ایجاد و حفظ حاکمیت‌های دیگر نیز امکان ندارد. این به معنای «بن‌بست مشروعیت» برای حاکمیت‌های دیگر است و تنها راه برون‌رفت آن‌ها از این بن‌بست، اجابت دعوت منصور هاشمی خراسانی در راستای کناره‌گیری تدریجی از قدرت به سود مهدی و آغاز روند انتقال قدرت به آن حضرت است که به طور قطع می‌تواند زمینه‌ساز ظهور آن حضرت و تحقق حاکمیتش باشد؛

چراکه آن حضرت به اقتضای طهارت خود از هر رجس و اشتیاق خود به اقامه‌ی اسلام خالص و کامل، مترصد ظهور و حاکمیت است و در صورتی که زمینه‌ی آن با آمادگی واقعی یکی از حاکمان مسلمان به کناره‌گیری از قدرت و واگذاردن آن به او فراهم شود، حتماً به این کار اقدام می‌کند، ولی حقیقت آن است که هیچ یک از حاکمان مسلمان تاکنون این آمادگی را نداشته‌اند و حاضر به ترک قدرت شیرین نبوده‌اند، بلکه با همه‌ی امکانات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود، از حاکمیت خویش صیانت کرده‌اند و تحمل هیچ گونه چشم‌داشتی به آن از ناحیه‌ی هیچ کس اگرچه مهدی باشد را نداشته‌اند. روشن است که حاکمیت آنان مادام که این گونه به آن چسبیده‌اند و برای انتقال آن به مهدی برنامه‌ای نریخته‌اند، مانع ظهور آن حضرت می‌شود، در حالی که هرگاه دل از آن برکنند و به صورت واقعی و جدی مانند انصار در رابطه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نه ادعایی و از روی فریب مانند مأمون عباسی در رابطه با علی بن موسی الرضا، آن را مصراً به آن حضرت پیش کش نمایند، آن حضرت مانند علی بن ابی طالب بعد از قتل عثمان، از آنان می‌پذیرد و به حاکمیت بر آنان قیام می‌فرماید و در پرتو این حاکمیت، زمین را از عدالت پر می‌کند همان طور که از ظلم پر شده است.

بنابراین، کناره‌گیری تدریجی از قدرت به سود مهدی و آغاز روند انتقال قدرت به آن حضرت، می‌تواند زمینه‌ساز ظهور آن حضرت و تحقق حاکمیتش باشد و این فرآیندی است که می‌تواند در هر یک از کشورهای اسلامی انجام شود؛ زیرا هر یک از آنها می‌تواند در صورت انجام این فرآیند، به میزبانی برای مهدی و مرکزی برای حاکمیتش تبدیل شود، ولی طبیعتاً هر کدام که زودتر این فرآیند را طی کند، سبقت‌گیرنده‌ی در خیر شمرده می‌شود و افتخارش را از آن خود می‌کند و امتیازات دنیوی و

اخروی فراوانی پس از تحقق حاکمیت مهدی به دست می‌آورد...

به هر حال، کناره‌گیری حاکمان مسلمان از قدرت و انتقال حاکمیت به مهدی، کاری است که از آن‌گزیری نیست و دیر یا زود باید انجام شود. از این رو، حضرت منصور هاشمی خراسانی به آن‌ها پیشنهاد می‌کند که این کار را هر چه زودتر به صورت مسالمت‌آمیز و تحت اشراف و هدایت ایشان به عنوان ناظری بصیر و بی‌طرف انجام دهند؛ زیرا آن‌ها خود یک طرف منازعه‌ای هستند که مهدی طرف دیگر آن است و از این حیث، ذی‌نفع و غیر قابل اعتماد شمرده می‌شوند و نمی‌توان به امید اقدام مستقل و داوطلبانه‌ی آنان هزار سال دیگر نشست و دست بر روی دست گذاشت، در حالی که حضرت منصور هاشمی خراسانی نه دارای حاکمیت است و نه حاکمیت را می‌جوید و می‌پذیرد و از این رو، می‌تواند به عنوان یک واسطه و هماهنگ‌کننده، نقش محرک و مؤثری را در انتقال قدرت به مهدی ایفا نماید. با این وصف، حاکمان مسلمان هرگاه به راستی خواهان حاکمیت مهدی هستند، باید غرور و تکبر خود را کنار بگذارند و بدون ترس و نگرانی، از رهنمودهای ایشان در این زمینه به عنوان مشاور، کارشناس و راهنمایی به سوی ظهور استفاده کنند و با توکل بر خداوند، این راه پرپیچ و خم و پرفراز و نشیب اما منتهی به سعادت دنیا و آخرت را در پیش گیرند. این دورنمایی است که می‌توان برای حاکمیت‌های مسلمان در رابطه با مهدی تصویر کرد و به نظر می‌رسد که هر دورنمایی جز این، خواب و خیالی بیش نیست.

امید می‌رود که به برکت نهضت منصور هاشمی خراسانی، دید مسلمانان به مهدی و حاکمیت او دیدی باز و واقع‌بینانه شود؛ چراکه ایشان در حال تلاش برای تصحیح نگرش آنان به آن حضرت و خارج کردن ظهور و حاکمیت او از تاریکی وهم و خیال به روشنایی واقعیت

و عینیت است و این همان زمینه‌سازی عملی و نه ادعایی برای ظهور و حاکمیت مهدی است که انصافاً و استقرائاً تنها توسط ایشان انجام می‌شود و در جایی جز محضر ایشان از آن خبری نیست.

خداوند به همه‌ی مسلمانان توفیق درک این معارف عمیق و پیوستن به زمینه‌سازان راستین ظهور مهدی را ارزانی دارد و آنان را از فریب شیاطین که با بهره‌گیری از همه‌ی امکانات خود، برای بازداشتن آنان از این کار واجب و حیاتی تلاش می‌کنند، حفظ فرماید [پرسش و پاسخ ۹].



زمینه‌سازی برای ظهور مهدی علیه السلام یک عنوان مبهم و سیال نیست، بلکه معنای مشخص و ثابتی دارد و آن همانا دعوت مردم به اطاعت از مهدی علیه السلام به جای اطاعت از غیر او و تشویق آنان به ایجاد و حفظ حکومت او به جای ایجاد و حفظ حکومت دیگران است و با این وصف، کسی که عکس این کار را انجام می‌دهد، به این ترتیب که مردم را به اطاعت از خود مانند اطاعت از مهدی علیه السلام دعوت می‌کند و به ایجاد و حفظ حکومت دیگران به جای ایجاد و حفظ حکومت آن حضرت تشویق می‌نماید، زمینه‌ساز ظهور آن حضرت نیست، بلکه به روشنی مانع ظهور آن حضرت است، اگرچه از فرط بی‌حیایی و عوام‌فریبی، خود را زمینه‌ساز ظهور آن حضرت بشمارد؛ مانند برخی حاکمان منطقه که اطاعت از خود را مانند اطاعت از مهدی علیه السلام واجب می‌دانند و دغدغه‌ای جز حفظ حکومت خود به هر نحو ممکن ندارند، تا حدی که معتقدند حفظ حکومت آنان «از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد اهمیّتش بیشتر است»^۱ و از این رو، با دعوت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به سوی حکومت آن حضرت مخالفت می‌کنند...

هر حاکم مسلمانی که به سوی خداوند توبه کند، می‌تواند زمینه‌ساز ظهور مهدی علیه السّلام بشود و آن به این ترتیب است که اعلان کند:

۱. دعوت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی را می‌پذیرد و بدون چشم‌داشتی از آن حمایت می‌کند.

۲. مردم را موظّف به اطاعت از خود نمی‌داند، بلکه موظّف به اطاعت از مهدی علیه السّلام می‌داند و برای خود حقّ حاکمیت قائل نیست.

۳. متعهّد به کناره‌گیری از حکومت و واگذاری آن به مهدی علیه السّلام بدون قید و شرط است و حکم او درباره‌ی خود را می‌پذیرد.

۴. زمینه‌ی انتقال حکومت به مهدی علیه السّلام را عملاً و با ایجاد بسترهای اجرایی و ظرفیّت‌های قانونی فراهم می‌کند.

۵. تضمین‌های لازم برای حفظ امنیّت و آزادی مهدی علیه السّلام در سرزمین خود را ارائه و برای جلب اعتماد او تلاش می‌کند.

۶. نیروهای مسلّح را برای حفاظت از مهدی علیه السّلام در هر نقطه‌ی جهان آماده و بسیج می‌کند.

۷. از مردم برای مهدی علیه السّلام بیعت می‌گیرد و آنان را برای حمایت از او تربیت و سازماندهی می‌کند.

روشن است که هرگاه یکی از حاکمان مسلمان همه‌ی این هفت کار را با ایمان و اخلاص کافی انجام دهد، به نحوی که از نظر کارشناس عادل و مستقلّی مانند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی مناسب و قناعت‌بخش باشد، زمینه برای ظهور مهدی علیه السّلام فراهم می‌شود و ظهور آن حضرت پس از فراهم شدن زمینه‌اش حتمی است. آن گاه آن حضرت درباره‌ی چنین حاکم مسلمانی به صورتی عادلانه حکم می‌فرماید

و قطعاً توبه و اصلاح او را در نظر می‌گیرد و با در نظر گرفتن آن، چه بسا او را عفو و در سمتش ایفا می‌کند یا کار دیگری انجام می‌دهد که خود به آن آگاه‌تر است...

هر حاکم مسلمانی که به سوی خداوند توبه نکند، به این معنا که پس از شنیدن دعوت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، بر رویکرد پیشین خود پای بفشارد و کارهای هفت‌گانه‌ی فوق را انجام ندهد، دشمن خداوند و پیامبر او صلی الله علیه و آله و سلم و مفسد در زمین شمرده می‌شود و تبعاً مقابله با او با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر، بر هر مسلمانی واجب است؛ چنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی درباره‌ی چنین حاکمی فرموده است:

«هر کس جز مهدی، مسلمانان را به بیعت با خویش دعوت کند، امامی است که به سوی آتش دعوت می‌کند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ﴾؛ «و آنان را امامانی ساختیم که به سوی آتش دعوت می‌کنند»، بل طاغوتی است که به جای خداوند پرستش می‌شود و پیروانش را از نور به تاریکی بیرون می‌برد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ «و کسانی که کافر شدند، سرپرستانشان طاغوت‌اند، آنان را از نور به تاریکی بیرون می‌برند، آنان همنشینان آتشند و در آن جاودان خواهند بود»؛ بل هر کس جز مهدی، مسلمانان را با سلاح خود بزند تا در بیعت او داخل شوند، با خداوند و خلیفه‌ی او، به محاربه

بر خاسته و در زمین فساد انگیزته است و سزای کسانی که با خداوند و خلیفه‌ی او، به محاربه بر می‌خیزند و در زمین فساد می‌انگیزند، جز این نیست که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست‌ها و پاهایشان به خلاف هم بریده شود یا از زمین رانده شوند؛ چنانکه خداوند فرموده است: **«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»**؛ «سزای کسانی که با خداوند و پیامبرش به ستیز بر می‌خورند و در زمین فساد می‌انگیزند جز این نیست که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست‌ها و پاهایشان به خلاف هم بریده شود یا از زمین رانده شوند؛ آن برایشان خواری‌ای در زندگی دنیاست و برایشان در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود» و من اگر در زمین تمکّن یابم، آنان را به سزای عملشان خواهم رساند؛ چراکه برداشتن آنان از سر راه مهدی، بر هر مسلمانی که متمکّن از آن باشد، واجب است.^۲

بنابراین، وظیفه‌ی مسلمانان در هر یک از کشورهای اسلامی آن است که حاکم خود را با گفتار نرم به سوی کارهای هفت‌گانه‌ی فوق دعوت کنند. پس اگر دعوت آنان را پذیرفت، با او در انجام کارهای هفت‌گانه‌ی فوق همکاری کنند و اگر دعوت آنان را نپذیرفت، او را با گفتار سخت به سوی کارهای هفت‌گانه‌ی فوق دعوت کنند تا دعوت آنان را بپذیرد و اگر باز هم دعوت آنان را نپذیرفت، او را با فعالیت‌های مدنی و از جهات سیاسی و اقتصادی تحت فشار قرار دهند تا دعوت آنان را بپذیرد و اگر باز

۱. مائدة / ۳۳

۲. بازگشت به اسلام، ص ۲۵۵

هم دعوت آنان را نپذیرفت، او را برکنار کنند و کسی را به جای او بگمارند که کارهای هفت‌گانه‌ی فوق را انجام می‌دهد و اگر حاضر به کناره‌گیری نشد، با او بجنگند تا هنگامی که حاضر به کناره‌گیری شود یا کارهای هفت‌گانه‌ی فوق را انجام دهد و اگر کسی در جنگ با او کشته شود، شهید است و مانند کسی است که در رکاب مهدی علیه السّلام کشته شده است.

این معنای زمینه‌سازی برای ظهور مهدی علیه السّلام است که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی بنیان آن را نهاده و در حال طزاحی و اجرای آن است، در حالی که برخی حاکمان منطقه از آن می‌ترسند و جلوگیری می‌کنند. با این وصف، هر کس می‌خواهد به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی ملحق شود تا به ایجاد حکومت مهدی علیه السّلام یاری رساند و هر کس می‌خواهد به برخی حاکمان منطقه ملحق شود تا به حفظ حکومت آنان یاری رساند؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلَتِهٖ فَرُبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اَهْدَىٰ سَبِيْلًا﴾**^۱؛ «بگو هر کس به شیوه‌ی خود عمل کند، پس پروردگارتان به کسی که هدایت‌یافته‌تر است داناتر است!» [پرسش و پاسخ ۱۶۰].



جهان اسلام و رهبران آن، خواه به صورت آگاهانه و خواه به صورت ناخودآگاه، در حال حرکت به سمت و سویی هستند که حضرت علامه از مدّت‌ها پیش آن را برای جهان اسلام ترسیم فرمودند و دقیقاً همان مسیری را طی می‌کنند که این عالم بزرگوار به سوی آن ارشاد نمودند. این به معنای آن است که رویکردها و مواضع بنیادین ایشان، جدای از آنکه متکی بر اصول یقینی و مسلم اسلامی و مستند به منابع اصیل

دینی است، در عین حال مبتنی بر واقعیت‌های عینی و با نظر به شرایط و مناسبات روز جهان اسلام اتخاذ گردیده است و لذا می‌تواند چراغ راه امت اسلام برای گذر از کوره‌راه‌های تاریک و پر پیچ و خم آخر الزمان باشد و در صورتی که از سوی مسئولین و رهبران جهان اسلام مورد پیروی و حمایت قرار گیرد، تحولات امید بخش و سازنده‌ای را در جهان اسلام کلید زند. همچنانکه در همین راستا می‌توان به طرح انقلابی و بزرگ ایشان برای تشکیل اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی برای گذار به مرحله‌ی تشکیل حکومت واحد اسلامی با حاکمیت امام مهدی علیه السلام اشاره کرد یا از رویکرد بی‌بدیل و تحول‌آفرین ایشان درباره‌ی زمینه‌سازی برای ظهور خلیفه‌ی خداوند و ضرورت ایجاد یک تشکل یا گردهمایی عمومی در جهان اسلام با هدف حمایت و حفاظت از امام مهدی سخن به میان آورد؛ با توجه به اینکه ایشان معتقد است فقدان خلیفه‌ی خداوند در زمین، معلول مستقیم کوتاهی مردم در طلب، حمایت و حفاظت از امام مهدی علیه السلام است؛ چراکه مسلمانان تا کنون با هر حاکمی همراه و همکار شده‌اند و مقدمات به قدرت رسیدن هر «بر» و «فاجری» را فراهم ساخته‌اند و از این کار هرگز عاجز نبوده‌اند، اما در ارتباط با خلیفه‌ی خداوند دچار خیال‌بافی و واقعیت‌گریزی شده‌اند و ظهور مهدی و برقراری حاکمیت او را در نتیجه‌ی رخدادهای محیر العقول، نامعلوم و خارج از حیطه‌ی اختیار خویش می‌شمارند، در حالی که ظهور آن حضرت نیز تابع عوامل سیاسی و اجتماعی است و سنت‌های الهی که در مورد همه‌ی حکومت‌های پیشین جاری بوده است، در مورد حکومت او نیز جاری خواهد بود. لذا هیچ تردیدی نیست که آن حضرت به خاطر فقدان تمکن و خلأ حمایت‌های مردمی و کمبود امکانات و تجهیزات، ضروری برای برپایی یک انقلاب جهانی از جمله کمبود نیروی انسانی،

نیروی اقتصادی و نیروی نظامی، هنوز موفق به خروج نشده است. بنا بر این بایسته و ضروری است که شماری کافی از مسلمانان با تشکیل یک پایگاه خودجوش و مستقل و به تعبیر دیگر با راه‌اندازی یک «حزب مردمی فراگیر» که تنها وفادار به مهدی است، موانع موجود بر سر راه آن حضرت را بردارند و به زمینه‌سازی عینی و عملیاتی برای ظهور او اقدام نمایند، به نحوی که طلب مهدی و حمایت از او را به عنوان یک «مطالبه‌ی عمومی» و «شعار اجتماعی» در جهان جا بیندازند؛ تا جایی که آن را به ندای واحد و هماهنگ جهان اسلام تبدیل نمایند و اراده‌ی خود را بر صاحبان قدرت و سرمایه تحمیل کنند.

شاید امروز حاکمان و عالمان جهان اسلام هنوز به ضرورت تشکیل و فراهم کردن چنین اجتماعی باورمند نباشند یا آن را مخالف با منافع سیاسی و مطامع شخصی خویش ببینند، اما شگئی نیست که دیر یا زود در برابر این دعوت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی نیز سر تسلیم فرود خواهند آورد و به این واقعیت انکارناپذیر پی خواهند برد که تنها چاره‌ی موجود برای برون‌رفت از معضلات کنونی جهان اسلام که مانند گردابی خطرناک، گیج‌کننده و فروبرنده شده، آن است که به عجز و بی‌کفایتی خویش برای مدیریت جهان اسلام و هدایت آن به سوی عدالت پایدار و صلح و ثبات و امنیت اعتراف کنند و با اتخاذ رویکردی مناسب و به کار گرفتن اهرم‌هایی که در اختیار دارند، یک‌صدا خلیفه‌ی خداوند را طلب نمایند و برای ظهورش به صورت واقعی و میدانی زمینه‌سازی کنند [مقاله‌ی «خلع ید آل سعود از پرده‌داری کعبه؛ اولویت مهم جهان اسلام» نوشته‌ی مجتبی مزروعی].



تردید نیست که هرگاه حاکم یکی از کشورهای اسلامی پیشنهاد

ایشان مبنی بر کناره‌گیری از قدرت و انتقال آن به مهدی علیه السلام را واقعاً و از روی اخلاص و نه ادعائاً و از روی فریب قبول کند و اقدامات عملی لازم برای اثبات صداقت خود و تسهیل ظهور آن حضرت را به ترتیبی که در کتاب «بازگشت به اسلام» تبیین شده است انجام دهد، خداوند راه آن را برای او از ناحیه‌ی هر کسی که بخواهد می‌گشاید؛ چراکه او به بندگان خود ستمکار نیست؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾**^۱ و چیزی را برای قومی تغییر نمی‌دهد تا آن گاه که آنان خود زمینه‌ی تغییرش را فراهم سازند؛ چنانکه فرموده است: **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾**^۲ و از انجام کاری که برای آنان لازم است ناتوان نیست؛ چنانکه فرموده است: **﴿إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ﴾**^۳ و فرموده است: **﴿بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ﴾**^۴؛ بل حق آن است که پس از تحصیل این مقدمات توسط حاکمی مسلمان و تأیید آن توسط منصور هاشمی خراسانی به عنوان کارشناس و ناظری بی‌طرف و قابل اعتماد در قالب اقدامی مشترک، نیازی به ارتباط ایشان با مهدی علیه السلام نخواهد بود، بلکه مهدی علیه السلام خود با ایشان ارتباط خواهد گرفت؛ چراکه هدایت ایشان در این مرحله وظیفه‌ی خداوند خواهد بود و طی این مرحله توسط منصور هاشمی خراسانی بنا بر قاعده‌ی **﴿إِنِّي دَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّدِينَ﴾**^۵؛ «من به سوی پروردگارم رونده‌ام، من را هدایت خواهد کرد» انجام می‌شود؛ چنانکه خود در بخشی از کتاب بزرگ «بازگشت به اسلام»^۶ با اشاره به این مرحله فرموده است:

۱. آل عمران / ۱۸۲

۲. رعد / ۱۱

۳. طلاق / ۳

۴. مائده / ۶۴

۵. صافات / ۹۹

۶. ص ۲۳۸

«آری، انصاف آن است که دسترسی مردم به مهدی، در صورتی که مانع آن را رفع کنند، بدون هدایتی از جانب او ممکن نیست؛ چراکه آنان از وجود یا جای او در صورت وجودش آگاهی ندارند و تبعاً به سختی می‌توانند او را از طریق جستجویش، هر چند با تکیه بر نشانی‌های روایت شده برای او، بیابند. از این رو، بر مهدی واجب است که امکان دسترسی به خود را پس از رفع مانع آن توسط مردم، برای آنان ایجاد کند و آن می‌تواند از طریق فرستادن سفیر یا نوشتن نامه‌ای برای آنان یا از طریق دیگر بسته به امکان و مناسبت آن انجام شود. با این وصف، رفع مانع دسترسی به مهدی که پیش از هر چیز، فقدان امنیت لازم برای اوست، بر مردم واجب است و هرگاه آن را انجام دهند، بر مهدی واجب می‌شود که دسترسی به خود را برای آنان تسهیل کند و او به اقتضای طهارتش از هر گونه رجس و عدم افتراقش از کتاب خداوند، این کار را انجام می‌دهد و عدم انجام این کار توسط او تاکنون، دلیل بر آن است که مردم تاکنون مانع دسترسی به او را رفع نکرده‌اند و امنیت لازم برای او را به وجود نیاورده‌اند».

روشن است که این وعده‌ی منصور هاشمی خراسانی نیست تا احتمال تخلف آن برود، بلکه وعده‌ی خداوند است و تحقق وعده‌ی خداوند حتمی است، هر چند چند و چون آن برای بیشتر مردم معلوم نباشد؛ چنانکه فرموده است: **﴿أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾**^۱؛ «آگاه باشید که وعده‌ی خداوند حق است، هر چند بیشتر آنان علم ندارند»؛ همچنانکه تحقق وعده‌ی او درباره‌ی قیامت حتمی است، هر چند کم و کیف آن به طور دقیق معلوم نیست؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾** **﴿قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ﴾**

عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ»^۱؛ «و می‌گویند که این وعده کی خواهد بود اگر راست می‌گویید؟! بگو برای شما میعاد روزی است که یک ساعت از آن پس یا پیش نمی‌افتید» و فرموده است: ﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ ﴿قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾^۲؛ «و می‌گویند که این وعده کی خواهد بود اگر راستگو هستید؟! بگو علم تنها نزد خداوند است و من تنها بیم دهنده‌ای آشکارم».

بنابراین، حق آن است که باید زمینه‌سازی برای ظهور مهدی علیه السلام را با ایمان به وعده‌ی خداوند انجام داد و نباید به سبب جهل به برخی جزئیات کمی یا کیفی آن، در لازم و مفید بودن آن تردید روا داشت و دعوت کننده‌ی به سوی آن را به گزافه‌گویی متهم نمود. به هر حال، معضل غیاب مهدی علیه السلام معضل پیچیده‌ای است و منصور هاشمی خراسانی در حال تلاش برای حل آن به صورت علمی و میدانی است و برای این کار دشوار و نفس‌گیر، دست کم به حمایت یکی از کشورهای اسلامی و حاکمان مسلمان نیاز دارد.

خداوند به همه‌ی مسلمانان توفیق درک این حکمت‌ها و حقایق گران‌سنگ را ارزانی دارد و دل‌های حاکمان مسلمان را برای قبول آن نرم گرداند تا هر چه زودتر زمینه برای ظهور آقایمان مهدی علیه السلام فراهم شود و مصائب و معضلات جهان اسلام پایان پذیرد؛ چراکه او بر هر کاری تواناست و بسیار بخشنده و مهربان است [پرسش و پاسخ ۱۱].



پیام روشن و کلیدی این کتاب بزرگ، بر خلاف برداشت ناقص جناب عالی، تنها «نفی دیگران» نیست، بلکه «اثبات مهدی» و «نفی دیگران» است و این

تَجَلَّى «لا إله إلا الله» و تفسیر «البيعة لله» است که شعار منصور هاشمی خراسانی و رکن دعوت اوست. همه‌ی سخن این عالم مصلح و مجاهد آن است که هیچ حکومتی جز برای الله نیست و مراد او از حکومت الله، بر خلاف مراد سخیف و نادرست خوارج، عدم حکومت انسان نیست، بل حکومت انسانی است که خداوند او را منصوب کرده و از طریق کتاب خود و سنت متواتر پیامبرش یا از طریق آیتی بیّنه، از انتصاب او خبر داده و او همان «مهدی» است که اکنون در زمین وجود دارد، ولی غایب است و علت غیاب او، بر خلاف پندار بیشتر مردم، اراده و اقدام ابتدایی خداوند نیست، بل اراده و اقدام ابتدایی مردم است که شرایط لازم برای ظهور او را فراهم نکرده‌اند و از این رو، مسؤول همه‌ی تبعات و عوارض ناشی از غیاب او هستند، اگرچه این تبعات و عوارض، «بن بست در آخر الزمان» تلقی شود؛ چراکه چنین «بن بست» به «اسلام» نسبت داده نمی‌شود تا با «کمال» آن ضدیت داشته باشد، بل به مردم نسبت داده می‌شود که باعث و بانی آن بوده‌اند؛ «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ!»؛ «پس عبرت بگیرید ای صاحبان بینش‌ها!»...

راهکار منصور هاشمی خراسانی برای ظهور و حاکمیت مهدی، راهکاری جامع با ابعاد امنیتی، فرهنگی و سیاسی است؛ چراکه او برای ظهور مهدی به معنای امکان دسترسی به او، وجود شماری کافی از مسلمانان قوی و امین به منظور محافظت از او در برابر خطرات احتمالی را ضروری می‌داند؛ با توجه به اینکه تنها علت عدم ظهور او به معنای عدم دسترسی به او را خوف او از کشته شدن یا اسارت می‌داند و معتقد است که در صورت تضمین امنیت او توسط این شمار از مسلمانان، ظهور او به معنای دسترسی به او حتمی خواهد بود. از این رو، به اقتضای وجوب

عقلی و شرعی زمینه‌سازی برای ظهور او، در حال گردآوری شماری کافی از مسلمانان قوی و امین به منظور محافظت از او در برابر خطرات احتمالی است و از همه‌ی آنان مانند جناب‌عالی، برای این منظور یاری می‌طلبد؛ چراکه به نظر این عالم صدیق، ظهور مهدی در صورت تضمین امنیّت او، حتی در صورت عدم امکان حاکمیّت او، قطعی است؛ با توجّه به اینکه میان ظهور او و حاکمیّت او ملازمه‌ای نیست و ظاهر بودن او بدون حاکمیّت او نیز سودمند است؛ بلکه ظاهر بودن او، مقدّمه‌ای برای حاکمیّت اوست؛ زیرا حاکمیّت کسی که ظاهر نیست، مشکل است و با این وصف، زمینه‌سازی برای ظهور مهدی، مقدّمه‌ی زمینه‌سازی برای حاکمیّت اوست.

اما منصور هاشمی خراسانی زمینه‌ی حاکمیّت مهدی را اجتماع شماری کافی از مردم برای اعانت و اطاعت او می‌داند و معتقد است که هرگاه این شمار از آنان، این اعانت و اطاعت را بر عهده بگیرند، قیام مهدی برای حاکمیّت حتمی خواهد بود؛ چراکه حاکمیّت تنها حقّی برای او نیست، بلکه تکلیفی برای او نیز شمرده می‌شود، تا جایی که اگر پس از حصول شرایط برای آن قیام نکند، شایسته است که گردنش زده شود؛ با توجّه به اینکه مسؤول همه‌ی مفاسد و مظالم جاری در زمین، کسی جز او نخواهد بود. از این رو، منصور هاشمی خراسانی، هم‌زمان با گرد آوردن شماری کافی از مسلمانان برای محافظت از مهدی، در حال گرد آوردن شماری کافی از آنان برای اعانت و اطاعت اوست و از همه‌ی آنان مانند جناب‌عالی، برای این منظور یاری می‌طلبد؛ چراکه به نظر این اعجوبه‌ی دوران، حاکمیّت مهدی در صورت تضمین اعانت و اطاعت او، حتمی است و این تضمین در اسلام «بیعت» نامیده می‌شود. بر این اساس، منصور هاشمی خراسانی، از مسلمانان جهان برای مهدی بیعت می‌گیرد؛

به این معنا که از آنان تعهد می‌گیرد تا هرگاه مهدی برای آنان ظاهر شد، او را اعانت و اطاعت نمایند و مانند خلفایی که پیش از او بودند، خذلان و عصیان نکنند و با این تقریر، هرگاه شماری کافی از مسلمانان با او بر اعانت و اطاعت مهدی بیعت کردند، حاکمیت آن حضرت برایشان محقق می‌شود؛ همچنانکه هرگاه شماری کافی از آنان با او بر حفاظت از مهدی پیمان بستند، ظهور آن حضرت برایشان واقع خواهد شد.

این برنامه‌ی کامل و دقیقی است که از عقل صادر شده و با کتاب خداوند و سنت پیامبر او موافق است و هر کس از قبول آن استنکاف می‌کند، از اسلام بری است. «برای او در دنیا ذلت است و در آخرت عذابی شدید خواهد بود؛ چراکه از قبول حق ابا کرده و از راه آن بازداشته است، تا در زمین به جای عدالت ستم باشد و به جای آبادی ویرانی، تا کسانی که جز خداوند حکومت می‌کنند به حکومت خود ادامه دهند و حکومت خداوند مانند خیالی موهوم، تا ابد از ذهن بشر بیرون نیاید و هر کس که خداوند برایش راهنمایی قرار ندهد، برای او راهنمایی نخواهد بود» [نقد و بررسی ۲۷].



این روزها با کمال تأسف شاهد جلوه‌های فراوانی از تشّت و اختلاف در میان مسلمانان هستیم... به نظر می‌رسد که سنگ بنای این اختلافات و منازعات، موضوع «خلافت» است... برای تبیین موضوع بنیادین خلافت در اسلام لازم است بدانیم که مبنای حاکمیت سیاسی به طور کلی نمی‌تواند از دو حال خارج باشد و لذا همه‌ی فرقه‌ها، گروه‌ها، جریان‌ها، احزاب و نحله‌های اسلامی، با وجود همه‌ی اختلاف نظرها، ناگزیر به یکی از این دو مبنا باز می‌گردند:...

مبنای اول، آنکه تعیین حاکم و خلیفه برای مسلمانان به عهده‌ی خود آنان است... تردیدی نیست که تا امروز قرائت رسمی مسلمانان پیرامون خلافت اسلامی همین بوده است و آنچه امروز بر جهان اسلام سایه افکنده است، نتیجه‌ی چنین رویکردی محسوب می‌شود... توضیح آنکه ما در طول سالیان دراز از دهه‌های آغازین تاریخ اسلام تاکنون به وضوح شاهد پیامدهای سوء و توالی فاسد چنین قرائتی هستیم. از همان آغاز، سلسله‌ها و حکومت‌های ظالمی مانند بنی امیه و بنی عباس با چنین توجیهاتی بر سر کار آمدند و در قرون اخیر نیز نظام‌های مستبد و دیکتاتورهای کشورهای اسلامی همگی با تغلب بر مسلمین و با بهره‌گیری از زور سر نیزه بر آنان مسلط شدند، تا جایی که قطعاً می‌توان گفت فردگرایی موجود و استبداد حاکم در بسیاری از کشورهای اسلامی از نتایج و پیامدهای شوم چنین قرائتی است. با این حال، همه‌ی گروه‌های شناخته شده‌ی فعلی در جهان اسلام، از قبیل داعش، طالبان، القاعده... [حزب موسوم به التحریر و مریدان ولایت فقیه]، از این رویکرد تبعیت می‌کنند.

اما رویکرد دومی که اخیراً در میان امت اسلامی مطرح شده و یا به عبارت دقیق‌تر، إحياء و یادآوری شده است، تفاوت‌های اساسی و جوهری با رویکرد اول دارد و مبنایی عمیق، تحول آفرین و سرنوشت‌ساز برای مسلمانان جهان محسوب می‌شود؛ رویکردی که از بطن یقینیات و مسلمت اسلامی برخاسته و با مبانی عمیق و اصیل آن هماهنگی کامل دارد. در این رویکرد به خوبی تبیین می‌شود که تعیین حاکم مشروع و انتصاب خلیفه‌ی مسلمین منحصراً از افعال خداوند حکیم است و تنها اوست که حق دارد خلیفه‌ای را به نیابت از خود برای حکومت بر جهان برگزیند؛ چراکه خداوند، تنها مالک و حاکم حقیقی این جهان است و بر

مخلوقات خویش حاکمیت حقیقی و احاطه‌ی مطلق دارد، لذا طبیعی است که مُلک خود را به هر کس از بندگانش که بخواهد عطا می‌کند تا آنکه از این طریق، امور جهان به همان شکل که اراده فرموده است، جریان یابد. بدون تردید این یک مبنای عمیق و ریشه‌دار اسلامی و مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی و شناخت عمیق از خداوند و صفات ربوبی اوست. مطابق با این قرائت، وظیفه‌ی مردم آن است که از گماشته‌ی خداوند تبعیت نمایند و ضمن حمایت همه‌جانبه از او تنها با او بیعت نمایند، نه آنکه گماشته‌ی خداوند را واگذارند و به گماشته‌ی خود یا دیگران روی بیاورند! البته تحقق حکومت خلیفه‌ی خداوند جز با حمایت و پیروی مردم میسر نخواهد شد؛ چراکه این سنت خداوند در میان گذشتگان است و سنت خداوند تغییری نمی‌پذیرد.

این مبنای عمیق و تکان دهنده‌ای است که در شرق جهان اسلام توسط عالمی مصلح و مجاهد به نام حضرت علامه «نصرت هاشمی خراسانی» ارائه و تبیین شده است و توسط یاران و شاگردان او در جهان اسلام خصوصاً منطقه‌ی آسیای میانه پیگیری می‌شود...

بر این اساس، هم اکنون ضروری است که گروه‌های خواستار مهدی، همراهی و همبستگی خود با این جریان زمینه‌ساز خلافت او را اعلام نمایند و جریان‌های مخالف مهدی و خلافت او نیز صریحاً اظهار نظر نمایند و موضع خود در این باره را آشکارا بیان کنند؛ چراکه دیگر وقت آن رسیده است که این دو جبهه از یکدیگر کاملاً متمایز شوند و دوستان و دشمنان خلیفه‌ی راستین خداوند در زمین شناخته شوند. این اتّفاقی است که چه بخواهند و چه نخواهند می‌افتد؛ چراکه تمایز این دو رویکرد و تقابل آن‌ها با هم، نتیجه‌ی قهری و اثر وضعی و طبیعی وجود و ماهیت خاص آن دو است. بنابراین، جریان مبتنی بر مبنای اول که به نظر می‌رسد

پایگاهی در منطقه‌ی شام دارد، در فرایندی کاملاً جبری، همه‌ی فرقه‌ها، گروه‌ها، جریان‌ها، احزاب و نحله‌هایی که به این مبنا تعلق دارند را به سوی خود جذب می‌کند و در یک جبهه قرار می‌دهد و جریان مبتنی بر مبنای دوم که پایگاهی در منطقه‌ی خراسان دارد، در فرایندی کاملاً قهری، همه‌ی فرقه‌ها، گروه‌ها، جریان‌ها، احزاب و نحله‌های متعلق به این مبنا را به سوی خود جذب می‌کند و این زمینه‌ی دو قطبی شدن جهان اسلام را بر سر موضوع خلافت فراهم می‌سازد؛ به نحوی که رفته رفته همه‌ی حامیان خلافت نوع اول در شام و همه‌ی حامیان خلافت نوع دوم در خراسان اجتماع پیدا می‌کنند، تا در پی این تصفیه و جداسازی، زمینه برای ظهور مهدی فراهم شود...

بنا بر مجموع آنچه گفته شد، به وضوح مشاهده می‌کنیم که در حال حاضر دو جبهه‌ی اصلی و عمده در جهان اسلام شکل گرفته است: یکی جبهه‌ی حق با محوریت جریانی هاشمی که تنها مهدی را شایسته‌ی خلافت می‌شمارد و صرفاً به سوی او فرا می‌خواند و دیگری جبهه‌ی باطل با محوریت جریانی اموی که در حقیقت جنبشی برای رویارویی و مقابله با مهدی و ممانعت از رسیدن او به حکومت است. تردیدی نیست که مسلمانان راستین و وفادار به رسول خدا صلی الله علیه و آله در جبهه‌ی طرفداران مهدی قرار دارند، اما با کمال تأسف باید اذعان نمود که تعداد آنان هنوز اندک است و در حال حاضر، اگر نگوئیم تمامی گروه‌های اسلامی، بلکه اکثریت آنان دانسته یا نادانسته در حال حمایت و پشتیبانی از جبهه‌ی دشمنان مهدی هستند و با بی‌اعتنایی و غفلت خود، خواسته یا ناخواسته جبهه‌ی طرفداران وی را تضعیف می‌کنند. اما امید می‌رود که دست کم تعدادی از این جریان‌ها که حقیقتاً حسن نیت دارند و هدفشان خدمت صادقانه به اسلام است، پس از شنیدن پیام نهضت «بازگشت

به اسلام» و یادآوری عظیم آن به امر مهدی، به خود بیایند و از حقیقت خلافت آگاه شوند و صفوف خود را به جبهه‌ی طرفداران مهدی منتقل نمایند [مقاله‌ی «جهان اسلام در فرآیند دوقطبی شدن» نوشته‌ی یوسف جوان‌بخت].



منصور هاشمی خراسانی همه‌ی اعضای مسلمان داعش، طالبان، القاعده و گروه‌های دیگر را مانند سایر مسلمانان جهان، به سوی بیعت با خداوند و ترک بیعت با غیر او فرا می‌خواند و از آنان می‌خواهد که دست از فتنه‌انگیزی و فساد در زمین بردارند و جان و مال و ناموس مسلمانان را بیش از این قربانی جاه‌طلبی و حکومت‌خواهی خود نکنند؛ زیرا خداوند سرای آخرت را برای کسانی قرار داده است که در زمین برتری نمی‌جویند و فساد نمی‌انگیزند و عاقبت برای پرهیزکاران است؛ چنانکه فرموده است: **﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾**!

تردیدی نیست که مهدی برای مسلمانان جهان، از ابو بکر بغدادی، محمد عمر و ایمن ظواهری بهتر است؛ چراکه امثال این‌ها چه بسا خود در آرزوی او هستند و شایستگی آن را ندارند که کفش‌هایش را پیش پایش جفت کنند؛ با توجه به اینکه مهدی بنا بر کتاب خداوند و سنت متواتر پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم خلیفه‌ی خداوند در زمین است، ولی این‌ها بنا بر کتاب خداوند و سنت متواتر پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم کسی نیستند. با این وصف، برای این‌ها و پیروانشان بهتر است که دعوت منصور را لبیک گویند و به سوی مهدی بازگردند، اگر به راستی مسلمانند و در پی اقامه‌ی اسلام هستند؛ چنانکه منصور، خود با اشاره به

آنان در خطبه‌ای که نقل به معنا شده، فرموده است:

«هر یک از آنان شعار مسلمانی می‌دهد و خود را در پی اقامه‌ی اسلام می‌شمارد، در حالی که باید راستگوی آنان از دروغگوشان معلوم شود. بی‌گمان دعوت من به سوی مهدی، برای آنان آزمونی بزرگ است؛ چراکه اگر آن را اجابت نکنند، نفاق خود را آشکار می‌سازند و به مسلمانان اعلام می‌دارند که به راستی مسلمان نیستند و اقامه‌ی اسلام را نمی‌جویند، بلکه تنها در پی قدرت‌اند و رؤیایی جز سلطنت در سر ندارند؛ مانند جبّارانی که پیش از آنان بودند و جان و مال و ناموس مسلمانان را دستمایه‌ی کامرانی خود ساختند، تا آن‌گاه که مرگ بر سر آنان فرود آمد مانند عقابی که بر سر بزغاله فرود آید و آنان را از روی زمین برداشت و به میان هاویه انداخت، در حالی که اگر دعوت من به سوی مهدی را اجابت کنند و با من برای رساندن او به حکومت متحد شوند، زمینه‌ی حکومت او فراهم می‌شود و غرض آنان به بهترین شکل ممکن حاصل می‌گردد؛ البته اگر غرض آنان اقامه‌ی اسلام در جهان باشد؛ چراکه اگر غرض آنان چیز دیگری باشد، لعنت خداوند و بندگانش در پی آنان است و دیر یا زود به آنان می‌رسد و آنان را مانند بادی که خاکستری را از جایی بزاید، در اطراف زمین پراکنده می‌کند و آن‌گاه برای آنان جمع‌کننده‌ای نخواهد بود!

آیا مسلمانانی که خود را مجاهدین می‌نامند و به مهاجرین و انصار تقسیم می‌کنند، نمی‌دانند که بهترین جهاد، جهاد در رکاب مهدی و بهترین هجرت، هجرت به سوی مهدی و بهترین نصرت، نصرت برای مهدی است؟! پس چرا نمی‌گرایند به سوی

مردی - و با دست به خود اشاره فرمود- که بی‌هیچ تکلف و چشم‌داشتی آنان را به سوی مهدی دعوت می‌کند و برای وصول به او راه می‌نماید، در حالی که بر اساس کتاب خداوند و سنت پیامبرش سخن می‌گوید و به عقلانیت فرا می‌خواند و از جهل و تقلید و اهواء و دنیاگرایی و تعصب و تکبر و خرافات باز می‌دارد و هر چه می‌گوید را بر عهده می‌گیرد و خود ضامن آن است؟! به راستی چه چیزی آنان را از اجابت او باز داشته و چه کسی آنان را از مسارعت به سوی مشغول ساخته است؟! آیا شایسته نیست که چهار دست و پا بر روی برف، به سوی او بشتابند و خود را از سرزمین‌های دور و نزدیک به او برسانند تا به همراه او برای یاری مهدی بیرون آیند؟! در حالی که او آنان را با هدایت خود، به مهدی خواهد رساند و مهدی آنان را با حکومت خود، به بهترین آرزوها؛ چراکه احکام خداوند را در میانشان جاری خواهد ساخت و عدالت مطلق را در پستوی خانه‌ها و آغل گوسفندانشان داخل خواهد نمود، بل آنان را به سرزمین‌های موعودی خواهد رساند که در آن‌ها شیر و عسل جاری است و خاکش زعفران ساییده و سنگریزه‌اش الماس و مروارید است. وای بر کسانی که مهدی را وا می‌گذارند تا به گمراهان ملحق شوند؛ چراکه آنان تاریکی را بر نور و کوری را بر بینایی و جهل را بر علم ترجیح می‌دهند و یوسفی را به چند درهم ناقابل می‌فروشند؛ مانند کسانی که خداوند درباره‌ی آنان فرموده است: **﴿وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ﴾**؛ **«و او را به بهایی اندک که چند درهم ناچیز بود فروختند و به او رغبتی نداشتند!»**

آیا در زیر آسمان، مرد دانایی نیست و بر روی زمین، زن خردمندی یافت نمی‌شود که ندای منصور را بشنود و برای یاری مهدی بیرون آید؟! نیست باد جهانی که در آن برای هر خرسی یارانی هست و برای هر دیوی پشتوانه‌ای یافت می‌شود، ولی برای مهدی پشتوانه‌ای نیست و برای دعوت کننده‌ی به سویش یارانی یافت نمی‌شود! آیا کسانی که داعی به سوی خویشتن را با جان و مال خود یاری می‌کنند، ولی داعی به سوی مهدی را خوار می‌دارند و تنها می‌نهند، به روز رستاخیز باور ندارند؟! روزی که زمین پیکرهای آنان را استفراغ می‌کند تا در محکمه‌ی عدل خداوند بر روی یک پای خود ایستاده شوند و به پرسش‌های او درباره‌ی این خیانت بزرگ پاسخ دهند؛ چرا که آنان دعوت کننده‌ی به سوی خدا را نادیده گرفتند و دعوت کننده‌ی به سوی ابلیس را اجابت کردند و با این کار خود، قواعد جهان را بر هم زدند و رشته‌ی طبیعت را از هم گسستند. پس کیفر آنان در دنیا، استیلاء شیران شد تا سرهای مردانشان را ببرند و برای زن‌هایشان قرعه بیندازند و در آخرت، آتشی سوزان شد که سنگ خاره را ذوب می‌کند و روغن آنان را می‌گیرد.»^۱ [پرسش و پاسخ ۱۴].



علامه منصور هاشمی خراسانی، خود یکی از علمای مسلمان است و تبعاً همان نقشی را برای آنان قائل است که برای خود قائل است و آن زمینه‌سازی برای اقامه‌ی اسلام خالص و کامل در جهان از طریق ایجاد و حفظ حاکمیت خلیفه‌ی خداوند در زمین به ترتیبی است که در کتاب

شریف «بازگشت به اسلام» تبیین فرموده است. بنابراین، از نظر ایشان علمای مسلمان موظف‌اند که به جای دعوت به سوی خود، به سوی خلیفه‌ی خداوند در زمین دعوت کنند و به جای ایجاد و حفظ حاکمیت خود، به ایجاد و حفظ حاکمیت او بپردازند؛ چراکه این کار در صورتی که مقدمات آن توسط مسلمانان تأمین شود، ممکن است و مقدمات آن کمابیش مانند مقدمات ایجاد و حفظ سایر حکومت‌هاست. به این ترتیب، هر عالم مسلمانی که مسلمانان را به بیعت با مهدی امر و از بیعت با غیر او نهی می‌کند، وظیفه‌ی اسلامی خود را انجام می‌دهد و بر مسلمانان واجب است که دعوت او را بپذیرند و او را در این کار یاری کنند، ولی عالمان مسلمانی که مسلمانان را به بیعت با مهدی امر و از بیعت با غیر او نهی نمی‌کنند، وظیفه‌ی اسلامی خود را انجام نمی‌دهند و بر مسلمانان واجب است که از آنان بر حذر باشند [پرسش و پاسخ ۷].



منصور هاشمی خراسانی صرفاً عالمی مسلمان است که با هدف ظاهر ساختن مهدی علیه السلام و رساندن او به قدرت، قیام کرده است و مسلمانان را به بیعت با آن حضرت به جای بیعت با این و آن فرا می‌خواند و بدین سان برای اقامه‌ی اسلام خالص و کامل در جهان زمینه‌سازی می‌کند و به همین جهت، حمایت از ایشان بر هر مسلمانی واجب است. حال اگر برای جناب‌عالی و برخی دیگر از مسلمانان، به هر دلیل معلوم شده که ایشان علاوه بر این ماهیت عینی و مشهود، موعود نیز است، حمایت از ایشان بر شما واجب‌تر خواهد بود؛ همچنانکه حمایت از ایشان بر مسلمانانی که چنین چیزی برایشان معلوم نشده نیز واجب است؛ چراکه این عالم مسلمان به صورت عینی و مشهود، به سوی مهدی علیه السلام فرا می‌خواند و برای ظهور آن حضرت زمینه‌سازی می‌کند و همین

برای حمایت از ایشان توسط هر مسلمانی کافی است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ﴾؛ «و به یکدیگر در نیکی و پرهیزکاری یاری رسانید»! ...

منصور هاشمی خراسانی از هیچ مسلمانی برای خود بیعت نمی‌گیرد؛ چراکه بیعت را تنها برای خداوند می‌داند و مرادش از آن، بیعت با کسی است که خداوند به بیعت با او فرمان داده و او کسی جز مهدی نیست که بیعت با او بر هر مسلمانی واجب است. بر این اساس، منصور هاشمی خراسانی از مسلمانان جهان برای مهدی بیعت می‌گیرد؛ به این معنا که از آنان عهد و میثاق می‌گیرد بر اینکه اگر مهدی برایشان ظاهر شد، او را حفاظت، اعانت و اطاعت کنند و مانند کسانی که پیش از آنان بودند، تنهانش نگذارند. این مضمون پیمانی است که منصور هاشمی خراسانی از هر مسلمانی می‌گیرد و اگر شماری کافی از مسلمانان، چنین پیمانی را با او بسته کنند، زمینه برای ظهور مهدی فراهم می‌شود [نقد و بررسی ۲۶].



از آنچه گذشت روشن شد که منصور هاشمی خراسانی بر خلاف توهم جناب‌عالی، به سوی «خود» دعوت نمی‌کند، بلکه آشکارا به سوی «مهدی» دعوت می‌کند؛ چراکه دعوت او به هم‌پیمانی برای حفاظت از «مهدی» و اعانت و اطاعت او، با هیچ تقریری دعوت به «خود» تلقی نمی‌شود و «دعوت به خود» نامیدن آن، مانند «شب» نامیدن «روز» است که چیزی جز تحکّم در نام‌گذاری نیست. بی‌گمان کسانی به سوی «خود» دعوت می‌کنند که برای «خود» حقّ حاکمیت می‌شناسند و دیگران را به حفاظت، اعانت و اطاعت «خود» ملزم می‌دانند و جز حفظ حکومت «خود» همی ندارند؛ یا خودپرستانی که در باتلاق ادّعاها فرو رفته‌اند و جز

«من اینم» و «من آنم» حرفی ندارند و جز برای اثبات «خود» نمی‌کوشند؛ همانان که خود را در ردیف پیامبران خدا می‌دانند و در عرض خلفاء او می‌شمارند و به نام‌های اولیاء او می‌نامند، در حالی که در نظر او از سوسکی بی‌فایده‌ترند! [نقد و بررسی ۲۷].



یکی از مهم‌ترین حقایق تبیین شده توسط جناب منصور در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» که می‌توان آن را مبنای نظری انقلاب جهانی مهدی و نقطه‌ی عزیمت به سوی ظهور آن حضرت دانست، امکان ظهور آن حضرت در صورت اجتماع شماری کافی از مسلمانان برای حفاظت و حمایت از اوست. بر این اساس، هدف جناب منصور، تشکیل این اجتماع و رساندن آن به مهدی است تا بتواند با یاری آن ظهور کند. با این وصف، حکومتی که جناب منصور در صدد تشکیل آن است، حکومت مهدی است که مانند هر حکومت دیگری، در صورت تحقق زمینه‌های آن قابل تشکیل است و مشروعیت تحقق زمینه‌های آن با محوریت تشکیل اجتماع مذکور، از توابع مشروعیت حکومت مهدی است؛ به این معنا که وقتی حکومت مهدی مشروع است، زمینه‌سازی برای آن نیز مشروعیت دارد و این از باب تحصیل مقدمه‌ی واجب است که عقلاً واجب محسوب می‌شود، تا حدی که امکان نهی از آن توسط شارع وجود ندارد؛ چراکه نهی از واجب عقلی قبیح است، مانند نهی از تهیه‌ی آب برای غسل و طهّی طریق برای حج و این صرف نظر از آن است که امر شرعی خاصی برای آن به جناب منصور رسیده باشد یا نرسیده باشد [پرسش و پاسخ ۲۸].



هر چند برخی مسلمانان اهل علم، ایشان را زمینه‌ساز موعود ظهور

مهدی علیه السلام می‌دانند و معتقدند که این با توجّه به خصوصیات فکری، عملی و ظاهری ایشان، واضح است و نیازی به تردید و مجادله ندارد، ولی ایشان همّ خود را معطوف به چنین ادّعایی نمی‌فرماید و تنها به زمینه‌سازی عینی و واقعی برای ظهور مهدی علیه السلام می‌پردازد و معتقد است که لزوم عقلی و شرعی همراهی با ایشان در این راستا، تابعی از همین زمینه‌سازی عینی و واقعی است، نه تابعی از ادّعای موعود بودن؛ چراکه مدّعیان موعود بودن بسیارند، ولی یک زمینه‌ساز عینی و واقعی برای ظهور آن حضرت یافت نمی‌شود! با توجّه به اینکه عموم مدّعیان، همّی جز اثبات ادّعای خود ندارند و به کاری جز مجادله درباره‌ی اینکه چه کسی هستند و چه کسی نیستند، نمی‌پردازند، در حالی که روشن است شأن منصور هاشمی خراسانی اجلّ از این قبیل کارهاست و کار مهم‌تری ایشان را به خود مشغول کرده و آن همانا تعلیم اسلام خالص و کامل به مسلمانان جهان و تربیت شماری کافی از آنان برای یاری مهدی علیه السلام است؛ کاری که اگر توسط ایشان انجام شود، ظهور آن حضرت تحقق می‌یابد، هر چند کسی ایشان را زمینه‌ساز موعود آن به شمار نیاورده باشد [نقد و بررسی ۱۷].



وانگهی معلوم است که ایشان به هیچ رو ادّعای مهدویت ندارد و خواهان هرج و مرج در جامعه نیست، بلکه به سوی امام مهدی علیه السلام دعوت می‌کند و تحقّق حاکمیت او را مانند تحقّق حاکمیت دیگران ممکن می‌داند. ایشان سعی دارد به شما و سایر مسلمانان جهان بفهماند که می‌توانید همان طور که زید و عمرو را به حکومت می‌رسانید، مهدی را به حکومت برسانید و با این وصف، ایشان به سوی بی‌حکومتی دعوت نمی‌کند، بلکه به سوی حکومت مهدی دعوت می‌کند؛ چراکه از

نظر ایشان، مهدی به حکم **﴿إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾**^۱ بشری مانند دیگران است و موجودی افسانه‌ای در لامکانی ماورایی نیست و می‌توان با تضمین امنیتی او به سادگی به او دسترسی پیدا کرد و با تضمین اعانت و اطاعت او به سادگی حکومت او را محقق ساخت. با این وصف، کسی که برای تحقق حکومت او تلاش می‌کند، خواستار هرج و مرج نیست، بلکه خواستار اقامه‌ی عدالت در جهان است و از کسانی که برای تحقق حکومت دیگران تلاش می‌کنند، خیرخواه‌تر است. از اینجا دانسته می‌شود که تمثیل شما درباره‌ی خوردن غذا و نصب امیر برای سرایا، به کلی نامربوط و بیگانه است؛ زیرا ایشان منکر ضرورت حکومت نیست تا به ایشان گفته شود حکومت مانند غذا ضروری است یا پیامبر برای سرایا امیر نصب می‌کرد! بل معتقد است که حکومت برای مهدی است و ایجاد آن مانند ایجاد هر حکومت دیگری ممکن است و اگر مردم کاری که برای ایجاد حکومت‌های موجود کرده‌اند را برای ایجاد حکومت او بکنند، حکومت او ایجاد می‌شود و این بالکل متفاوت با چیزی است که شما برداشت کرده‌اید! [نقد و بررسی ۷].



انجمن موسوم به حجتیه در ایران، مانند سایر گروه‌های شیعی معتقد است که ظاهر ساختن مهدی بر عهده‌ی خداوند است و وظیفه‌ی مردم شمرده نمی‌شود، با این تفاوت که بر خلاف سایر گروه‌ها، معتقد به ضرورت توقّف تا زمان ظهور مهدی است اگرچه به پر شدن جهان از ظلم و جور دامن زند، در حالی که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی ظاهر ساختن مهدی را بر عهده‌ی مردم می‌داند نه بر عهده‌ی خداوند و معتقد است که توقّف آنان تا زمان ظهور مهدی جایز نیست،

بلکه مانع از ظهور آن حضرت می‌شود؛ زیرا ظاهر نبودن آن حضرت نتیجه‌ی طبیعی ترس او از دچار شدن به عاقبت پدرانش است که در خلأ حمایت مردم کشته و مغلوب شدند و با این وصف، تا هنگامی که این ترس او باقی است، ظاهر نبودن او نیز استمرار می‌یابد و از این رو، مردم موظف به تضمین امنیت او از طرق متعارفی مانند اجتماع، تمهید و تعهد هستند تا زمینه برای ظهور او فراهم شود. این «باب حظه» و دروازه‌ی نجاتی است که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به روی امت گشوده و بر انجمن موسوم به حجتیه و سایر گروه‌های شیعی واجب است که از آن وارد شوند [نقد و بررسی ۸۴].



چیزی که نخستین بار خلیفه‌ی خداوند در زمین را به پنهان شدن و داشت، ترس از کشته شدن توسط ظالمان بود که موسی بن عمران علیه السلام را نیز به پنهان شدن و داشت؛ چنانکه خداوند برای عبرت مسلمانان فرموده است: ﴿وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿۱۰۰﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰۱﴾؛ «و مردی از دورترین جای شهر آمد در حالی که می‌شتافت، گفت: ای موسی! انجمن درباره‌ی تو مشورت می‌کنند تا تو را بکشند، پس بیرون شو که من برای تو از خیر خواهانم! پس بیرون شد در حالی که ترسان و نگران بود، گفت: پروردگارا! من را از قوم ظالمان نجات بده!» با این وصف، تداوم غیاب او ناشی از تداوم ترس اوست و تداوم ترس او ناشی از آن است که «قوم ظالمان» هنوز قادر به کشتن او هستند و این به معنای آن است که مردم هنوز تمهیدات لازم برای محافظت از او را نیندیشیده‌اند و اقدامات لازم

برای تأمین امنیت او را انجام نداده‌اند، بلکه هنوز پشتیبان «قوم ظالمان» هستند و با این وصف، نمی‌توان گفت که غیاب او تنها به سبب اعمال گذشتگان‌شان است؛ چنانکه خداوند فرموده است: **«أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ»**^۱؛ «یا (مبادا) بگویید که پدرانمان از پیش شرک ورزیدند و ما فرزندان پس از آنان بودیم، آیا پس ما را به سبب کاری که اهل باطل کردند هلاک می‌کنی؟!»؛ زیرا قاعدتاً هر زمانی که مردم اعمال گذشتگان‌شان را ترک کنند و از حمایت «قوم ظالمان» دست بردارند و به پشتیبانی از خلیفه‌ی خداوند در برابر آنان روی بیاورند، غیاب خلیفه‌ی خداوند پایان می‌پذیرد؛ چنانکه خداوند فرموده است: **«مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ»**^۲؛ «خداوند به عذاب شما چه کار دارد اگر شما شکر بگزارید و ایمان آورید؟!» و فرموده است: **«وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ»**^۳؛ «و پروردگارت کسی نیست که آبادی‌ها را با ظلم نابود کند در حالی که اهل آن اصلاح کنندگانند» و این همان زمینه‌سازی برای ظهور مهدی است که منصور هاشمی خراسانی به سوی آن فرا می‌خواند و مخالفان او از آن باز می‌دارند [نقد و بررسی ۹۳].



بنا بر نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، شرط ظهور امام مهدی علیه السلام اطمینان او به امنیت و امید او به حاکمیت خود است. بنابراین، او تا هنگامی که به مصون بودن جان و آزادی‌اش در میان مردم مطمئن نیست و به حاکمیتش بر آنان امیدی ندارد، ظهور نمی‌کند، اگرچه جز یک روز از دنیا باقی نمانده باشد و این شرطی است

۱. أعراف / ۱۷۳

۲. نساء / ۱۴۷

۳. هود / ۱۱۷

که فراهم کردن آن بر عهده‌ی مردم است؛ زیرا آنان با تقصیرشان در حفاظت و حمایت از او و اقدامشان به حفاظت و حمایت از دیگران که به جای او حکومت می‌کنند، سبب ترس او بر جان و آزادی‌اش و یأس او از دستیابی به حکومت شده‌اند و بنا بر قاعده در اسلام، هر کس سبب خسارتی بر دیگری می‌شود، مکلف به جبران آن است؛ خصوصاً با توجه به اینکه غرض خداوند از ظاهر کردن امام مهدی علیه السلام و رساندنش به حکومت، ایجاد عدالت در مردم پس از وجود ظلم در آنان است و این فاعلیتی از اوست که بدون قابلیت از آنان تحقق نمی‌یابد؛ چنانکه فرموده است: **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾**^۱؛ «هرآینه خداوند چیزی که در قومی است را تغییر نمی‌دهد تا آن گاه که آنان چیزی که در خودشان است را تغییر دهند»!

البته تردیدی نیست که خداوند بر حفظ امنیّت امام مهدی علیه السلام و رساندنش به حکومت از طریق جبر تواناست، اگرچه یک تن از مردم به آن راضی نباشد و برای آن کاری نکند، ولی این بر خلاف سنّت او و رویه‌اش در امت‌های گذشته است، تا حدّی که برای پیامبران نیز واقع نشد و روشن است که سنّت او و رویه‌اش در امت‌های گذشته هرگز تغییر نمی‌پذیرد؛ چنانکه فرموده است: **﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾**^۲؛ «سنّت خداوند در کسانی که از پیش گذشتند (چنین بود) و هرگز برای سنّت خداوند تغییری نمی‌یابی» و فرموده است: **﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾**^۳؛ «پس آیا انتظار چیزی جز سنّت گذشتگان را دارند؟! پس هرگز برای سنّت خداوند تغییری نمی‌یابی و هرگز برای

۱. ۱۱ / رعد

۲. احزاب / ۶۲

۳. فاطر / ۴۳

سنت خداوند تحوّل‌ی نمی‌یابی» و از این رو، امام مهدی علیه السلام هرگز ظهور نمی‌کند مگر هنگامی که شماری کافی از مردم برای حفاظت از جان و آزادی او گرد آیند و هرگز به حکومت نمی‌رسد مگر هنگامی که شماری کافی از مردم خواستار حکومت او شوند و با مال و سلاح خود از آن حمایت کنند؛ همان طور که شماری کافی از مردم در مکه با سیادت ابو طالب برای حفاظت از جان و آزادی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گرد آمدند تا آن حضرت دعوت خویش را ظاهر ساخت و شماری کافی از مردم در مدینه - پس از اینکه به حاکمشان عبد الله بن ابی پشت نمودند - خواستار حکومت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شدند و با مال و سلاح خود از آن حمایت کردند تا آن حضرت به حکومت رسید و این مصداق سخن خداوند است که فرموده است: **﴿سِنَّةٌ مِّنْ قَدِّ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا﴾**^۱؛ «سنت کسی از پیامبرانمان که پیش از تو فرستاده‌ایم و هرگز برای سنت ما تغییری نمی‌یابی!» از این روست که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی - این زمینه‌ساز صدیق ظهور امام مهدی علیه السلام - فریاد می‌زند:

«آیا در میان شما آزادگانی نیستند که برای یاری این مرد گرد آیند، باشد که خویش را به آنان بشناساند؟! به خدا سوگند اگر شماری کافی از شما گرد آیند که او را با مال و جان یاری رسانند و از پدر و مادر و زن و فرزند دوست‌تر دارند، هرآینه خویش را به آنان می‌شناساند و آنان را در راه خداوند رهبری می‌فرماید...»^۲.

این به معنای آن است که هرگاه شماری کافی از مردم برای یاری امام مهدی علیه السلام با مال و جان گرد آیند، آن حضرت خود را به آنان می‌شناساند، اگرچه آنان پیش‌تر با او ارتباطی نداشته باشند و این کلید

۱. اِسْرَاءُ / ۷۷

۲. گفتار ۱۰۴

قفل ظهور او محسوب می‌شود^۱...

یاران خاصّ امام مهدی علیه السلام از زمینه‌سازان ظهور او هستند که با عرق خود او را ظاهر می‌کنند و با خون خود او را به حکومت می‌رسانند در حالی که خائفین، سائحین و مستضعفین در زمین هستند، نه کسانی که امامانی جز او گرفته‌اند و از قبَل غیاب او نان خورده‌اند و به قدرت و ثروت دست یافته‌اند و در برابر زمینه‌سازان ظهورش ایستاده‌اند و سپس طمع دارند که از یاران خاصّ او باشند! یاران خاصّ امام مهدی علیه السلام از مذهب اسلام و حزب خداوند و گروه امام مهدی علیه السلام هستند و به هیچ مذهب، حزب و گروه دیگری وابستگی ندارند و به اعتبار ایمان و عمل صالحشان انتخاب می‌شوند و ویژگی‌های آنان در کتاب خداوند و حکمت اولیائش نوشته شده است؛ چنانکه در نامه‌ای از علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آمده است:

«ای عبد الله! یاران مهدی کسانی نیستند که معصیت خداوند می‌کنند؛ یاران او کسانی هستند که از گناهان کوچک و بزرگ می‌پرهیزند؛ شب‌ها را به نماز بر می‌خیزند و روزها را به تحصیل علم و تعلیم آن به دیگران می‌پردازند. به وعده‌های خداوند ایمان دارند و از روز جزا می‌هراسند؛ روزی که در پیش‌گاه پروردگار می‌ایستند و کردار خویش را حاضر می‌بینند. یاران مهدی به اخلاق انبیاء خدا متخلّق و به آداب اولیاء او مؤدّب‌اند. حق را چون برایشان آشکار شد می‌پذیرند و باطل را چون برایشان رسوا گشت وا می‌گذارند. نه متعصّب و لجوج‌اند و نه بدزبان و یاهو گو. بر خداوند دروغ نمی‌بندند و از کسانی که بر او دروغ می‌بندند کناره می‌گیرند. نماز را در وقت

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره بنگرید به: کتاب «بازگشت به اسلام»، مبحث «چگونگی ظاهر کردن مهدی توسط مردم»، ص ۲۳۹. همچنین، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۸۳.

فضیلتش برپا می‌دارند و از مال خود به نیازمندان می‌بخشایند. خشم خود را فرو می‌خورند و از جفای مردم در می‌گذرند. پدر و مادر خویش را گرامی می‌دارند و بر بدخُلقی آن دو صبر می‌نمایند. به دوستان خود با بهانه‌ی دوستی بی‌احترامی نمی‌کنند و به دشمنان خود با بهانه‌ی دشمنی ستم نمی‌ورزند. با جاهلان مدارا می‌نمایند و با سفیهان دهان به دهان نمی‌گذارند. نه پرگویی و پر خنده‌اند و نه پر خواب و پر خور. مهار شهوت را در دست دارند و جانب عفت را فرو نمی‌گذارند. نه چشم‌چران و بی‌حیایند و نه خودنمای و هرزه‌گوی. با فاسقان دوستی نمی‌کنند و با ظالمان مجالست نمی‌نمایند. به کارهای سودمند می‌پردازند و وقت خود را هدر نمی‌دهند. با کتاب خداوند مأنوسند و با حلال و حرام آشنا می‌نمایند. تعالیم عالم را منکر نمی‌شوند و از دشمنی با او می‌پرهیزند، بلکه دعوتش را اجابت می‌کنند و به یاری‌اش می‌شتابند؛ هنگامی که آنان را به سوی مهدی دعوت می‌کند تا برای یاری او گرد هم آورد»^۱ [پرسش و پاسخ ۲۲۲].



مشکلات جهان همه ریشه در عدم حاکمیت خداوند بر آن دارد و حاکمیت خداوند بر آن، با حاکمیت مهدی بر آن تحقق می‌یابد و حاکمیت مهدی بر آن با زمینه‌سازی برای آن ممکن می‌شود و زمینه‌سازی برای آن در گرو اجتماع شماری کافی از مردم برای حمایت از اوست و جناب منصور هاشمی خراسانی در حال ایجاد این اجتماع است و هر کسی که به قدر توان خود با او همکاری نمی‌کند، در ایجاد مشکلات جهان سهیم است، خواه حاکم باشد و خواه رعیت [پرسش و پاسخ ۶۶].



ظهور آن حضرت، در گرو اجتماع همه‌ی مردم جهان برای حمایت از او نیست، بلکه در گرو اجتماع شماری کافی از آنان برای این کار است و شماری کافی از آنان برای این کار، می‌تواند به تدریج و با اجابت و یاری امثال شما تأمین شود ان شاء الله. با این وصف، تنها کسانی می‌توانند به ظهور مهدی امیدوار باشند که مقدمات آن را فراهم می‌سازند؛ مانند کشاورزی که زمین را برای برداشت محصول شخم می‌زند و بذر می‌افشاند و آب می‌دهد و وجین می‌کند و آن گاه به برداشت محصول امید دارد؛ چراکه بدون این زمینه‌سازی، امید داشتن به برداشت محصول حماقت است. از این رو، کسانی که در حال حمایت از حاکمان دیگر و تأمین مال و سلاح و نفر برای آنان، به ظهور مهدی امیدوارند، مانند احمقی هستند که بذر را در زمین دیگران می‌کارد و امید محصول در زمین خود دارد! اینان کسانی هستند که از رحمت خداوند ناامیدند و اینان همانا زیان‌کاران هستند [نقد و بررسی ۵۴].



نیاز مهدی به خواست شماری کافی از مردم و حمایت عملی آنان از او به وسیله‌ی مال، نفر و سلاح کافی برای تشکیل و حفظ حکومتش، یک نیاز طبیعی و عقلایی است که از ماهیت حکومت برخاسته و برای هر حکومتی قطع نظر از کیستی حاکم آن ضروری است، تا حدی که حتی حکومت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بدون خواست شماری کافی از مردم و حمایت عملی آنان از او به وسیله‌ی مال، نفر و سلاح کافی شکل نگرفت و محفوظ نماند و روشن است که مهدی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بهتر نیست. با این وصف، می‌توان گفت که شکل‌گیری و حفظ حکومت در اثر اراده و اقدام مناسب شماری کافی از مردم، سنت خداوند

در گذشتگان است و سنت خداوند در گذشتگان هرگز تغییری نخواهد پذیرفت؛ چنانکه فرموده است: **«سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»**^۱؛ «سنت خداوند در کسانی که پیشتر گذشتند چنین بود و هرگز برای سنت خداوند تغییری نخواهی یافت»! بنابراین، کسانی که انتظار می‌برند حکومت مهدی به گونه‌ای متفاوت با حکومت گذشتگان و بدون اراده و اقدام مناسب شماری کافی از مردم شکل بگیرد و محفوظ بماند، انتظاری بیهوده می‌برند؛ چنانکه خداوند فرموده است: **«فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»**^۲؛ «آیا انتظار چیزی جز سنت گذشتگان را دارند؟! در حالی که هرگز برای سنت خداوند تغییری نمی‌یابی و هرگز برای سنت خداوند تبدیلی نمی‌یابی»!

از اینجا دانسته می‌شود که هرگاه شماری کافی از مردم به اراده و اقدام مناسب برای ظهور مهدی روی نیاورند، خداوند را ناگزیر به تغییر سنت خود نمی‌کنند تا بر خلاف سنت خود، مهدی را بدون اراده و اقدام مناسب آنان ظاهر کند، بل تنها سبب می‌شوند که خداوند سنت دیگری از سنت‌های خود را در پیش بگیرد و آن همانا اتمام حجت بر آنان از طریق برانگیختن یک بیم دهنده و سپس برداشتن آنان از روی زمین با عذابی نابودگر است تا تسلسلی باطل و بی‌نهایت شکل نگیرد؛ چنانکه فرموده است: **«قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»**^۳؛ «پیش از شما سنت‌هایی گذشته است، پس در زمین بگردید و ببینید که عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود»! این به معنای آن است که دعوت مردم توسط منصور هاشمی خراسانی به سوی

۱. احزاب / ۶۲

۲. فاطر / ۴۳

۳. آل عمران / ۱۳۷

زمینه‌سازی برای ظهور مهدی، یکی از دو نتیجه را خواهد داشت: یا با اجابت شماری کافی از آنان، به ظهور و حکومت مهدی خواهد انجامید و یا با عدم اجابت شماری کافی از آنان، به نزول عذاب بر آنان منجر خواهد شد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأُولِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا﴾؛ «و چیزی مردم را هنگامی که هدایت به نزدشان آمد باز ندارد از اینکه ایمان آورند و از پروردگارشان آمرزش خواهند مگر اینکه سنت گذشتگان بر آنان بیاید یا عذاب بر آنان پیش بیاید» و این عذاب سبب نابودی نسل آنان و در نهایت پیدایش نسلی دیگر خواهد شد که به اراده و اقدام مناسب برای ظهور مهدی روی می‌آورند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا﴾؛^۲ «اگر بخواهد شما را می‌برد ای مردم و کسان دیگری را می‌آورد و خداوند بر این کار تواناست» و فرموده است: ﴿إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ﴾؛^۳ «اگر بخواهد شما را می‌برد و کسی که می‌خواهد را به جای شما می‌آورد، همان طور که شما را از پشت گروهی دیگر پدید آورد» و فرموده است: ﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾؛^۴ «و چه بسیار سرزمینی که ستمکار بود را در هم کوبیدیم و پس از آن قومی دیگر را پدید آوردیم» و فرموده است: ﴿فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾؛^۵ «پس اگر این‌ها به آن کافر شوند، قومی را بر آن می‌گماریم که به آن کافر نباشند!» بنابراین، دعوت منصور هاشمی خراسانی به سوی مهدی، در هر حال

۱. کهف / ۵۵

۲. نساء / ۱۳۳

۳. أنعام / ۱۳۳

۴. أنبیاء / ۱۱

۵. أنعام / ۸۹

بی‌نتیجه نخواهد بود، بل ناگزیر یکی از دو نتیجه را خواهد داشت که هر دو به ظهور مهدی خواهند انجامید و این مصداق سخن خداوند است که فرموده است: ﴿قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ ۖ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيَدِنَا ۖ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾^۱؛ «بگو آیا برای ما جز یکی از دو خوبی را انتظار می‌برید؟! در حالی که ما برای شما انتظار می‌بریم که خداوند به شما عذابی از نزد خود یا با دستان ما برساند! پس انتظار برید که ما نیز با شما منتظرانیم!» با این وصف، کسانی که از اجابت دعوت منصور هاشمی خراسانی به سوی مهدی سر باز می‌زنند بدانند که خداوند را عاجز نخواهند کرد، بلکه حداکثر نسل خود را بر خواهند انداخت؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾^۲؛ «و اگر رویگردان شدید بدانید که شما عاجز کنندگان خداوند نیستید و کسانی که کافر شدند را به عذابی دردناک بشارت ده!»

اگرچه اینک بیشتر مردم مانند حیوانات تنها در اندیشه‌ی زندگی دنیا هستند و دغدغه‌ای جز خوردن، خوابیدن و جفت‌گیری ندارند، ولی برای تشکیل و حفظ حکومت مهدی، به اراده و اقدام مناسب همه‌ی آنان نیازی نیست، بلکه اراده و اقدام مناسب شماری از آنان کفایت می‌کند؛ همان طور که برای تشکیل و حفظ سایر حکومت‌ها در جهان، اراده و اقدام مناسب همه‌ی مردم وجود نداشته، بلکه اراده و اقدام مناسب شماری از آنان وجود داشته و همین برای آن‌ها کافی بوده است. روشن است که این شمار کافی از مردم، می‌توانند با پیوستن به یکدیگر در صفی واحد و قرار گرفتن تحت تعلیم و هدایت عالمی کامل مانند منصور هاشمی خراسانی و سپس اقدامات مناسب فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره

۱. توبه / ۵۲

۲. توبه / ۳

در جهان، برخی حاکمان ظالم را تحت فشار قرار دهند و به کناره‌گیری از حکومت و سایر تمهیدات لازم برای ظهور مهدی وادار سازند. با این شیوه، انتظار می‌رود که مال، نفر و سلاح یک کشور بنا بر خواست بیشتر مردم آن در اختیار مهدی قرار گیرد و این برای قانع ساختن او به ظهور و قبول حکومت در آن کافی به نظر می‌رسد، تا از این طریق به توسعه‌ی حکومت خود تا هر جایی که خداوند خواسته است بپردازد. این به معنای آن است که رویگردانی بیشتر مردم از اجابت دعوت منصور هاشمی خراسانی، تا هنگامی که شماری کافی از آنان آن را اجابت می‌کنند، مانع از ظهور مهدی نمی‌شود و اجابت شماری کافی از آنان بسیار محتمل و عملی است و با این وصف، جایی برای ناامیدی وجود ندارد و شما باید با اقتدا به منصور هاشمی خراسانی، همچنان به دعوت مردم ادامه دهید و پیام حق را به گوش همه‌ی آنان برسانید تا شاید شماری کافی از آنان آن را اجابت کنند، پیش از اینکه عذاب خداوند بر آنان فرود آید و آنان را به غیر آنان تبدیل کند.

منصور هاشمی خراسانی برای رسیدن به آرمان اسلامی خود بر روی هیچ یک از عقاید و احکام اسلام پای نگذاشته و به همین دلیل است که با وجود احقیّت آشکار و بر خورداری از معقول‌ترین و مشروع‌ترین گفتمان در جهان اسلام، از کمترین حمایت‌ها و امکانات برخوردار است، در حالی که اگر مانند دیگران برای رسیدن به آرمان خود، بر روی برخی عقاید و احکام اسلام پای می‌گذاشت، مانند آنان از حمایت‌ها و امکانات دولت‌ها و گروه‌های مختلف برخوردار می‌شد، ولی او برای خداوند تقوا پیش گرفته و بر همه‌ی سختی‌ها و مرارت‌های ناشی از آن صبر پیشه کرده و با این وصف، تردیدی نیست که پیروزی نهایی برای اوست؛ چراکه خداوند وعده داده و فرموده است: **﴿فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾**؛ «صبر پیشه کن؛ چراکه

عاقبت برای اهل تقوا است!» بنا بر این، یاران منصور هاشمی خراسانی نیز باید به پیروی از معلم خویش، تقوا پیش گیرند و صبر پیشه کنند و برای رسیدن به آرمان اسلامی خود بر روی برخی عقاید و احکام اسلام پای نگذارند، اگر چه آنان را به سختی‌ها و مرارت‌های بسیاری دچار کند و البته یقین داشته باشند که در این صورت، پیروزی نهایی برای آنان خواهد بود؛ چرا که آن وعده‌ی خداوند است و خداوند وعده‌ی خود را خلاف نخواهد کرد؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾**^۱؛ «وعده خداوند است، خداوند وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!» [نقد و بررسی ۱۸۹].



خداوند در کتاب خود فرموده است: **﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾**^۲؛ «باید از شما گروهی باشند که به سوی خیر دعوت می‌کنند و به معروف امر و از منکر نهی می‌نمایند و آنان همانا رستگارانند» و ما امیدواریم که چنین گروهی باشیم؛ زیرا به سوی بزرگ‌ترین خیر یعنی «بازگشت به اسلام» در پرتو کتاب خداوند و سنت متواتر پیامبرش دعوت می‌کنیم و به بزرگ‌ترین معروف یعنی زمینه‌سازی برای حاکمیت خلیفه‌ی خداوند در زمین امر و از بزرگ‌ترین منکر یعنی سرسپردگی به حاکمیت طاغوت نهی می‌نماییم و با این وصف، امیدواریم که از رستگاران باشیم. در این میان، اگر خداوند به ما اقتداری بخشید، از آن برای انجام این وظیفه‌ی اسلامی به نحو احسن استفاده می‌کنیم؛ چنانکه فرموده است: **﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾**^۳؛ «کسانی که

۱. روم / ۶

۲. آل عمران / ۱۰۴

۳. حج / ۴۱

چون به آنان در زمین اقتدار بخشیم نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و به معروف امر می‌کنند و از منکر نهی می‌نمایند و عاقبت کارها برای خداوند است» و اگر به ما اقتداری نبخشید، ما بر اقتدار حریص نیستیم؛ به این معنا که برای رسیدن به آن ظلمی نمی‌کنیم و با ظالمی نمی‌سازیم؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿تَبْلُكَ الدَّارِ الْآخِرَةِ نَجَعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾**^۱؛ «این سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین برتری و فساد نمی‌جویند و عاقبت برای پرهیزکاران است». این در حالی است که دیگران برای رسیدن به اقتدار ظلم می‌کنند یا با ظالمی می‌سازند؛ چراکه بر اقتدار حریص‌اند و می‌پندارند که جز با یکی از این دو شیوه به آن دست نمی‌یازند، در حالی که اقتدار برای خداوند و برای خلیفه‌اش و برای مؤمنان است و اقتدار ظالمان جز کفی بر روی آب نیست که دیری نمی‌پاید؛ چنانکه فرموده است: **﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الرِّبْدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾**^۲؛ «از آسمان آبی فرو فرستاد، پس هر درّه‌ای به گنجایش خود سیلی روان کرد، پس سیل کفی بر روی خود برداشت و بر چیزی که آن را در آتش حرارت می‌دهند تا زیور یا متاعی به دست آورند نیز کفی مانند آن است، این گونه خداوند حق و باطل را مثال می‌زند، پس اما کف از بین می‌رود و اما چیزی که به مردم سود می‌رساند در زمین می‌پاید، این گونه خداوند مثل‌ها را می‌زند!»

آری، علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی دعوت کننده‌ی مردم به سوی خلیفه‌ی خداوند در زمین با حکمت و موعظه‌ی حسنه و

جدال به احسن است؛ چنانکه خداوند فرموده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ!»؛^۱ «با حکمت و موعظه‌ی حسنه به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به نحو احسن جدال نما» و این دعوت او پیش‌نیاز و مقدمه‌ای برای عذاب‌ی بزرگ است؛ چنانکه خود فرموده است: «پس دعوت‌م را اجابت کنید و به سوی مهدی بازگردید، تا گناهاتتان آمرزیده شود و کارهاتان سامان یابد، پیش از آنکه روزی بر شما برسد که بر عاد و ثمود و قوم نوح رسید»^۲ و فرموده است: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْعِظِينَ وَلَا وَاِعْظُ بَعْدِي إِلَّا السَّيْفُ»؛ «من واپسین موعظه‌کننده هستم و موعظه‌کننده‌ای پس از من جز شمشیر نیست» و مرادش از این سخن چیزی است که عبد الله بن حبيب طبری ما را از آن خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِنَّ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّأْيَ إِنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ، وَإِنَّ الْمُحَدِّثِينَ يَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ، وَإِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ! قُلْتُ: وَمَا هُدَى اللَّهِ؟! قَالَ: إِمَامٌ يَهْدِي بِأَمْرِ اللَّهِ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ وَيَحْكُمُ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ! قُلْتُ: لَا يَقْبَلُ النَّاسُ مِنْكَ هَذَا جُعِلْتُ فِدَاكَ، وَلَوْ قَبِلُوا مِنْكَ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَلَكِنْ لَا يَفْعَلُونَ! قَالَ: دَعَهُمْ يَابْنَ حَبِيبٍ! فَإِنَّهُمْ سَوْفَ يَأْتِيهِمْ رَجُلٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، فَيَعْرِضُهُمْ عَلَى السَّيْفِ حَتَّى يَقْبَلُوهُ! أَلَا إِنَّهُ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفُ، وَلَا يَأْخُذُ مِنْهُمْ إِلَّا السَّيْفُ، وَالْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ!»^۳؛ «شنیدم منصور می‌فرماید: هرآینه کسانی که از رأی تبعیت می‌کنند جز این نیست که از اهواء خود تبعیت می‌کنند و هرآینه محدثان

۱. نحل/ ۱۲۵

۲. نامه‌ی ۱۱

۳. گفتار ۸، فقره‌ی ۱۱

در غیاب از جایی دور نسبت می‌دهند و هرآینه هدایت هدایت خداوند است! عرض کردم: هدایت خداوند کدام است؟! فرمود: امامی که به امر خداوند به سوی کتاب خداوند و سنت پیامبرش هدایت می‌کند و میان مردم درباره‌ی چیزی که درباره‌ی آن اختلاف دارند حکم می‌فرماید! عرض کردم: مردم این را از تو نمی‌پذیرند فدایت شوم، در حالی که اگر از تو می‌پذیرفتند از بالای خود و زیر پاهایشان می‌خوردند، ولی این کار را نمی‌کنند! فرمود: آنان را واگذار ای پسر حبیب؛ زیرا به زودی مردی به سراغشان می‌آید که از من است و من از او هستم، پس آنان را بر شمشیر حواله می‌کند تا اینکه آن را بپذیرند! آگاه باش که او به آنان جز شمشیر نمی‌دهد و از آنان جز شمشیر نمی‌گیرد، در حالی که مرگ زیر سایه‌ی شمشیر است!».

از اینجا دانسته می‌شود کسانی که اکنون دعوت منصور به سوی مهدی با حکمت و موعظه‌ی حسنه و جدال به احسن را نمی‌پذیرند، به زودی با عذابی بزرگ در زندگی دنیا مواجه می‌شوند و البته برایشان در آخرت عذابی بزرگ‌تر خواهد بود؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾؛ «و به زودی کسانی که ظلم کردند خواهند دانست که به کدامین بازگشت‌گاه باز می‌گردند» [نقد و بررسی ۹۸]!



شکی نیست که نهضت اسلامی منصور هاشمی خراسانی، حق‌ترین جریان در جهان اسلام است؛ زیرا هنگامی که همه‌ی جریان‌ها در جهان اسلام به سوی حاکمیت خود فرا می‌خوانند، این نهضت به سوی حاکمیت خداوند دعوت می‌کند و هنگامی که همه‌ی آن‌ها برای خلافت

زید و عمرو و ابو بکر بغدادی زمینه‌سازی می‌کنند، این نهضت برای خلافت مهدی زمینه‌سازی می‌کند و با این وصف، اَحْقِیَّت آن مانند آفتاب در پهنه‌ی آسمان آشکار است، هر چند منافقان و ظالمان اقرار ندارند...

منصور هاشمی خراسانی بر پایه‌ی کتاب خداوند و سَنَت متواتر پیامبرش و در روشنایی عقل سلیم حرکت می‌کند و از خواهش‌های آنان پیروی نمی‌کند و در بند آن نیست که آنان خشنود می‌شوند یا خشم می‌گیرند و با او همراه می‌شوند یا در برابرش می‌ایستند و از ملامت ملامت‌گری نمی‌هراسد. چه بسیار کسانی که آرزو دارند او یک قدم از مواضع محکم خود در کتاب «بازگشت به اسلام» عقب بنشیند تا از او حمایت کنند، ولی او حاضر به این کار نیست؛ چراکه مواضع او در این کتاب بزرگ، مواضع اسلام خالص و کامل است و او بر سر اسلام با کسی معامله نمی‌کند. شاید نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از زمره‌ی اینان باشد؛ چراکه از برخی مواضع او ناخشنود است، ولی واضح است که او به ناخشنودی کسی جز خداوند اهمّیت نمی‌دهد؛ چراکه اگر اهمّیت دهد مشرک می‌شود و کیفر مشرکان آتش است و او را یارای آتش نیست.

آری، البته او از رهبری نظام ایران توقّع دوستی و پشتیبانی دارد؛ چراکه وی رهبری مسلمان و دوستدار اهل بیت است و جا دارد که از احیاگر اسلام خالص و کامل و دعوت‌کننده‌ی به سوی اهل بیت حمایت کند، ولی نه در ازای تبدیل شدن او به مهره‌ی نظام! به نظر می‌رسد کسانی در میان آن‌ها می‌گویند که این شخصیت باید خود را تسلیم آن‌ها کند و در چهارچوب نظام آن‌ها فعالیت نماید، در حالی که چنین چیزی امکان ندارد؛ چراکه منصور هاشمی خراسانی بنده‌ی خداوند است و طوق بندگی هیچ کس جز او را به گردن نمی‌نهد و به هیچ کس جز خلیفه‌ی او در زمین خدمت نمی‌کند. با این وصف، تنها راهی که برای

آن‌ها وجود دارد این است که از این شخصیت، به اعتبار دعوت او به سوی اسلام خالص و کامل و زمینه‌سازی‌اش برای حاکمیت مهدی و ضدیتش با کافران و مفسدان در زمین حمایت کنند؛ یعنی همان چیزی که در واقع هست، بدون هیچ مداهنه و تغییر ماهیتی! آن‌ها اگر این کار را انجام دهند می‌توانند برای خود مشروعیتی دست و پا کنند، با این توجیه که تاکنون از مهدی خبری نبود و آن‌ها با تصوّر اضطرار حکومت می‌کردند، ولی اکنون که از او خبری شده است، به زمینه‌ساز حکومت او یاری می‌رسانند، تا هنگامی که او ظهور کند و حکومت را به او واگذار کنند. در غیر این صورت، مشروعیتی برای آن‌ها قابل تصوّر نیست و حکومت آن‌ها با حکومت بنی امیه و بنی عباس برابر است و این حقیقتی است که بر بزرگان آن‌ها پوشیده نیست، هر چند بر کوچکانشان پوشیده باشد [نقد و بررسی ۲۵].



«اصلاح‌طلبی»، «اصول‌گرایی»، «اعتدال‌گرایی» و «انقلابی‌گری» اصطلاحاتی رایج در ادبیات سیاسی ایران هستند که بار معنایی خاصی دارند و با این بار معنایی خاص، بر حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی قابل اطلاق نیستند؛ چراکه مراد از «اصلاح‌طلب» در ادبیات سیاسی ایران کسی است که قانون اساسی این کشور را قبول دارد، ولی معتقد است که به برخی اصول آن عمل نمی‌شود و برای عملی کردن آن‌ها فعالیت مدنی می‌کند و مراد از «اصول‌گرا» در ادبیات سیاسی ایران کسی است که قانون اساسی این کشور را قبول دارد و معتقد است که به قدر کافی به آن عمل می‌شود و مراد از «اعتدال‌گرا» در ادبیات سیاسی ایران کسی است که در برخی جهات با اصلاح‌طلبان و در برخی جهات با اصول‌گرایان هم‌داستان است و مراد از «انقلابی» در ادبیات سیاسی

ایران کسی است که به انقلاب سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی در این کشور دل‌بسته و پایبند است و با این تعاریف، روشن است که حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی «اصلاح‌طلب»، «اصول‌گرا»، «اعتدال‌گرا» و «انقلابی» محسوب نمی‌شود؛ چراکه ایشان قانونی اساسی جز کتاب خداوند و سنت پیامبر را قبول ندارد و حکومتی جز حکومت خلیفه‌ی خداوند در زمین را مشروع نمی‌داند و به مصالحی جز مصالح عموم مسلمانان جهان متعهد نیست. البته اگر مراد از «اصلاح‌طلبی»، «اصول‌گرایی»، «اعتدال‌گرایی» و «انقلابی‌گری» نه این اعتبارات عرفی و سیاسی، بل رویکردهایی باشد که اسلام تعریف کرده است، بدون شک حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی «اصلاح‌طلب»، «اصول‌گرا»، «اعتدال‌گرا» و «انقلابی» محسوب می‌شود؛ به این معنا که طالب اصلاح عقاید و اعمال مسلمانان و وفادار به اصول و مبانی اسلامی و دعوت‌کننده به سوی اعتدال و در صدد ایجاد انقلابی فرهنگی و سیاسی در جهان اسلام به منظور تحقق حاکمیت مهدی است [نقد و بررسی ۸۳].



لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. ظاهراً «برخی علمای محترم در ایران» مبانی و ملاکات اسلام را از یاد برده‌اند و مبانی و ملاکات جدیدی را اختراع کرده‌اند که در اسلام سابقه نداشته و برای ما ناآشناست. به نظر می‌رسد باتلاقی که اینان در آن فرو افتاده‌اند و به مرور زمان فروتر می‌روند، «عافیت‌طلبی»، «سیاست‌زدگی» و «عوام‌گرایی» در دین است. اینان در حالی منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی را به دفاع از «تنها حکومت شیعه در جهان» با وجود «همه‌ی ضعف‌ها و اشکالاتش» ملزم می‌دانند که می‌دانند «شیعه»

بودن برای مشروعیت یک حکومت کافی نیست و دلیلی برای دفاع از آن محسوب نمی‌شود. از این رو، خود در سال ۱۳۵۷ «تنها حکومت شیعه در جهان» یعنی حکومت پهلوی را برای روی کار آوردن حکومت جمهوری اسلامی سرنگون کردند، با این منطق که «ضعف‌ها و اشکالاتی» دارد و حکومت جمهوری اسلامی به اسلام نزدیک‌تر است! تردیدی نیست که اگر این منطق اینان در سال ۱۳۵۷ درست نبوده باشد، حکومت اینان در حال حاضر مشروع نیست؛ چراکه بر بنیاد این منطق نادرست روی کار آمده است و اگر این منطق اینان در سال ۱۳۵۷ درست بوده باشد، منطق اینان در حال حاضر درست نیست؛ چراکه در تضاد با آن قرار دارد؛ با توجه به اینکه اگر اینان «شیعه» هستند، پهلوی نیز «شیعه» بود و اگر باید چشم به روی «همه‌ی ضعف‌ها و اشکالات» اینان بسته شود، باید چشم به روی «همه‌ی ضعف‌ها و اشکالات» پهلوی نیز بسته می‌شد و اگر حکومت اینان از حکومت پهلوی به اسلام نزدیک‌تر است، حکومت مهدی از حکومت اینان نیز به اسلام نزدیک‌تر خواهد بود و با این وصف، مبارزه با حکومت اینان برای روی کار آوردن حکومت مهدی، مانند مبارزه با حکومت پهلوی برای روی کار آوردن حکومت اینان است! آری، اینان به یاد می‌آورند که وقتی مبارزه با حکومت پهلوی برای تشکیل حکومت جمهوری اسلامی را آغاز کردند، «برخی علمای محترم در ایران» همین منطق را ابراز داشتند و گفتند: شاه «شیعه» است و مبارزه با حکومت «شیعه» جایز نیست؛ چنانکه آقای خمینی از این منطق آنان تحت عنوان «ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته» یاد کرده و گفته است: «در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است!»^۱، در حالی که اکنون نیز «در شروع مبارزات اسلامی» اگر می‌خواهی بگویی حکومت جمهوری اسلامی کفایت نمی‌کند و

باید حکومت خلیفه‌ی خداوند در زمین را ایجاد کرد، بلافاصله جواب می‌شنوی که حکومت جمهوری اسلامی شیعه است! از اینجا دانسته می‌شود که «ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته» همچنان ادامه دارد و اینان هنوز از اشتباهات تاریخی خود عبرت نگرفته‌اند!

۲. تأکید بر اینکه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی «تنها حکومت شیعه در جهان» را قبول ندارد، مغالطه‌ای عوام‌فریبانه برای سوء استفاده از تعصبات مذهبی است؛ زیرا مخالفت آن جناب به «تنها حکومت شیعه در جهان» محدود نمی‌شود، بل هر حکومت دیگری در جهان که مبتنی بر «اذن خداوند» نیست را در بر می‌گیرد؛ با توجه به اینکه مشروعیت هر حکومتی در اسلام موقوف به «اذن خداوند» است و دفاع از حکومتی که فاقد آن است با مبانی و ملاکات اسلام ممکن نیست.^۱ از این رو، «برخی علمای محترم در ایران» مبانی و ملاکات دیگری مانند عصبیت ملی و مذهبی را پشتوانه‌ی دفاع از «تنها حکومت شیعه در جهان» قرار داده‌اند و این پشتوانه‌ای است که برای منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی قابل قبول نیست؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: مَنْ حَرَجَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى عَصَبِيَّةٍ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ! قُلْتُ: وَمَا دُعَاؤُهُ إِلَى الْعَصَبِيَّةِ؟ قَالَ: دُعَاؤُهُ إِلَى سُلْطَانِ قَوْمِهِ أَوْ سُلْطَانِ حَزْبِهِ أَوْ سُلْطَانِ مَذْهَبِهِ! ثُمَّ قَالَ: كُلُّ دُعَاءٍ غَيْرِ دُعَائِي هَذَا فَهُوَ كُفْرٌ وَضَلَالٌ وَتَفْرِيقٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ»^۲؛ «شنیدم منصور می‌فرماید: هر کس خروج نماید و مردم را به سوی عصبیتی دعوت کند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه‌ی مردمان بر اوست! گفتم: دعوت او به سوی

۱. در این باره بنگرید به: بازگشت به اسلام، ص ۱۲۶.

۲. گفتار ۱۵۲

عصبیت چیست؟ فرمود: دعوت او به سوی حکومت قومش یا حکومت حزبش یا حکومت مذهبش! سپس فرمود: هر دعوتی جز این دعوت من (به سوی حکومت مهدی)، کفر و ضلالت و تفرقه‌افکنی میان مسلمانان است!»

۳. «تنها حکومت شیعه در جهان» هنگامی قابل دفاع است که از منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به اعتبار دعوتش به سوی حکومت اهل بیت دفاع کند، نه هنگامی که به خاطر منافع سیاسی کوتاه‌مدتش با او مخالفت کند و این عکس پندار «برخی علمای محترم در ایران» است! به راستی این چه تشیعی است که «تنها حکومت شیعه در جهان» را به مخالفت با نهضت زمینه‌سازی برای حکومت اهل بیت وا می‌دارد؟! آیا یک «شیعه» می‌تواند مخالف دعوت به سوی حکومت اهل بیت باشد و آن را جریان‌ی انحرافی بداند؟! آیا حکومتی که به جای حمایت از چنین دعوتی، در برابر آن قد علم می‌کند، می‌تواند «تنها حکومت شیعه در جهان» محسوب شود؟! «ولایت فقیه» در خوشبینانه‌ترین تفسیر ممکن، فرع بر ولایت اهل بیت است و با این وصف، هرگز نمی‌تواند با اصل خود مخالفت کند! این به معنای آن است که اگر «ولی فقیه» با دعوت به سوی حکومت مهدی مخالفت کند، از ولایت ساقط است و خائن محسوب می‌شود و مخالفت با او بر همه‌ی «علمای محترم» واجب است؛ بر خلاف پندار برخی که پنداشته‌اند: «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد اهمیتش بیشتر است»^۱. از اینجا دانسته می‌شود که منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی نیازی به دفاع از «ولایت فقیه» و «تنها حکومت شیعه در جهان» ندارد؛ زیرا او به سوی چیزی بهتر دعوت می‌کند و آن همانا حکومت مهدی است که

بنا بر مبنای او تأسیس‌پذیر است و با این وصف، «ولایت فقیه» و «تنها حکومت شیعه در جهان» نیازمند هستند که از او دفاع کنند! همچنانکه «برخی علمای محترم در ایران» نیز باید پیش از هر چیز مدافع حکومت مهدی باشند و دفاع از «تنها حکومت شیعه در جهان» را بر دفاع از آن مقدم ندانند؛ زیرا دفاع از «تنها حکومت شیعه در جهان» هنگامی که به سوی حکومت مهدی دعوت می‌شوند، کاری متناقض و بی‌معناست! با این وصف، «برخی علمای محترم در ایران» که دفاع از حکومت شیعه را بر دفاع از حکومت مهدی ترجیح داده‌اند، در گمراهی آشکاری هستند و باید فوراً توبه و اصلاح کنند.

۴. واضح است که منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی «آنارشسیسم» را ترویج نمی‌دهد؛ چراکه «آنارشسیسم» به معنای عدم اعتقاد به ضرورت حکومت است و منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی حکومت را ضروری می‌داند، بلکه آن را مهم‌ترین نیاز جامعه و مبنای تحقق عدالت و سعادت می‌شمارد؛ با این تفاوت که آن را تنها برای خداوند و تبعاً خلیفه‌ی او در زمین می‌داند و معتقد است که حکومت خلیفه‌ی او در زمین مانند هر حکومت دیگری از جمله حکومت جمهوری اسلامی ایران، قابل تشکیل است و با این وصف، بر مردم واجب است که آن را تشکیل دهند، همان طور که حکومت‌های دیگری از جمله حکومت جمهوری اسلامی ایران را تشکیل دادند... واضح است که این با هیچ مبنایی نمی‌تواند «آنارشسیسم» باشد، مگر با مبنای کسانی که به وجود خداوند یا خلیفه‌ی او در زمین باور ندارند و «حکومت مهدی» را با «حکومت هیچ کس» برابر می‌دانند و آنان کافران و منافقان هستند که به مبنای و آرمان‌های اسلام اهمیت نمی‌دهند و از این رو، منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی را به «خیال‌بافی» و ترویج «آنارشسیسم» متهم

می‌کنند؛ با توجّه یا بی توجّه به اینکه اِتّهام مذکور به اسلام بر می‌گردد، نه به منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی؛ چراکه دعوت او مبتنی بر مبانی و آرمان‌های اسلام است.

۵. ما بارها اعلام کرده‌ایم که راه «بازگشت به اسلام» برای «تنها حکومت شیعه در جهان» باز است و ما از آن استقبال می‌کنیم؛ چراکه ما با مسؤولان مسلمان آن عداوت شخصی نداریم، بلکه بیشتر از هر کسی خیر آنان را می‌خواهیم و ترجیح می‌دهیم که خطاها و انحرافات خود را اصلاح کنند تا به سعادت دنیا و آخرت نائل شوند. بی‌گمان اصلاح خطاها و انحرافات آنان، چیزی از آنان نخواهد کاست، بلکه چیزهای بسیاری برای آنان خواهد افزود و آنان اگر عاقل باشند، از آن استنکاف نمی‌کنند؛ همچنانکه ما از سایر حکومت‌های مسلمان نیز همین توقّع را داریم؛ چراکه همه‌ی آن‌ها - کم یا بیش - مدّعی ایمان به خداوند و پیامبرش و التزام به قرآن و سنّت هستند و این سرمایه‌ای مشترک و گران‌بها برای رسیدن به تفاهم و تعاون در راستای تشکیل حکومت خداوند و تحقّق آرمان اسلام است.

آری، منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، دست یاری به سوی همه‌ی حاکمان و عالمان مسلمان دراز می‌کند و فروتنانه از آنان می‌خواهد که تکبر، تعصّب و دنیاگرایی را کنار بگذارند و بدون توجّه به پاره‌ای اختلاف نظرهای فرعی درباره‌ی برخی مسائل کلامی و فقهی، به هم‌اندیشی و هم‌کاری با او برای فراهم ساختن زمینه‌ی ظهور مهدی روی آورند؛ باشد که جهان اسلام از فتنه و آشوب کنونی رهایی یابد و به دوران شکوه و شکوفایی خود در صدر اسلام بازگردد ان شاء الله [نقد و بررسی ۱۱۵].



منصور هاشمی خراسانی از اینکه انحراف همه‌ی گروه‌ها، فرقه‌ها، مذهب‌ها و کشورهای اسلامی را با تکیه بر یقینیات اسلام و مشترکات

مسلمانان و با بیانی علمی و دلسوزانه تذکر داده و عموم آنان را بدون تبعیض و استثنا، به سوی اسلام خالص و کامل و زمینه‌سازی برای ظهور خلیفه‌ی خداوند در زمین دعوت کرده، پشیمان و شرمسار نیست؛ زیرا پشیمانی و شرمساری شایسته‌ی کسی است که بر خلاف کتاب خداوند و سنت پیامبرش عمل کرده و چنین کسی است که در دنیا و آخرت پشیمان و شرمسار است. هر چند ایشان همه‌ی گروه‌ها، فرقه‌ها، مذهب‌ها و کشورهای اسلامی را به همراهی با خویش در راه مبارکی که در پیش گرفته است، دعوت می‌کند؛ با توجه به اینکه انصافاً همراهی با ایشان در این راه، برای همه‌ی آن‌ها ممکن است و نهضت ایشان از چنان وسعتی برخوردار است که برای همه‌ی آن‌ها گنجایش دارد و حقیقتاً و نه ادعائاً منحصر به هیچ یک از آن‌ها نیست و اگر آن‌ها نتوانند زیر پرچم ایشان با چنین سایه‌ی پهناوری گرد هم آیند، هرگز زیر پرچم کسی گرد هم نخواهند آمد، ولی روشن است که اگر هیچ یک از آن‌ها این کار را انجام ندهند و همگی بر ردّ ایشان اجتماع کنند، به ایشان زبانی نمی‌رسانند، بلکه به خود زیان می‌رسانند و ایشان در هر صورت، «منصور» و پیروز این میدان است؛ چراکه هدف ایشان انجام وظیفه‌ی عقلی و شرعی با تبیین حقیقت اسلام است و این هدفی است که هم‌اکنون نیز حاصل شده است؛ چراکه پیام ایشان با نشر کتاب «بازگشت به اسلام» به نیکی ابلاغ گردیده و مانند بذر مبارکی به هر گوشه‌ی این زمین پهناور پاشیده شده است و طبیعتاً دیر یا زود، در سرزمین‌های دور یا نزدیک، یکی یکی و دو تا دو تا و چندتا چندتا جوانه می‌زند و به رغم همه‌ی دشمنی‌ها و کژاندیشی‌ها رشد می‌کند و تنومند می‌گردد تا جایی که به شجره‌ای طیبه با اصلی ثابت و فرعی در آسمان تبدیل می‌شود و میوه‌ی خود را می‌دهد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ

فَازَرَهُ فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الرُّزَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ﴿۱﴾؛ «و مثل آنان در انجیل، مثل کشتی است که جوانه‌ی خود را بیرون آورد و سپس استوارش سازد و سپس تنومند گردد تا هنگامی که بر ساقه‌ی خود راست ایستد و کشاورزان را خوش آید و کافران را به خشم آورد» و فرموده است: ﴿الَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿۲﴾ تُوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنُ رَبُّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾؛ «آیا ندیدی که خداوند چگونه مثل کلمه‌ای طیبه را به شجره‌ای طیبه زد که اصل آن ثابت و فرع آن در آسمان است؟! هر زمانی میوه‌ی خود را به اذن پروردگارش می‌دهد و خداوند مثال‌ها را برای مردم می‌زند باشد که آنان متذکر شوند!»

آری، ای برادر! بذر مطهری که منصور هاشمی خراسانی با دستان مبارک خود در هر گوشه‌ی این زمین کاشت، دیر یا زود به رغم همه‌ی گروه‌ها و فرقه‌ها و مذهب‌ها و کشورها و با پاسداری مظلومان و یتیمان و آوارگان و پابرهنگان، به شجره‌ی طیبه‌ای مبدل خواهد شد که میوه‌ی آن عدالت جهانی در پرتو حاکمیت مهدی خواهد بود و کودکان و زنان و مردان مستضعف را چنان سیر خواهد کرد که پس از آن هرگز گرسنه نخواهند شد. **این شاء الله [نقد و بررسی ۱۶].**



نقشه‌ی راه منصور هاشمی خراسانی جز این نیست که در هر زمانی به وظیفه‌ی خود در آن عمل کند و وظیفه‌ی او در هر زمان، تابعی از توانایی اوست که با حمایت مردم از او نضج می‌گیرد؛ چراکه خداوند هیچ کس را بیشتر از توانایی‌اش موظف نمی‌کند و توانایی پیشوایان، از حمایت پیروانشان مایه می‌گیرد. با این وصف، اگر امثال جناب‌عالی همان جا

بایستید و تنها نظاره‌گر باشید که منصور هاشمی خراسانی چه می‌کند، او کاری جز این که اکنون می‌کند انجام نمی‌دهد و آن همانا شناساندن اسلام خالص و کامل به مردم و تعلیم و تزکیه‌ی آنان بر پایه‌ی کتاب خداوند و سنت یقینی پیامبر او در روشنایی عقل است که کاری فرهنگی شمرده می‌شود؛ ولی اگر امثال جناب عالی قبول زحمت بفرمایید و به حمایت از این عالم مصلح و مجاهد پردازید، او کارهای بسیاری می‌تواند انجام دهد تا زمینه برای ظهور مهدی آماده شود و این تفسیر نام او «منصور» است؛ چراکه «منصور» به معنای «یاری شونده»، با یاری او معنا می‌یابد و بدون «ناصر»، «منصوری» نیز ظهور نمی‌کند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿۳۱﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿۳۲﴾﴾؛ «و وعده‌ی ما برای بندگان فرستاده‌ی مان پیشی گرفته است که آنان همانا یاری شونده خواهند بود!» [نقد و بررسی ۳۲].



حق آن است که «جمع‌آوری نفر و امکانات» برای حفاظت و حمایت از امام مهدی علیه السلام، سبب به نتیجه رسیدن تلاش‌های علامه خراسانی حفظه الله تعالی نمی‌شود، بل سبب نزول نصرت خداوند می‌شود و این نصرت خداوند است که سبب به نتیجه رسیدن تلاش‌های این انسان بزرگ می‌شود ... این به معنای آن است که هرگاه مؤمنان دعوت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به سوی اسلام راستین را اجابت کنند و تکلیف خود در قبال آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به انجام رسانند و برای حفاظت و حمایت از امام مهدی علیه السلام گرد هم آیند، خداوند نصرت خود را بر آنان نازل می‌کند و راه‌هایشان را برایشان هموار می‌سازد و آنان را با هر طریقه و وسیله‌ای که خود

می‌خواهد، به آرمان والایشان که تحقق حکومت او بر جهان است می‌رساند [نقد و بررسی ۷۶].



حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، طرح تشکیل اتّحادیه‌ای برای کشورهای اسلامی نظیر اتّحادیه‌ی اروپا را به عنوان مقدّمه و زیربنای تشکیل حکومت واحد اسلامی در جهان اسلام توسّط مهدی مطرح فرموده و راهکار آن را اراده و اقدام مشترک شماری کافی از مسلمانان در کشورهای اسلامی دانسته که پیش از هر چیز در گرو آگاهی و بیداری عمومی آنان از یک سو و نزدیک شدن اندیشه و آرمانشان به یکدیگر از سوی دیگر است. از این رو، آن بزرگوار نهضت فکری گسترده‌ای را به منظور ایجاد یک انقلاب فرهنگی در جهان اسلام آغاز کرده و در حال افزایش سطح آگاهی و بیداری مسلمانان از یک سو و جمع کردن آنان به گرد محوری مشترک از سوی دیگر است که هرگاه با اقبال شماری کافی از آنان در کشورهای اسلامی مواجه شود، می‌تواند به ظهور جنبش‌های مردمی در این کشورها و فشارهای اجتماعی بر حاکمان آن‌ها و در نهایت شکل‌گیری اتّحادیه‌ی مذکور و تسلیم آن به مهدی بینجامد. از اینجا دانسته می‌شود که همه چیز به میزان استقبال مسلمانان جهان از این دعوت اسلامی بستگی دارد و این در حالی است که حاکمان نادان و جاه‌طلب منطقه، در حال جلوگیری از آن با انواع دسیسه‌ها و اقدامات پلید تبلیغاتی، سیاسی و استخباراتی هستند. بر این اساس است که استقبال از چنین نهضتی، در روایات متواتر اسلامی بر هر مسلمانی واجب شمرده شده است [نقد و بررسی ۵۹].



این ندای منصور هاشمی خراسانی است که مسلمانان جهان را به همراهی با خود دعوت می‌کند تا زمینه‌ی ظهور مهدی را فراهم سازد،

ولی بیشتر آنان ندای او را نمی‌شنوند یا می‌شنوند و اجابت نمی‌کنند؛ چراکه یا در زندگی‌های روزمره‌ی خود فرو رفته‌اند و به اوضاع نکبت‌بار خود عادت کرده‌اند، یا تحت تأثیر تبلیغات ظالمان و مدعیان دروغین قرار گرفته‌اند و به حقانیت این عالم صادق اطمینان نمی‌یابند. کسانی از آنان که به حقانیت او اطمینان یافته‌اند نیز گروهی سست و فرومایه‌اند که به تصدیق او اکتفا کرده‌اند و به یاری او نمی‌پردازند؛ چراکه برای آنان حفظ جان و مال و آبروشان از حفظ اسلام مهم‌تر است و جز گریه، دعا و صلوات برای مهدی، کار دیگری نمی‌شناسند، در حالی که مهدی به صرف گریه، دعا و صلوات آنان ظاهر نمی‌شود، بلکه با حفاظت، اعانت و اطاعت آنان ظاهر می‌شود و اگر آنان هزار سال دیگر به گریه، دعا و صلوات‌شان ادامه دهند، برای آنان کفایت نخواهد کرد، تا آن گاه که دست از فرومایگی و سستی بردارند و به میدان نصرت و نصیحت وارد شوند و با منصور هاشمی خراسانی در این راه همراهی کنند؛ خصوصاً در این هنگامه‌ی پرفتنه که منافقان کوردل، در سایه‌ی حمایت حاکمان ظالم، مشغول بازداشتن مردم از همراهی با او و واداشتن آنان به دشمنی با او هستند و از هیچ تلاش رذیلانه و ناجوان‌مردانه‌ای برای سدّ راه او و جلوگیری از نشر دعوتش فروگذار نمی‌کنند و با تبلیغاتی آکنده از دروغ و بهتان و تحریف پیشگویی‌های اسلامی، در سایه‌ی سرکوب کامل و حبس یاران و حامیان او، به گمراه کردن جوانان بی‌اطلاع و ساده‌لوح و ترویج بدبینی و بدگمانی نسبت به او می‌پردازند و سخن خداوند را به یاد نمی‌آورند که فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَصُورُوا اللَّهُ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ أَعْمَالَهُمْ﴾؛ «هرآینه کسانی که کافر شدند و از راه خداوند باز داشتند و پیامبر را به مشقت انداختند

پس از آنکه هدایت برایشان آشکار شد، هرگز به خداوند زبانی نمی‌رسانند و اعمالشان را نابود خواهد کرد» و فرموده است: **«الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ»**؛ «کسانی که کافر شدند و از راه خداوند باز داشتند، آنان را به سبب فسادی که می‌انگیختند، عذابی بر روی عذاب می‌افزاییم» و فرموده است: **«وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ»**؛ «و کسانی که در باره‌ی آیات ما می‌کوشند تا عاجز سازند، آنان در عذاب حاضر خواهند شد»!

البته چیزی که زمینه‌ی این شرارت و شیطنت بزرگ را برای این منافقان کوردل فراهم ساخته، افزون بر حمایت و تحریض حاکمان ظالم، سکوت عالمان و سفاهت بسیاری از مردم است؛ چراکه عالمان خائن و خودفروخته، با اقتدا به کاهنان بنی اسرائیل، به کتمان حق و پوشاندن آن با باطل روی آورده‌اند و به جای خلیفه‌ی خداوند در زمین، پشتیبان حاکمان خودکامه و ستمگر شده‌اند و آنان را بر ضدّ زمینه‌ساز ظهور آن حضرت یاری می‌کنند؛ همچنانکه بسیاری از مردم، در تقلید کورکورانه از این عالمان و جانبداری متعصبانه از این حاکمان، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند و با ساده‌لوحی و زودباوری کودکانه‌ای، از القانات و تزیینات منافقان اثر می‌پذیرند و به تحقیق و بررسی آزادانه اقدام نمی‌کنند. در چنین ورطه‌ی خطرناکی، کسانی که به حقیقت راه یافته‌اند نیز به راهنمایی مردم نمی‌پردازند و در گوشه‌ای به تماشای گمراهی و تباهی آنان می‌نشینند؛ گویی که تکلیفی در قبال آنان ندارند و تنها مکلف به نجات خود هستند و نجات آنان تنها بر عهده‌ی همراهان اندک و شاگردان مستضعف جناب منصور است! این است که گردابی هائل برای غرق شدن مردم شکل می‌گیرد و آتشی بزرگ برای سوختن آنان شعله‌ور می‌شود و ابرهای شبهه آسمان را می‌پوشاند و

سیل فتنه زمین را فرا می‌گیرد و امکان رستگاری باقی نمی‌ماند، مگر برای کسانی که از آزادگی بهره‌ای تام دارند و از عقلانیتِ حَظّی وافر و آنان بسیار انگشت‌شمارند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ﴾^۱؛ «و اندکی از بندگانم شکرگزارند»؛ چراکه بیشتر آنان در چنین هنگامه‌ی پرآشوبی گمراه می‌شوند و از این همه شبهه و فتنه، جان سالم به در نمی‌برند و هر کس که خداوند او را هدایت نکند، برایش هدایت‌کننده‌ای نخواهد بود.

این گره کوری است که هم‌اکنون پدید آمده و رشته‌ای از آن در دست منافقان کوردل و رشته‌ای از آن در دست حاکمان ظالم و رشته‌ای از آن در دست عالمان خائن و رشته‌ای از آن در دست مردمان ساده‌اندیش است که هر یک آن را در جهت‌ی می‌کشند و کورتر می‌سازند. در این میان، تنها کاری که اکنون از ما ساخته است بیان حقیقت بر پایه‌ی کتاب خداوند و سنت یقینی پیامبر او در روشنایی عقل است، تا آنان که از آزادگی بهره‌ای تام و از عقلانیتِ حَظّی وافر دارند، از دیگران متمایز شوند و به یکدیگر ببیوندند و از دور و نزدیک به یاری منصور هاشمی خراسانی بشتابند و مانند مصیبت‌زدگان، پرچم‌های سیاه را برافرازند و بر زمین نگذارند مگر هنگامی که انتقام خود را از منافقان کوردل و حاکمان ظالم و عالمان خائن بگیرند و مردمان ساده‌اندیش را از بند آنان رهایی دهند و زمینه‌ی ظهور مهدی را فراهم سازند؛ ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾^۲ [نقد و بررسی ۳۱].



بی‌گمان نهضت «بازگشت به اسلام»، پاک‌ترین و سودمندترین نهضتی

۱. سیا/ ۱۳

۲. شعراء/ ۲۲۷

است که پس از نهضت عاشورا در میان مسلمانان ظهور کرده و اصالت، متانت و حقایق آن برای هر مسلمان عاقل و منصفی که بدون پیش‌داوری و تعصب مذهبی یا سیاسی به آن بنگرد، آشکار و غیر قابل انکار است؛ چراکه این نهضت مبارک - بر خلاف سایر جریان‌های فکری و سیاسی در جهان اسلام - بر روی یقینی‌ترین مبانی اسلامی استوار شده است و به سوی یقینی‌ترین عقاید و اعمال اسلامی فرا می‌خواند و برای یقینی‌ترین آرمان اسلامی یعنی حاکمیت امام مهدی علیه السلام زمینه‌سازی می‌کند و با این وصف، جز کوردل‌ترین و بی‌خیرترین افراد، آن را مردود نمی‌شمارند و از همراهی با آن سر باز نمی‌زنند. در این میان، جای بسی تعجب است که حاکمان و گروه‌های مسلمان با وجود همه‌ی اختلافات فکری و سیاسی‌شان، بر بایکوت این نهضت آزادی‌بخش و عدالت‌گستر اجماع کرده‌اند و دست به دست هم داده‌اند تا درباره‌ی آن چیزی نگویند و ننویسند تا به زعم خود از انتشار آن در میان مسلمانان جلوگیری کنند؛ زیرا همه‌ی آن‌ها دریافته‌اند که این نهضت اسلامی، منافع یکسویه و بی‌بنیاد هیچ یک از آن‌ها را تأمین نمی‌کند و بر خلاف جهتگیری کلی همه‌ی آن‌ها در حال حرکت است؛ با توجه به اینکه وقتی هر یک از آن‌ها حکومت را به طرف خود می‌کشد و برای گرفتن سهم بیشتری از قدرت می‌کوشد، این نهضت مبارک حکومت را به طرف مهدی سوق می‌دهد و برای رساندن او به قدرت تلاش می‌کند، در حالی که هیچ یک از آن‌ها، برای مهدی سهمی از قدرت قائل نیستند و نمی‌خواهند حکومت را به او واگذار کنند، بلکه بیشتر آن‌ها به او اعتقادی ندارند یا وجود او را جدی نمی‌گیرند و مهم نمی‌دانند! روشن است که در چنین شرایطی، معدود آزادگان فرهیخته‌ای که دین خود را به دنیا نفروخته‌اند و از خداوند و روز داوری می‌ترسند، مسؤولیت سنگین‌تری یافته‌اند؛ چراکه باید برای شکستن این بایکوت ظالمانه و باطل ساختن این

مکر شیطانی تلاش کنند و اجازه ندهند که دعوت حقّ علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به سوی امام مهدی علیه السّلام، در کشاکش بازی‌های سیاسی و جنجال‌های مذهبی رایج ضایع شود؛ با توجّه به اینکه همه‌ی این بازی‌های سیاسی و جنجال‌های مذهبی، کید شیطان برای سرگرم ساختن مردم و بازداشتن آن‌ها از توجّه به امام مهدی علیه السّلام است و این کیدی است که متأسفانه تا به امروز موثر واقع شده و نتیجه داشته است، ولی امید می‌رود که با احساس مسؤولیت و تلاش بیشتر معدود آزادگان فرهیخته - خصوصاً در حوزه‌های علمیّه و دانشگاه‌ها - بی‌اثر و بی‌نتیجه شود ان شاء الله^۱ [پرسش و پاسخ ۳۰۱].



تردیدی نیست که این قیام و خیزش عمومی، بزرگ‌ترین، مبارک‌ترین و تاریخ‌سازترین اقدام انقلابی مسلمانان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم خواهد بود؛ چرا که بدون تردید به ظهور مهدی علیه السلام خواهد انجامید و ظهور مهدی نیز به تصریح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به عدالت جهانی و انتشار اسلام در اقصی نقاط جهان خواهد انجامید و این‌گونه وعده‌ی خداوند مبنی بر استخلاف صالحان و به میراث بردن زمین توسط آنان محقق خواهد شد.

لذا شایسته است که مسلمانان جهان هوشیار باشند و به جای اتّخاذ رویکردهایی ... که وقت، انرژی و سرمایه‌های مادی و معنوی آنان را بر باد می‌دهد، با اراده‌ای پولادین و نیز با غیرتمندی و احساس مسئولیتی که از هر مسلمان آگاه انتظار می‌رود، به سوی هدف و آرمان اصلی اسلام یعنی برپایی خلافت اسلامی به رهبری مهدی علیه السلام بشتابند

۱. در این باره، نکات ۱، ۲۲ و ۳۸ را بخوانید.

و بیش از این خود را قربانی مطامع و اهواء قدرت‌طلبان و مدعیان کذاب و طمّاع نگردانند و نیز بیش از این نیروها و سرمایه‌های خود را صرف تلاش‌های بی‌حاصل و بی‌اثر نمایند، بلکه استطاعت، تجهیزات، ارتباطات، امکانات، منابع و در مجموع عِدّه و عُده‌ی خود را در راستای رسیدن به این هدف مبارک صرف نمایند.

امید است که همه‌ی مسلمانان جهان با درک شرایط بحرانی، بی‌سابقه و وخیم خود و نیز با بصیرت و هوشیاری نسبت به معضلات پیچیده و اسفباری که آنان را از هر سو احاطه کرده است، بهترین و نتیجه‌بخش‌ترین رویکرد را برگزینند و مراقب باشند تا بیش از پیش تجربه‌های تلخ و خسارت‌بار گذشته را تکرار نکنند و به جای پافشاری بر روی اتخاذ رویکردهای آزموده شده و ناکارآمد، راهی را برگزینند که تضمینی برای موفقیت آن وجود داشته باشد و در ایصال آنان به مطلوب و حصول غرضشان تردیدی وجود نداشته باشد. به عقیده‌ی ما یقینی‌ترین مسیر و بهترین رویکرد در حال حاضر، کوچ همگانی مردم به سوی مهدی و توبه‌ی نصح از راه‌هایی است که تا امروز پیموده‌اند. تردیدی نیست که خداوند ضامن موفقیت و حسن عاقبت چنین رویکردی است و خودش به پیروزی مستضعفین و پیروان مهدی در آخر الزمان خبر داده است؛ «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»^۱ [مقاله‌ی «جهان اسلام؛ در تکاپوی راه نجات» نوشته‌ی سید صادق پورمحمدی].



دعوت به سوی خداوند نیاز به «صبر»، «استقامت» و «مداومت» دارد و با «عجله»، «خستگی» و «ناامیدی» سازگار نیست؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم ۱۳ سال در مکه «صبر»، «استقامت» و «مداومت» کرد تا اینکه سرانجام خداوند او را یاری رساند و در او برای ما اسوه‌ی حسنه‌ای

است. این‌ها توصیه‌های خداوند به اوست که فرموده است: ﴿وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ ۗ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾؛^۱ «و از چیزی که به تو وحی می‌شود پیروی کن و صبر پیش بگیر تا آن گاه که خداوند حکم کند و او بهترین حکم‌کنندگان است» و فرموده است: ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛^۲ «پس صبر داشته باش، بی‌گمان عاقبت برای پرهیزکاران است» و فرموده است: ﴿وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛^۳ «و صبر پیشه کن؛ چراکه خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند» و فرموده است: ﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ ۗ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي صَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ﴾؛^۴ «و صبر کن و صبرت جز با خداوند نیست و برای آن‌ها غصه نخور و از چیزی که مکر می‌کنند دلتنگ نباش» و فرموده است: ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾؛^۵ «پس بر چیزی که می‌گویند صبر کن» و فرموده است: ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۗ وَلَا يَسْتَنْخِفُكَ الَّذِينَ لَا يُوْقِنُونَ﴾؛^۶ «پس صبر داشته باش، بی‌گمان وعده‌ی خداوند حق است و کسانی که یقین نمی‌دارند تو را بی‌حوصله نکنند» و فرموده است: ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۗ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتُوفِّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ﴾؛^۷ «پس صبر داشته باش، بی‌گمان وعده‌ی خداوند حق است، پس اگر چیزی که به آنان وعده می‌دهیم را نشانت بدهیم یا تو را از دنیا ببریم آنان به سوی ما باز می‌گردند» و فرموده است: ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعُرْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۚ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا

۱. یونس/ ۱۰۹

۲. هود/ ۴۹

۳. هود/ ۱۱۵

۴. نحل/ ۱۲۷

۵. طه/ ۱۳۰

۶. روم/ ۶۰

۷. غافر/ ۷۷

إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ»؛ «پس صبر کن همان طور که صاحبان عزم از پیامبران صبر کردند و برای آنان عجله نکن، گویا آنان روزی که آنچه وعده داده می‌شوند را می‌بینند جز ساعتی از روز را درنگ نکرده‌اند، ابلاغی است، پس آیا جز گروه فاسقان هلاک خواهند شد؟!» و فرموده است: «وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا»؛ «و برای حکم پروردگارت صبر کن؛ چراکه تو در نظر ما هستی» و فرموده است: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ»؛ «پس برای حکم پروردگارت صبر کن و مانند صاحب ماهی نباش هنگامی که ندا داد در حالی که سخت اندوهگین بود» و فرموده است: «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا»؛ «پس صبری زیبا پیشه کن» و فرموده است: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ «پس چنانکه امر شدی استقامت کن و نیز کسانی که با تو توبه کردند و طغیان نکنید، هرآینه خداوند به کاری که انجام می‌دهید بیناست» و فرموده است: «فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ»؛ «پس برای آن دعوت کن و چنانکه امر شدی استقامت کن و از خواهش‌های آنان پیروی نکن»؛ همچنانکه پیامبران پیش از او و یارانشان نیز از «صبر»، «استقامت» و «مداومت» کمک گرفتند و به سبب مشقت‌ها و مرارت‌های دعوت به سوی خداوند، دچار «عجله»، «خستگی» و «ناامیدی» نشدند، تا آن گاه که یاری خداوند به آنان رسید و این سِتِّ خداوند در گذشتگان است که در ما نیز جریان خواهد داشت؛ چنانکه فرموده است: «وَكَايِنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلْ مَعَهُ رِئِیُونَ كَثِیْرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

۱. أحقاف / ۳۵

۲. طور / ۴۸

۳. قلم / ۴۸

۴. معارج / ۵

۵. هود / ۱۱۲

۶. شوری / ۱۵

وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ^۱؛ «و چه بسیار پیامبری که ربّانی‌های بسیاری به همراه او جهاد کردند، پس به سبب چیزی که در راه خداوند به آنان رسید سست نشدند و ضعیف نگشتند و زاری نکردند و خداوند صابران را دوست می‌دارد» و فرموده است: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمْ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾^۲؛ «آیا پنداشتید که به بهشت داخل می‌شوید در حالی که هنوز مانند چیزی که به گذشتگانان رسید به شما نرسیده است؟! آنان را سختی و آسیب رسید و به لرزه درآمدند تا آن گاه که پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند گفتند: یاری خداوند کی است؟! آگاه باشید که بی‌گمان یاری خداوند نزدیک است»؛ خصوصاً با توجه به اینکه بنای خداوند بر امتحان بندگان با مشقّت‌ها و مرارت‌ها است تا مؤمنان راستین از مدّعیان دروغین ایمان معلوم شوند؛ چنانکه فرموده است: ﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿۱﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾^۳؛ «آیا مردم پنداشتند که وا گذاشته می‌شوند همین که گفتند ایمان آوردیم و امتحان نمی‌شوند؟! و هرآینه کسانی که پیش از آنان بودند را امتحان کردیم، پس هرآینه خداوند کسانی که راست گفتند را معلوم می‌کند و دروغگویان را معلوم می‌کند»!

با این اوصاف، کسانی که امروز به همراه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی برای تحقّق حکومت خداوند و خلیفه‌اش در زمین مجاهدت می‌کنند نیز نباید توقع چیزی جز این را داشته باشند یا به

۱. آل عمران / ۱۴۶

۲. بقره / ۲۱۴

۳. عنکبوت / ۲ و ۳

سبب سختی‌ها و آسیب‌ها و طولانی شدن مدّت سست شوند و ضعف نشان دهند و زاری کنند، بلکه باید خود را برای امتحان‌های الهی آماده سازند و مانند سلف صالحان از پیامبران و صدّیقان و شهیدان و صالحان، «صبر»، «استقامت» و «مداومت» پیش گیرند، تا آن گاه که یاری خداوند به آنان برسد و به آرمان خود نائل شوند یا پیش از آن به نزد او بازگردند و پاداش خویش را در بهشت بگیرند و بی‌گمان بهشت به عنوان پاداش کافی است.^۱

به هر حال، باید توجه داشت، جهانی که قرن‌هاست در جهل، تقلید، دنیاگرایی، اهواء نفسانی، تعصّب، تکبر و خرافه‌گرایی فرو رفته و محکم شده است، به این سهولت و سرعت اصلاح نمی‌پذیرد، بلکه به مجاهدتی فوق العاده و درازمدّت نیاز دارد. با این وصف، می‌توان گفت که «عجله»، «خستگی» و «ناامیدی»، ناشی از ضعف ایمان است و تنها بر کسانی مستولی می‌شود که از عقلانیّت و علم کافی برخوردار نیستند. تنها آنانند که بسیار «کم‌طاقت» و «پرتوقع» هستند و به قول معروف دیر آمده‌اند و زود هم می‌خواهند بروند و از مشاهده‌ی سختی‌ها و آسیب‌های دعوت به سوی خداوند تعجّب می‌کنند و با گذشت زمان خسته و ناامید می‌شوند و دست از تلاش بر می‌دارند؛ مانند سفیهانی که به اقتضای ضعف عقل خود در اوهم به سر می‌برند و انتظار داشتند که منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی ناگهان با سپاهی عظیم پدیدار شود و بی‌درنگ از روی ظالمان منطقه عبور کند و در حالی که آنان به نظاره نشسته‌اند زمینه‌ی ظهور مهدی را بسازد، حال آنکه این توهمی کودکانه و بی‌بنیاد بود؛ زیرا معلوم است که سپاه عظیم ناگهان فراهم نمی‌شود و ظالمان منطقه به نظاره نمی‌نشینند تا منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی بی‌درنگ از رویشان عبور کند و زمینه‌ی ظهور مهدی را بسازد! طبعاً آن جناب نیز باید مانند همه‌ی نیکانی

که پیش از او بودند، دعوت خود را از یک جا آغاز کند و به تدریج توسعه دهد و با تحمّل شدائد، خطرات، آزارها و اهانت‌ها در زمانی که خداوند می‌داند، به کمالی که اقتضا می‌کند برساند و در این میان، مؤمنان باید صبور و مقاوم باشند و اسیر اوهام، ظنون و حدسیات نشوند و تحت تأثیر حوادث و فتنه‌ها قرار نگیرند و تنها بر عمل به تکلیف پای بفشارند و البته مطمئن باشند که تلاش‌های آنان بی‌ثمر نخواهد بود و اثر خود را بر جهان خواهد گذاشت؛ همچنانکه تاکنون نیز بی‌ثمر نبوده و آثار محسوسی را بر جهان گذاشته است؛ چنانکه به عنوان نمونه تحت رهبری آن جناب در برخی کشورهای اسلامی، ظهور مهدی را از یک عقیده‌ی فردی به یک اقدام اجتماعی و زمینه‌سازی برای ظهور او را از یک مفهوم مبهم، به یک واقعیت مبین و عینی تبدیل کرده و در حال وارد ساختن حکومت او به مطالبات عمومی و معادلات سیاسی مسلمانان و گرد آوردن شماری کافی از آنان برای حفاظت و حمایت از او و در یک کلام تغییر دادن شرایط به سود اوست و این علاوه بر آن است که شناخت مردم از اسلام را عمق و وسعت بخشیده و عرصه را بر جریان‌های انحرافی تنگ ساخته و حاکمان ظالم را نگران و سراسیمه کرده و هر روز در حال گسترش و پیشرفت است.

حاصل آنکه دعوت منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به سوی حکومت خداوند و خلیفه‌اش در زمین، تازه در آغاز راه خود است و هنوز کارهای بسیاری برای انجام دادن دارد و مؤمنان باید «صبر»، «استقامت» و «مداومت» پیش گیرند و از «عجله»، «خستگی» و «ناامیدی» به سبب سختی‌ها، آسیب‌ها و طولانی شدن مدّت بپرهیزند؛ چراکه وعده‌ی خداوند حقّ است و عاقبت برای پرهیزکاران خواهد بود؛ ﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^۱؛ «موسی به قومش گفت: از خداوند یاری بخواهید و صبر پیش گیرید، هرآینه زمین برای خداوند است و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد میراث می‌دهد و عاقبت برای پرهیزکاران است» [پرسش و پاسخ ۲۵۱].



نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشید، عدم امکان عملی ظهور امام مهدی علیه السلام پیش از آمادگی و پذیرش عده‌ای کافی از مردم است؛ زیرا ظهور آن حضرت در میان مردمی که او را نمی‌خواهند و پیروی نمی‌کنند و یاری نمی‌رسانند، به شکست آن حضرت در نیل به اهدافش و چه بسا اسارت و شهادتش می‌انجامد و این بر خلاف غرض خداوند و وعده‌ی اوست. هر چند خداوند قادر است که آن حضرت را بر خلاف اراده و اقدام مردم و از طریق اجبار به اهدافش برساند، ولی این با سنت و حکمت او سازگار نیست؛ چنانکه فرموده است: **«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ**^۲؛ «و اگر پروردگارت می‌خواست همه‌ی کسانی که در زمینند ایمان می‌آوردند، آیا پس تو مردم را اکراه می‌کنی تا مؤمن باشند؟!» و فرموده است: **«وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ**^۳؛ «و تو اجبار کننده‌ی آنان نیستی». از این رو، ناگزیر ظهور آن حضرت تا هنگام آمادگی و پذیرش عده‌ای کافی از مردم به تأخیر خواهد افتاد و این نکته‌ی کلیدی و بسیار مهمی است که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی را به تلاش برای ایجاد آمادگی و پذیرش در مردم به رغم همه‌ی دشواری‌هایش وا داشته است...

۱. اعراف / ۱۲۸

۲. یونس / ۹۹

۳. ق / ۴۵

دومین نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشید، وجوب عمل به تکلیف شرعی است، صرف نظر از اینکه به نتیجه‌ی دلخواه می‌انجامد یا نه؛ چراکه وجوب عمل به تکلیف شرعی، تابع امر خداوند به عنوان مولا و ربّ است، نه تابع حصول نتیجه‌ی دلخواه و امر خداوند گاهی برای آزمایش یا تربیت یا پاداش اخروی یا تحصیل نتایج دیگری است که بر انسان پوشیده است. بی‌گمان این بزرگ‌ترین درس امام حسین علیه السلام در کربلا بود؛ زیرا آن حضرت در حالی برای اصلاح امتّ جدّش قیام کرد که بسیاری از صحابه امیدی به حصول نتیجه‌ی دلخواه نداشتند و به همین دلیل، با او در این کار همراهی نکردند، بلکه او را از آن باز داشتند؛ همچنانکه یاران اندک او در روز عاشورا تنها با انگیزه‌ی عمل به تکلیف شرعی به حمایت از او پرداختند، وگرنه معلوم بود که با وجود آن تعداد دشمن خونخوار، امیدی به پیروزی وجود ندارد. امروز نیز علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی با اقتدا به سید جوانان اهل بهشت، برای اصلاح امتّ و بازگرداندن آنان به اسلام حقیقی و فراهم ساختن زمینه‌ی ظهور امام مهدی علیه السلام در پرتو کتاب خداوند و سنتّ یقینی پیامبرش قیام کرده است، در حالی که بسیاری از مردم امیدی به حصول نتیجه‌ی دلخواه ندارند و به همین دلیل، با او در این کار همراهی نمی‌کنند، بلکه او را از آن باز می‌دارند؛ غافل از اینکه انگیزه‌ی او از این کار حصول نتیجه‌ی دلخواه نیست، بلکه عمل به تکلیف شرعی است؛ چراکه در جهان بینی توحیدی، ملاک امر خداوند است و عبودیت انسان در اطاعت از این امر تجلّی پیدا می‌کند و با این وصف، جایی برای «نتیجه‌گرایی» باقی نمی‌ماند. نتیجه‌گرایی در واقع انعکاس «سودجویی» انسان است که از «خودخواهی» او بر می‌خیزد و تنها در جهان بینی مادّی

و الحادی جای دارد؛ زیرا تنها در این نوع از جهان بینی است که انسان دست به کاری نمی‌زند مگر اینکه برای او نفعی در دنیا داشته باشد و خوی حسابگری او را اِرضاء کند، در حالی که چنین رویکردی، آزادگی، شرافت و کرامت او را سلب می‌کند و او را به موجودی ضعیف، ترسو و کوتاه‌فکر مبدل می‌سازد و نسلی را پدید می‌آورد که به هر ذلت و مسکنتی تن می‌دهد و همواره از ورود به سرزمین مقدس سر باز می‌زند، با این منطبق بنی اسرائیلی که **«إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ»**^۱؛ «در آن قوم جبّاری هستند و ما هرگز به آن داخل نمی‌شویم تا هنگامی که آن‌ها از آن خارج شوند، پس هرگاه آن‌ها از آن خارج شدند ما داخل می‌شویم»! ...

سومین نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشید، وجود نتیجه‌ای قطعی برای عمل به تکلیف شرعی است و آن همانا خشنودی خداوند و رستگاری از آتش دوزخ است که بهترین نتیجه محسوب می‌شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ﴾**^۲؛ «برای چنین چیزی باید عمل‌کنندگان عمل کنند». با این وصف، عمل به تکلیف شرعی هرگز کاری بیهوده و احمقانه محسوب نمی‌شود؛ زیرا حتی اگر نتیجه‌ای در دنیا نداشته باشد، به سعادت در آخرت و آسایش و رفاه ابدی می‌انجامد و این بزرگ‌ترین نتیجه‌ای است که یک عمل می‌تواند داشته باشد؛ با توجه به اینکه در محکمه‌ی عدل الهی، هیچ‌گاه عمل به تکلیف شرعی با ترک آن برابر نیست و کسی که در راه او تلاش می‌کند با کسی که به بهانه‌های مختلف از تلاش در راه او می‌پرهیزد، یکسان محسوب نمی‌شود؛ چنانکه بارها و با تأکید فرموده است: **﴿قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ﴾**^۳

۱. مائده / ۲۲

۲. صافات / ۶۱

فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱؛ «بگو آلوده با پاکیزه برابر نیست، اگرچه کثرت آلوده تو را به شگفت آورد، پس از خداوند بترسید ای خردمندان باشد که رستگار شوید» و فرموده است: «مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۗ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»^۲؛ «مثل دو دسته مانند کور و کر و بینا و شنوا است، آیا در مثل برابرند؟! آیا پس متذکر نمی‌شوید؟!» و فرموده است: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ ۗ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ»^۳؛ «و کور و بینا برابر نیستند و نه کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و بدکاران، اندکی متذکر می‌شوید» و فرموده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۴؛ «بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند» و فرموده است: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۗ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»^۵؛ «آیا کسانی که بدی‌ها را مرتکب شدند پنداشتند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند؟! زندگی‌شان و مرگشان یکسان است؟! بد قضاوت می‌کنند» و فرموده است: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ ۗ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ»^۶؛ «آیا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند را مانند فساد کنندگان در زمین قرار

۱. مائدة / ۱۰۰

۲. هود / ۲۴

۳. غافر / ۵۸

۴. زمر / ۹

۵. جاثیه / ۲۱

۶. ص / ۲۸

می‌دهیم یا پرهیزکاران را مانند گناه‌کاران قرار می‌دهیم؟!». با این وصف، یاران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی که در راه تحقق حکومت خداوند از طریق تحقق حکومت خلیفه‌ی او تلاش می‌کنند و مردم را به بیعت با خدای یگانه به جای بیعت با خدایان گوناگون فرا می‌خوانند، باید به پاداش خداوند در آخرت چشم داشته باشند، نه به نتیجه‌ای در زندگی دنیا و باید بدانند که بهشت نتیجه‌ای کافی برای تلاش‌های آنان خواهد بود.^۱ هر چند این نتیجه برای کسانی که به زندگی دنیا دل بسته‌اند و به زندگی آخرت اعتقاد یا اعتنایی ندارند، جذاب نیست و از این رو، آنان را به میدان عمل نمی‌کشاند، ولی آنان با این روحیه و انگیزه صلاحیت پیوستن به این نهضت مقدس را هم ندارند و اگر به آن پیوندند هم سودی به آن نمی‌رسانند؛ چنانکه خداوند درباره‌ی امثال آنان فرموده است: ﴿لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعَوُا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ^۲ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾؛ «اگر در میان شما خارج شوند جز سستی بر شما نمی‌افزایند و شما را به فتنه می‌اندازند و در میانتان خبرچینانی برای آنان هستند و خداوند به ظالمان آگاه است»...

چهارمین نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشید، وجود نتیجه‌ای قطعی برای نهضت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در دنیا -علاوه بر آخرت- است و آن همانا یکی از دو چیز خواهد بود: بازگشت عده‌ای کافی از مردم به اسلام و اجتماع و آمادگی آنان برای حمایت از امام مهدی علیه السلام که بنا بر سنتی از خداوند به ظهور آن حضرت منتهی خواهد شد یا استنکاف آنان از این کار پس از اتمام حجت بر آنان که بنا بر سنتی دیگر از خداوند به هلاکت آنان و پیدایش قومی دیگر خواهد انجامید

۱. بنگرید به: گفتار ۲۱.

۲. توبه/ ۴۷

که البته آن نیز در نهایت به ظهور آن حضرت منتهی خواهد شد.^۱ با این وصف، کسانی که می‌پندارند نهضت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به هیچ نتیجه‌ای در دنیا نخواهد انجامید، در غفلت و اشتباهی عظیم به سر می‌برند؛ چراکه این نهضت در حال اتمام حجت بر اهل دنیا از طریق حکمت، موعظه‌ی حسنه و جدال به أحسن است و با این وصف، اگر به یک نتیجه در آن نینجامد، ناگزیر به نتیجه‌ای دیگر در آن خواهد انجامید! ...

پنجمین نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشید این است که خداوند به ناپود کردن ظالمان اگر چه تا دندان مسلح باشند و «کران تا کران این بی‌کران را پر کرده باشند» و پیروز کردن مستضعفان بر آنان قادر است؛ چراکه در گذشته بارها این کار را انجام داده و قادر است که یک بار دیگر آن را انجام دهد و برای آن شیوه‌ها و ابزارهای فراوانی دارد؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ۗ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾^۲؛ «و اراده داریم بر کسانی که در زمین ضعیف شمرده شدند منت نهیم و آنان را پیشوایانی قرار دهیم و آنان را وارثان قرار دهیم و آنان را در زمین مکنت دهیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان از آنان چیزی را نشان دهیم که از آن می‌ترسیدند»، ولی او تنها هنگامی این کار را انجام می‌دهد که مستضعفان از صفوف ظالمان جدا شده و وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را انجام داده باشند؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۳؛ «و اگر نبود بنای بر جدایی حتماً میان آنان فیصله

۱. در این باره، بنگرید به: نقد و بررسی ۸۹.

۲. قصص / ۵ و ۶

۳. شوری / ۲۱

می‌شد و هرآینه ظالمان برایشان عذابی دردناک است» و فرموده است: **﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾**^۱؛ «اگر از یکدیگر جدا می‌شدند حتماً کسانی از آنان که کافر شدند را عذابی دردناک می‌رساندیم» و فرموده است: **﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابِ بَيْسِي بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾**^۲؛ «پس چون چیزی که یادآوری شدند را از یاد بردند، کسانی که از بدی نهی می‌کردند را نجات دادیم و کسانی که ظلم کردند را به عذابی ناگوار گرفتیم به سبب اینکه فسق می‌ورزیدند». این به معنای آن است که نابود کننده‌ی ظالمان در واقع مستضعفان نیستند تا این سؤال پیش آید که چگونه از عهده‌ی آن بر خواهند آمد، بل خداوند خواهد بود که بر هر کاری تواناست و مستضعفان تنها زمینه‌ی آن را فراهم می‌سازند؛ به این ترتیب که با اجابت دعوت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به سوی امام مهدی علیه السلام، از صفوف ظالمان جدا می‌شوند و با گسترش دعوت او در جهان حجت را بر همگان تمام می‌کنند و این به خداوند اجازه می‌دهد که عذاب خود را با هر شکل و شیوه‌ای که می‌خواهد بر ظالمان نازل کند. بنابراین، تأکید علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی بر ضرورت اجتماع مؤمنان و فراهم ساختن امکانات لازم برای حمایت از امام مهدی علیه السلام در واقع از آن روست که این کار، کلید دروازه‌ی بسته‌ی نصرت الهی است؛ زیرا نصرت الهی تنها هنگامی نازل می‌شود که مؤمنان وظیفه‌ی خود را با حدّ اکثر توانشان انجام داده باشند؛ چنانکه فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾**^۳؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! اگر خداوند را یاری کنید او شما را یاری می‌کند و گام‌هاتان را استوار می‌دارد» و

۱. فتح / ۲۵

۲. اعراف / ۱۶۵

۳. محمد / ۷

فرموده است: **﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾**^۱؛ «آری، اگر پایداری کنید و تقوا پیش گیرید و با این خروش خود بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار تن از فرشتگان نشاندار امداد می‌کند» و فرموده است: **﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾**^۲؛ «و هرآینه خداوند کسی که او را یاری کند را یاری می‌کند، هرآینه خداوند نیرومندی عزیز است» و فرموده است: **﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۗ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُم مِّن بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾**^۳؛ «اگر خداوند شما را یاری کند هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر شما را خوار دارد چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟! و مؤمنان باید بر خداوند توکل کنند» و فرموده است: **﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتِمُ الْبَاسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَزُلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ ۗ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾**^۴؛ «آیا پنداشتید که به بهشت داخل می‌شوید در حالی که هنوز مثل چیزی که به گذشتگان‌تان رسید به شما نرسیده است؟! گرفتاری و آسیب به آنان رسید و به لرزه درآمدند تا آن‌گاه که پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند گفتند: یاری خداوند کی است؟! آگاه باشید که یاری خداوند نزدیک است». بنابراین، رمز ظهور و پیروزی امام مهدی علیه السلام، یاری خداوند است و رمز یاری خداوند، اجتماع، آمادگی و تلاش حدّ اکثری مؤمنان برای یاری اوست، اگرچه از منظر معادلات مادی و سطحی، ناچیز و بی‌فایده به نظر برسد.^۵

۱. آل عمران / ۱۲۵

۲. حج / ۴۰

۳. آل عمران / ۱۶۰

۴. بقره / ۲۱۴

۵. در این باره، بنگرید به: نقد و بررسی ۷۶.

بی‌گمان مجموع این نکات، جایی برای ناامیدی مؤمنان و تغلّل آنان در پیوستن به نهضت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام باقی نمی‌گذارد؛ **﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾**^۱؛ «و عاقبت برای پرهیزکاران است» [نقد و بررسی ۱۲۳].

* برای مطالعه‌ی نکات بیشتر درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام»، به بخش‌های مختلف پایگاه مراجعه کنید.





آشنایی با

نهضت «بازگشت به اسلام»

اخبار نهضت

اخبار نهضت



در تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۹۳ هجری شمسی، همزمان با عید قربان ۱۴۳۵ هجری قمری، چاپ یکم کتاب شریف «بازگشت به اسلام» تقریر درس‌های علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به زبان فارسی، در بدخشان منتشر و در افغانستان توزیع شد.



در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۹۳ هجری شمسی، کتاب شریف «بازگشت به اسلام» در سراسر ایران توزیع و برای بسیاری از علما، اساتید و نخبگان این کشور ارسال شد و واکنش‌های متعددی را برانگیخت.



در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۹۳ هجری شمسی، همزمان با توزیع کتاب شریف «بازگشت به اسلام» در ایران، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به زبان فارسی، شروع به فعالیت کرد.



در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۹۳ هجری شمسی، یعنی تنها ۵ روز پس از شروع به کار پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، یک پایگاه معاند توسط عناصر وابسته به دستگاه امنیتی ایران، برای

مقابله با آن راه‌اندازی شد، تا دشمنی عجیب، نسنجیده و شتابزده‌ی نظام ایران با نهضت «بازگشت به اسلام» و زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام آغاز شود.



در آذر ۱۳۹۳ هجری شمسی، سیزده نفر از دوستان علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهرهای تهران، قم، مشهد، شیراز، گرگان و همدان، توسط سازمان اطلاعات سپاه ایران، به جرم مشارکت در توزیع کتاب شریف «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر شدند.



در آذر ۱۳۹۳ هجری شمسی، صفحات رسمی نهضت «بازگشت به اسلام» در شبکه‌های اجتماعی، آغاز به کار کردند.



در تاریخ ۸ دی ۱۳۹۳ هجری شمسی، اطلاعیه‌ی شماره‌ی ۱ دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در تکذیب و ردّ اتهامات و شایعات بی‌اساس درباره‌ی ایشان در برخی کشورهای اسلامی، منتشر شد. برای خواندن آن، اینجا را کلیک کنید.



در دی ۱۳۹۳ هجری شمسی، یکی از دوستان علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهر مشهد، توسط سازمان اطلاعات سپاه ایران به جرم مشارکت در توزیع کتاب شریف «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام، دستگیر شد.



در تاریخ ۲۰ دی ۱۳۹۳ هجری شمسی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی فراخوانی را منتشر و از همه‌ی مخالفان گفتمان اسلامی این عالم بزرگوار خصوصاً حوزویان و دانشگاهیان در ایران دعوت کرد که به جای واکنش‌های احساسی و شتابزده، به نقد علمی آن روی آورند و مقالات انتقادی خود درباره‌ی کتاب شریف «بازگشت به اسلام» را به این دفتر ارسال کنند تا بر روی پایگاه قرار گیرد. برای خواندن این فراخوان، اینجا را کلیک کنید.



در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۹۳ هجری شمسی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، توسط نظام جمهوری اسلامی ایران فیلتر شد، تا از گسترش سریع و روزافزون نهضت «بازگشت به اسلام» و زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام در میان مردم این کشور، جلوگیری شود. برای خواندن اطلاعیه‌ی پایگاه در این باره، اینجا را کلیک کنید.



در تاریخ ۵ آذر ۱۳۹۴ هجری شمسی، بسته‌ی نرم‌افزاری «جامع المنصور ۱» منتشر شد.



در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۹۴ هجری شمسی، پس از طی مراحل قانونی، کتاب شریف «بازگشت به اسلام» با شماره استاندارد بین المللی کتاب (شابک) 978-9936-1-0058-9 ثبت و در مرکز جمهوری اسلامی افغانستان (کابل) باز نشر شد. برای خواندن اطلاعیه‌ی پایگاه در این باره، اینجا را کلیک کنید.



در زمستان ۱۳۹۴ هجری شمسی، چاپ یکم کتاب شریف «الکلم الطیب»

حاوی مجموعه‌ی نامه‌های علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در بدخشان افغانستان منتشر شد.



در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ هجری شمسی، نسخه‌ی جدید پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی راه‌اندازی شد. همچنین، این پایگاه از مسلمانان آشنا با زبان‌های مختلف برای ترجمه‌ی مطالب آن به زبان‌های دیگر دعوت کرد.



در تاریخ ۲ تیر ۱۳۹۵ هجری شمسی، ترجمه‌ی تاجیکی کتاب شریف «بازگشت به اسلام» در شهر ختلان تاجیکستان منتشر شد و پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به زبان تاجیکی آغاز به کار کرد.



در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۹۵ هجری شمسی، بسته‌های معرفتی «هدایت» حاوی نامه‌ها و گفتارهای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و مجموعه‌ی شرح‌ها، نقدها و بررسی‌ها و پرسش‌ها و پاسخ‌های مرتبط درباره‌ی برخی موضوعات مهم اسلامی منتشر شد.



در مرداد ۱۳۹۵ هجری شمسی، نسخه‌ی یکم کتاب «مجموعه‌ی نقدها و بررسی‌های کتاب بازگشت به اسلام» منتشر شد.



در تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۹۵ هجری شمسی، کتاب شریف «مناهج الرسول صلی الله علیه و آله و سلم» حاوی مجموعه‌ی گفتارهای نورانی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی منتشر شد.

۱۹

در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۹۵ هجری شمسی، نرم‌افزار «نسیم رحمت» حاوی نسخه‌ی آفلاین پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی منتشر و به صورت گسترده در ایران توزیع شد.

۲۰

در بهمن ۱۳۹۵ هجری شمسی، یکی از دوستاناران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهر اصفهان، توسط پلیس امنیت ایران به جرم تبلیغ نهضت «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر شد و به مدت ۴۰ روز تحت بازداشت، بازجویی و فشار قرار گرفت.

۲۱

در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر اصفهان صورت گرفت.



ایران؛ اصفهان؛ خیابان بزرگمهر

۲۲

در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۹۶ هجری شمسی، ترجمه‌ی انگلیسی کتاب شریف «بازگشت به اسلام» همزمان در دهلی هند و مریلند آمریکا منتشر شد و پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به زبان انگلیسی آغاز به کار کرد.

۲۳

در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر مشهد صورت گرفت.



ایران؛ مشهد؛ خیابان صدف



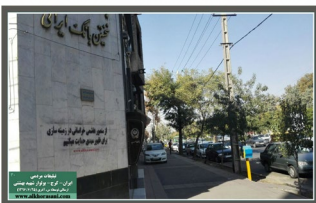
ایران؛ مشهد؛ بولوار نمایشگاه

۲۴

در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر کرج صورت گرفت.



ایران؛ کرج؛ خیابان مطهری



ایران؛ کرج؛ بولوار شهید بهشتی



ایران؛ کرج؛ میدان توحید

۲۵

در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر شیراز صورت گرفت.



ایران؛ شیراز؛ پل کریم خان زند



ایران؛ شیراز؛ خیابان کریم خان زند

۲۶

در تاریخ ۵ مهر ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر کرج صورت گرفت.



ایران؛ کرج؛ بولوار پونه

۲۷

در تاریخ ۶ مهر ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر مشهد صورت گرفت.



ایران؛ مشهد؛ بلوار وکیل آباد

۲۸

در تاریخ ۷ مهر ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر خرامه از توابع شیراز صورت گرفت.



ایران؛ شیراز؛ شهرستان خرامه



ایران؛ شیراز؛ شهرستان خرامه

۲۹

در تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۹۶ هجری شمسی، طرح ترور علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، افشا شد. برای آگاهی در این باره، به نقد و بررسی ۱۲۴ و مقاله‌ی ۶۰ مراجعه کنید.

۳۰

در تاریخ ۳ آبان ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر قزوین صورت گرفت.



ایران؛ قزوین؛ خیابان تبریز

۳۱

در تاریخ ۵ آبان ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر قم و جمکران صورت گرفت.



ایران؛ قم؛ جمکران

۳۲

در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۹۶ هجری شمسی، همزمان با راهپیمایی اربعین، موبک دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در نزدیکی حرم امام حسین علیه السلام بر پا شد و تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند، در شهرهای کربلا و نجف صورت گرفت.



عراق؛ مسیر نجف به کربلا



عراق؛ حرم امام علی علیه السلام



عراق؛ کربلا؛ نزدیک‌ترین موبک به حرم امام حسین علیه السلام



عراق؛ مسیر نجف به کربلا



عراق؛ کربلا؛ نزدیک‌ترین موبک به حرم امام حسین علیه السلام



عراق؛ مسیر نجف به کربلا

۳۳

در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر مشهد صورت گرفت.



ایران؛ مشهد؛ بولوار چمن



ایران؛ مشهد؛ بولوار طبرسی

۳۴

در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر نجف صورت گرفت.



عراق؛ نجف؛ حرم امام علی علیه السلام



عراق؛ مسیر نجف به کربلا

۳۵

در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۹۶ هجری شمسی، تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» توسط مردم علاقه‌مند به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در سطح شهر کربلا صورت گرفت.

تبلیغات گسترده درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» : عراق؛ کربلا



۳۶

در آذر ۱۳۹۶ هجری شمسی، سه نفر از دوستداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهرهای اصفهان و شیراز توسط سازمان اطلاعات سپاه ایران، به جرم تبلیغ نهضت «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر و توسط دادگاه ویژه روحانیت، به دو سال حبس تعزیری محکوم شدند، ولی محکومیت آنان در دادگاه تجدید نظر، به دو سال حبس تعلیقی تبدیل شد.

۳۷

در آذر ۱۳۹۶ هجری شمسی، یکی از دوستداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهر بجنورد، توسط سازمان اطلاعات سپاه ایران به جرم توزیع کتاب شریف «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر شد.

۳۸

در آذر ۱۳۹۶ هجری شمسی، یکی از دوستداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهر تهران، توسط نیروی انتظامی ایران، به جرم توزیع کتاب شریف «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر شد و پس از سه روز با تعهد آزاد گردید.

۳۹

در پاییز ۱۳۹۶ هجری شمسی، کتاب شریف «دروازه‌ای به سوی ملکوت» حاوی بخش آشنایی پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی منتشر شد.

۴۰

در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۹۶ هجری شمسی، نسخه‌ی موبایل و تبلت پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی راه‌اندازی شد.

۴۱

در تاریخ ۹ خرداد ۱۳۹۷ هجری شمسی، نامه‌ی تهدیدآمیز مسؤولان ارتش ایران خطاب به کارکنان خود درباره‌ی تبلیغ نهضت «بازگشت به اسلام» در این نهاد نظامی، توسط طرفداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی افشا شد. برای آگاهی در این باره، به نقد و بررسی ۱۳۵ مراجعه کنید.

۴۲

در تاریخ ۳ تیر ۱۳۹۷ هجری شمسی، کتابی بسیار ضعیف و آمیخته به انواع تحریف و افترا، توسط برخی حوزویان وابسته به سازمان اطلاعات سپاه ایران، در ردّ کتاب شریف «بازگشت به اسلام» و نهضت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام منتشر شد که مدّتی بعد، توسط برخی اساتید فاضل از دستداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی پاسخ داده شد. برای آگاهی از محتوای این کتاب و پاسخ داده شده به آن، به سلسله مقالات «پرچم‌های هدایت؛ پاسخ به شبهاتی پیرامون نهضت مقدّس بازگشت به اسلام» مراجعه کنید.

۴۳

در تاریخ ۳۱ مرداد ۱۳۹۷ هجری شمسی، ترجمه‌ی عربی کتاب شریف «بازگشت به اسلام» در بغداد منتشر شد و پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به زبان عربی، آغاز به کار کرد.

۴۴

در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۹۷ هجری شمسی، کتاب شریف «هندسه‌ی عدالت؛ روایتی از یک گفتگو با منصور هاشمی خراسانی»، در بلخ افغانستان منتشر شد.

۴۵

در تاریخ ۷ دی ۱۳۹۷ هجری شمسی، دفتر نوری همدانی از مراجع تقلید شیعه، در پاسخ به استفتائی درباره‌ی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی نوشت: «بسمه تعالی؛ سلام علیکم؛ این مرکز از هر گونه اظهار نظر در مورد اشخاص معذور است.» این در حالی است که نامبرده، به اظهار نظر درباره‌ی مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی شهره است!

۴۶

در دی ۱۳۹۷ هجری شمسی، یکی از دوستاناران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهر مشهد، توسط سازمان اطلاعات سپاه ایران، به جرم مشارکت در توزیع کتاب شریف «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر و توسط دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی ایران، به یک سال حبس تعزیری و سه سال حبس تعلیقی محکوم شد و پس از تحمل پنج ماه حبس ظالمانه، آزاد شد.

۴۷

در تاریخ ۹ دی ۱۳۹۷ هجری شمسی، دفتر ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید شیعه، در پاسخ به استفتائی درباره‌ی کتاب «بازگشت به اسلام»، با بیانی کلی و عاری از هر گونه توضیح و استدلال نوشت:

«با توجه به مطالبی که از ایشان بدست ما رسید، کتاب مزبور فاقد اعتبار علمی است و پاره‌ای قضاوت‌های نادرست کرده است که باید از چنین کتاب‌هایی پرهیز کرد. لذا سزاوار است به این نوع حرف‌ها که پایه و اساسی ندارد توجه نکرده و وقت خود را صرف آن ننمایید.»

دانشمند فاضل جناب آقای دکتر ذاکر معروف مسؤول دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در پاسخ به این قبیل اشخاص مدعی علم و این قبیل موضع‌گیری‌های کلی و تحکم‌آمیز آنان نوشت: >آخرین شگرد تبلیغاتی برای مقابله با نهضت مبارک «بازگشت به اسلام»، نقد کلی و اجمالی آن است که غالباً توسط مدعیان علم و فضل انجام می‌شود. اینان که به دلیل موقعیت اجتماعی ساختگی و پوشالی‌شان، روی فحاشی ندارند و این کار را به نوچه‌ها و مریدانشان واگذار کرده‌اند، وقتی از سکوت، بی‌اعتنایی و نادیده گرفتن طرفی نمی‌بندند و با انکار، استخفاف و بی‌اهمیت شمردن به جایی نمی‌رسند و از غیر علمی و وهم‌آلود نشان دادن خسته می‌شوند و شبیه‌نمایی و قیاس مع الفارق را کافی نمی‌یابند، شکم‌های بزرگشان را بر روی میزهاشان می‌گذارند و چانه‌های محترم را به گردش در می‌آورند و گلوی مبارک را صاف می‌کنند و ضمن بر حذر داشتن نوچه‌ها و مریدان از «این قبیل جریان‌ها»، به خود زحمت می‌دهند و می‌فرمایند: «اشکالات فراوانی در کتاب بازگشت به اسلام وجود دارد!» البته این بزرگواران دیگر به خود زحمت نمی‌دهند که حتی یکی از این «اشکالات فراوان» را ذکر و با دلیل رد کنند؛ چراکه نوچه‌ها و مریدان، «مقلد» یعنی گوسفند تشریف دارند و برای گوسفندها همین اندازه افاضه فرمودن کافی است! از نظر این جانورانِ **﴿صَمٌّ بَكْمٌ عُمِيٌّ﴾** یعنی چشم و گوش و زبان بسته، با همین کلی‌گویی بی‌دلیل، وحی نازل شده و معجزه به ظهور رسیده و پرونده‌ی

نهضت «بازگشت به اسلام» و گفتمان مستدلّ علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی بسته شده است و دیگر نیازی به توضیح و استدلال نیست! به این ترتیب، ۳۰۰ صفحه کتاب مملو از آیات قرآنی و احادیث متواتر نبوی و احکام عقلی که از بیش از ۱۵۰ منبع معتبر و دست اوّل اسلامی مایه گرفته است، با یک جمله‌ی «اشکالات فراوانی دارد»، کنار گذاشته می‌شود؛ چراکه این جمله را «ملاً» گفته است؛ همان «**أَزْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ**» که دیروز حکم اعدام پیامبران را صادر می‌کرد و امروز حکم اعدام مهدی را صادر می‌کند و می‌گوید: «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد اهمّیتش بیشتر است»؛ همان کسی که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی درباره‌ی او فرموده است:

«همانا این دین، از عالمانِ خویش، بیش از جاهلانِ خویش لطمه دیده و از فقیهانِ خویش، بیش از سفیهانِ خویش ضربه خورده است؛ چراکه لغزشِ جاهل، لغزشِ جاهل است و لغزشِ عالم، عالمی را می‌لغزاند! همانا یک بدی فقیه، هزار خوبی او را از بین می‌برد و شرّ قلیلش، از خیر کثیرش بی‌نیاز می‌کند! وای بر عالمان بد که در پی جلب رضایت سلطان‌اند؛ پس حق را باطل و باطل را حق می‌نمایند و بر ضدّ مستضعفان و به سود مستکبران فتوا می‌دهند؛ همانان که اموال مهدی را می‌خورند و از راه او باز می‌دارند؛ هنگامی که دعوت من به سوی او را می‌شنوند و آن را در گمراهی می‌شمارند، تا مردم را از اجابت آن باز دارند و از حرکت به سوی مهدی مشغول سازند، تا حکومت‌شان در زمین جاودانه باشد و به جای او اطاعت شوند؛ مانند کاهنان بنی اسرائیل که پیامبران خدا

را تکذیب کردند و از اقامه‌ی احکام او باز داشتند، تا تقالیدشان برای همیشه محفوظ باشد و از رزق‌شان در صبح و شام کاسته نشود! وای بر آنان که تسمه از گُرده‌ی مستحب کشیده‌اند، اما از اوجب واجبات غافل‌اند! نصاب طلا و نقره را می‌دانند، ولی از چون و چرای غیبت آگاهی ندارند! سهم امام از خمس را می‌شناسند، ولی سهم امام از حکومت را به یاد نمی‌آورند! نماز در جای دیگری را باطل می‌شمارند، ولی حکومت در جای دیگری را جایز می‌پندارند! خَس را در چشم مردم می‌بینند، ولی چنار را در آن نادیده می‌گیرند! مگس را از پشت مردم می‌پرانند، ولی شتر را بر آن باقی می‌گذارند! در حالی که هر کس پیشانی‌اش تبر خورده است، از خراش انگشتش پروا ندارد و هر کس در دریا غرق می‌شود، از خیس شدن لباسش اندیشناک نیست! آیا از آنان میثاق گرفته نشد و در کتاب خداوند نیاموختند که درباره‌ی او جز حق نگویند و از راه او باز ندارند و ستم‌پیشه را بر ضد ستم‌دیده یاری نرسانند؟! پس وای بر آنان از کیفری در زندگی دنیا و وای بر آنان از آتشی که برایشان افروخته شده است!».

افسوس که برخی از مردم هنوز به خطر این طبقه پی نبرده‌اند و آنان را «آیت خداوند» و «حجّت اسلام و مسلمین» می‌پندارند و نمی‌دانند که آنان در سایه‌ی این اعتماد افسارگسیخته و بی‌حساب و کتاب، چه خیانتی به خداوند کرده‌اند و چه آتشی بر خرمن اسلام و مسلمین زده‌اند! < (مقاله‌ی شگردهای تبلیغاتی برای مقابله با نهضت «بازگشت به اسلام»)

۴۸

در تاریخ ۹ دی ۱۳۹۷ هجری شمسی، دفتر بیات زنجانی از مراجع تقلید شیعه، در پاسخ به استفتائی درباره‌ی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی نوشت: «باسلام و تحیت؛ این سامانه متولّی پاسخگوئی به سؤالات فقهی است و پیرامون افراد مختلف ورود نمی‌کند.»

۴۹

در تاریخ ۱۰ دی ۱۳۹۷ هجری شمسی، دفتر علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به استفتائی درباره‌ی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی نوشت: «این پایگاه فقط پاسخگوی سؤالات عام فقهی می‌باشد.» این در حالی است که نامبرده، فرماندهی کلّ قوایی است که آشکارا در برابر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی ایستاده است!

۵۰

در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۹۷ هجری شمسی، دفتر محمّد حسین شاهرودی از مراجع تقلید شیعه، در پاسخ به استفتائی درباره‌ی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی نوشت: «شخص نامبرده را نمی‌شناسیم و از نحوه‌ی فعالیت‌های او اطلاعی نداریم و مورد تأیید نمی‌باشد.» در حالی که شناختن و اطلاع نداشتن برای یک مرجع تقلید، عذر محسوب نمی‌شود؛ زیرا وظیفه‌ی او تحقیق و بررسی است تا توان پاسخگویی آگاهانه را حاصل کند. وانگهی عبارت «مورد تأیید نمی‌باشد» به ردّ علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی شبیه است، در حالی که ردّ او بدون شناختنش و اطلاع نداشتن از فعالیت‌هایش، در شأن یک مرجع تقلید نیست.

۵۱

در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۹۷ هجری شمسی، دفتر یوسف صانعی از مراجع تقلید شیعه، در پاسخ به استفتائی درباره‌ی نهضت «بازگشت به اسلام» نوشت: «در خصوص مسائل فقهی انسان باید طبق نظر مرجع تقلیدش عمل نماید و لذا نظر دیگران که مجتهد اعلم نیستند حجت نمی‌باشد و در خصوص مسائل اعتقادی انسان باید خود با مطالعه و تحقیق به نتیجه برسد و تقلید جایز نیست و لذا مطالعه‌ی کتب افراد و خواندن نظرات مانعی ندارد، ولی باید آن بر کتاب خدا و سنت و روایات اهل بیت و نظر بزرگانی مانند علامه طباطبایی و یا شهید مطهری عرضه نماید و بعد بین خود و خداوند به مسئله‌ای معتقد شود.» در حالی که اولاً معلوم نیست خود نامبرده مجتهد اعلم باشد و با این وصف، نظرش حجت نیست و ثانیاً معلوم نیست که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی مجتهد اعلم نباشد و با این وصف، ممکن است نظرش حجت باشد و ثالثاً کتاب «بازگشت به اسلام» با کتاب خدا و سنت و روایات متواتر مطابقت دارد و به همین دلیل، صحیح است و رابعاً قرار دادن نظر بزرگانی مانند طباطبایی و مطهری در کنار کتاب خدا و سنت و روایات اهل بیت انحرافی آشکار است که از عامه‌ی مسلمین هم انتظار نمی‌رود، چه رسد به یک مرجع تقلید!

۵۲

در دی ۱۳۹۷ هجری شمسی، پنج نفر از دوستداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهر مشهد، توسط نیروهای بسیج ایران، به جرم تبلیغ نهضت «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر شدند و پس از طی مراحل قضایی، سه نفر از آنان تبرئه و یک نفر از آنان به شش ماه حبس تعزیری و یک نفر دیگر به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند.



در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۹۷ هجری شمسی، دفتر محمد سعید حکیم از مراجع تقلید شیعه، در پاسخ به استفتائی درباره‌ی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی نوشت: «نصیحت می‌نماییم که از قبیل این ادعاها و اشخاص مجهول الهویه بر حذر باشند. در دین نباید از اشخاص با هویت مبهم تبعیت شود. در برهه‌ی اخیر چندین ادعاهای از این قبیل برای برهم زدن فرهنگ و عقاید اصیل شیعیان دیده می‌شود و از این ادعاها و اشخاص به عنوان ابزار جنگ نرم استفاده می‌شود. روش شرعی برائت ذمه‌ی مؤمن، همان روشی است که در قرآن مجید و روایات معتبر از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام بیان شده و سیره‌ی علمای شیعه بر آن بیش از هزار و سیصد سال برای آن جاری می‌باشد.»

جای تأسف است که مدعیان علم و اجتهاد و مرجعیت در میان شیعه که خود با حمایت سیاسی، مالی و رسانه‌ای حاکمان فاسد و مستکبر، از مجهولیت درآمده‌اند و شهرتی کسب کرده‌اند، عدم شهرت یک شخصیت را دلیلی کافی برای عدم تبعیت از او می‌پندارند، بدون اینکه به قول و فعل و اندیشه‌ی او توجهی بکنند و عجیب آنکه این جهالت و ضلالت آشکار خود - که بر خلاف اولیای اسلام است - را سازگار با قرآن مجید و روایات معتبر از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام می‌شمارند! به راستی که اینان همان علماء سوء در آخر الزمان هستند که کانون فتنه و انحرافند و تبعیت از آنان به خسران دنیا و آخرت می‌انجامد؛ چنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در وصف آنان فرموده است:

«وای بر عالمان بد که در پی جلب رضایت سلطان‌اند؛ پس حق را باطل و باطل را حق می‌نمایند و بر ضدّ مستضعفان

و به سود مستکبران فتوا می‌دهند؛ همانان که اموال مهدی را می‌خورند و از راه او باز می‌دارند؛ هنگامی که دعوت من به سوی او را می‌شنوند و آن را در گمراهی می‌شمارند، تا مردم را از اجابت آن باز دارند و از حرکت به سوی مهدی مشغول سازند، تا حکومت‌شان در زمین جاودانه باشد و به جای او اطاعت شوند؛ مانند کاهنان بنی اسرائیل که پیامبران خدا را تکذیب کردند و از اقامه‌ی احکام او باز داشتند، تا تقالیدشان برای همیشه محفوظ باشد و از رزق‌شان در صبح و شام کاسته نشود!» (گفتار ۲۹)



در اردیبهشت ۱۳۹۸ هجری شمسی، یکی از دوستداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهر بجنورد، توسط سازمان اطلاعات سپاه ایران، به جرم تبلیغ نهضت «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر و پس از پنج روز آزاد شد.



در خرداد ۱۳۹۸ هجری شمسی، یکی از دوستداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهر مشهد، توسط نیروی انتظامی ایران، به جرم تبلیغ نهضت «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر و پس از یک روز آزاد شد.



در خرداد ماه ۱۳۹۸ هجری شمسی، یکی از دوستداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهر تهران، توسط سازمان اطلاعات سپاه ایران، به جرم تبلیغ نهضت «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی

برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر و توسط دادگاه انقلاب این کشور، به شش ماه حبس تعزیری ظالمانه محکوم شد.



در مرداد ۱۳۹۸ هجری شمسی، هفت نفر از دوستداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهر مشهد، توسط سازمان اطلاعات سپاه ایران، به جرم تبلیغ نهضت «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر و توسط دادگاه انقلاب این کشور، با لحاظ طی کردن بین یک تا دو ماه حبس در بازداشتگاه، تبرئه شدند.



در آذر ۱۳۹۸ هجری شمسی، پنج نفر از دوستداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهر شیراز، توسط پلیس امنیّت ایران، به جرم تبلیغ نهضت «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر و به سازمان اطلاعات سپاه ایران تحویل داده شدند و سپس توسط دادگاه انقلاب این کشور، به ۹ ماه حبس تعزیری ظالمانه محکوم شدند، هر چند مدّت آن در دادگاه تجدید نظر، به ۶ ماه تقلیل یافت.

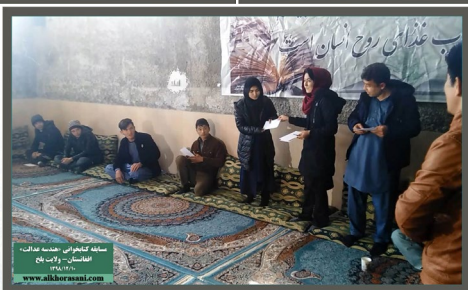


در آذر ۱۳۹۸ هجری شمسی، چهار نفر از دوستداران علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در شهرهای قزوین و زنجان، توسط سازمان اطلاعات سپاه ایران، به جرم تبلیغ نهضت «بازگشت به اسلام» و دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستگیر شدند.

۶۰

در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۹۸ هجری شمسی، یک مسابقه‌ی کتابخوانی با موضوع کتاب شریف «هندسه‌ی عدالت»، با حضور جوانان علاقه‌مند افغانستان، در ولایت بلخ برگزار شد و به نفرات برتر جوایزی از جانب دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی اهدا گردید.

مسابقه‌ی کتابخوانی «هندسه‌ی عدالت»: افغانستان؛ ولایت بلخ



۶۱

در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۹۹ هجری شمسی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر
علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به زبان روسی، آغاز به
کار کرد.



جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، عالمی عادل، دعوتگری مجاهد و رهبری انقلابی در خراسان بزرگ است که از مکتب اعتقادی و فقهی ممتازی مبتنی بر یقینات اسلامی و به دور از رهیافت‌های ظنی برخوردار است و الگوی اعتدال، عقلانیت و وفاداری به مبانی و آرمان‌های اصیل اسلامی در عصر حاضر محسوب می‌شود و همه‌ی عمر مبارک خود را صرف اصلاح عقاید و اعمال مسلمانان و مبارزه با بدعتها و انحرافات موجود در مذاهب اسلامی کرده است و اکنون نهضتی جهانی را با شعار «بازگشت به اسلام» و نماد پرچم‌های سیاه‌نبوی رهبری می‌کند که هدف آن، زمینه‌سازی برای تحقق حکومت جهانی خداوند، از طریق تأسیس حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام به عنوان خلیفه‌ی خداوند در زمین است؛ با توجه به اینکه معتقد به امکان و حتمیت ظهور امام مهدی علیه السلام - این موعود پیامبران - در صورت وجود یاران کافی و آماده برای اوست و از این رو، همه‌ی تلاش خود را به کار می‌برد که از طریق گردآوری و تربیت یاران کافی و آماده برای او، زمینه‌ی ظهورش را فراهم سازد، تا این گونه راه برای تحقق عدالت جهانی و نجات انسان از خسران هموار شود ان شاء الله.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی